روزنامه خبری، تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فرهیختگان

فصل جدید رادیو مضمون:
روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۴۷۸۱
پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۵
۲۸ دسامبر ۲۰۲۳
شماره ۴۰۴۳

www.Fdn.ir | Thu | 28 Dec 2023 | vol.15 | No. 4043 | 16 Pages

تاکید رهبر انقلاب بر رفع یک معضل ۱۲ ساله در قانونگذاری حوزه زنان

گره لایحه امنیت زنان باز شد

رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از بانوان نکات مهمی درخصوص نمایندگی مجلس و **وزارت زنان** مطرح کردند

دفاع از زنِ سیاسی

۲و۱

سینمای جهان از رکود فرار کرد

مجموع فروش فیلم‌های سینمایی در ۲۰۲۳ نسبت به ۲ سال اخیر رشد کرد ولی به قبل از کرونا نرسید

۱۲و۱۳

آیا ماجرای ابردزدی ترکیه یک افسانه است؟

ابر می‌بارد و من می‌شوم از مرز جدا!

۷

حقوقی‌ها زمین می‌خرند خانه گران می‌شود

حسین درودیان و محمدرضا یزدی‌زاده از دلایل رشد نامتعارف قیمت مسکن می‌گویند

۱۴و۱۵

رهبر انقلاب در دیدار با جمعی از بانوان نکات مهمی درخصوص نمایندگی مجلس و وزارت زنان مطرح کردند

دفاع از زنِ سیاسی

رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح امروز در دیدار هزاران نفر از زنان و دختران، به تبیین دیدگاه منطقی و عقلانی اسلام درباره ابعاد مختلف حضور زنان در خانواده و فعالیت نامحدود آنان در اجتماع، سیاست و مدیریت‌های سطوح گوناگون پرداختند و تاکید کردند: «در اسلام راه هر نوع فعالیت اجتماعی برای زنان همچون مردان باز است، به شرط رعایت دو حساسیت مهم؛ یعنی موضوع خانواده و مراقبت از خطر جاذبه‌های جنسی.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این دیدار که در آستانه ولادت حضرت فاطمه زهرا(س) انجام شد، عظمت شخصیت بانوی دوعالم را غیرقابل درک خواندند و افزودند: «براساس حدیثی معتبر، خداوند از خشم حضرت فاطمه(س) به خشم می‌آید و از خشنودی او خشنود می‌شود که بالاتر از این، هیچ فضیلتی برای انسان قابل تصور نیست؛ بنابراین هرکس رضایت پروردگار را می‌خواهد باید به توصیه‌ها، درس‌ها و جهت‌گیری‌های آن حضرت در خانواده و در جایگاه دختری، مادری، همسری، و در عرصه اجتماع و سیاست عمل کند.»

ایشان هویت زن، ارزش‌ها، حقوق، تکالیف، آزادی‌ها و محدودیت‌های او را مساله حیاتی و بسیار تعیین‌کننده دانستند و گفتند در قبال این مساله بسیار مهم، دو رویکرد کلی غربی و اسلامی در جهان وجود دارد که مقابل هم هستند.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به گریز نظام تمدنی و فرهنگی غرب از مباحثه درباره مسائل مهم زنان افزودند: «غربی‌ها چون درباره زنان منطقی ندارند، در قبال هر سوال و موضوعی، تلاش می‌کنند حرف خود را با جنجال و هوچی‌گری، خریدن شخصیت‌های سیاسی و غیرسیاسی استفاده ابزاری از هنر و ادبیات و فضای مجازی و تسلط بر مراکز بین‌المللی مربوط به زنان به پیش ببرند.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به آمار رسمی وحشت‌آفرین فساد اخلاقی در غرب گفتند: «چرا هر مساله که خانواده را منهدم می‌کند روزبه‌روز در غرب برجسته‌تر می‌شود و در مقابل، هیچ تقبیح و برخورد جدی با متعرضان به زنان محجبه صورت نمی‌گیرد؟»

ایشان مواجهه اسلام با مساله زن را درست برعکس برخورد غرب، منطقی و استدلالی خواندند و افزودند: «مساله زن یکی از نقاط قوت اسلام است و نباید تصور شود که ما باید در مساله زن پاسخگو باشیم.»

رهبر انقلاب اسلامی برابری زن و مرد در مساله کرامت و ارزش‌های انسانی را از مولفه‌های منطق قوی و عقلانی اسلام دانستند و گفتند: «در ارزش‌های انسانی و عروج معنوی، زن و مرد مطلقا بر یکدیگر ترجیح ندارند و هر دو با استعداد مشابه و به میزان همت خود قادر به طی کردن مراتب عروج معنوی هستند.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: «در زمینه‌های معنوی، خداوند در قرآن حتی گاهی زن را بر مرد ترجیح داده و زنانی مانند همسر فرعون و حضرت مریم را به عنوان الگو برای همه انسان‌های مومن معرفی کرده است که این رویکرد برای نفی حالت برتری‌طلبی مردان به دلیل شرایط مادی و جسمانی آنها است.»

ایشان حضور در جامعه و مسئولیت‌های اجتماعی را از دیگر عرصه‌های نقش‌آفرینی یکسان زن و مرد خواندند و افزودند: «به تعبیر امام بزرگوار، دخالت در سیاست و مقدرات اساسی کشور حق و تکلیف زنان است ضمن اینکه بر اساس روایات، پرداختن به امور جامعه از جمله اهتمام به امور مسلمین مانند مساله امروز غزه، وظیفه همگان است؛ بنابراین در احساس وظیفه و مسئولیت عمومی، تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد.»

رهبر انقلاب اسلامی وظایف خانوادگی را مقوله‌ای دانستند که زن و مرد با توجه به امکانات و ظرفیت‌های جسمی و روحی خود وظایف متفاوتی دارند و افزودند: «بر این اساس شعار برابری جنسیتی که برخی به صورت مطلق بیان می‌کنند غلط، و آنچه صحیح است عدالت جنسیتی است.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به مفهوم عدالت، یعنی قرار دادن هر چیز در جای خود، وظایف اختصاصی زن مانند فرزندآوری و پرورش فرزند را متناسب با ساخت روحی، جسمی و عاطفی زن خواندند و گفتند: «اگرچه وظایف خانوادگی زن و مرد متفاوت است اما حقوق خانوادگی آنها بنا بر تصریح قرآن کریم یکسان است.»

ایشان خانه را محل آرامش و آسایش زن خواندند و تاکید کردند: «رفتارهای بد شوهر مانند بددهانی یا آسیب زدن جسمی به هیچ وجه قابل قبول نیست.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای راه مواجهه با اینگونه آسیب‌های درون خانواده را تصویب قوانین حاوی مجازات سخت دانستند و با اشاره به در جریان تصویب بودن قانونی در مجلس، گفتند: «این قانون باید دنبال شود و ما هم سفارش می‌کنیم تا مجازات سختی برای مردانی که محیط خانه را برای زن ناامن می‌کنند، در نظر گرفته شود.»

ایشان با اشاره به وجود سوال‌هایی درباره حضور زنان در مشاغل گوناگون و مدیریت‌های اجتماعی و دولتی، تاکید کردند: «در این عرصه نیز مساله جنسیت مطرح نیست و هیچ محدودیتی برای حضور زنان وجود ندارد.»

رهبر انقلاب شایسته‌سالاری را تنها ملاک واگذاری مسئولیت‌های اجتماعی و سیاسی به زنان و مردان دانستند و گفتند: «در جایی مانند وزارت یا نمایندگی مجلس اگر بانوی مجرب و کارآمد بهتر و شایسته‌تری وجود دارد، از نظر اسلام هیچ محدودیتی برای تصدی او وجود ندارد.»

ایشان شرط حضور زنان در مشاغل را محروم نشدن آنها از مشغله اساسی زنانه یعنی خانه‌داری و فرزندآوری و مادری خواندند و گفتند: «حتی برخی مشاغل مانند پزشکی و معلمی برای زنان و دختران واجب کفایی است و اگر گاهی اشتغال زن با خانه‌داری، فرزندآوری و لوازم آن، تعارض پیدا می‌کند، مسئولان کشور باید راه‌حلی پیدا کنند که هیچ‌یک از این دو وظیفه زمین نماند.»

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای افزودند: «البته این وظایف قابل جمع است همچنانکه زنان نخبه و موفقی را در بخش‌های علمی و اجرایی می‌شناسیم که فرزندان خوبی نیز تربیت کرده‌اند.»

ایشان پس از تاکید بر ایفای وظایف خانوادگی زن، دومین حساسیت اسلام در مساله حضور اجتماعی زن را خطر و لغزشگاه جاذبه‌های جنسی دانستند و گفتند: «یکی از جنبه‌های تاکید اسلام روی حجاب ایجاد محدودیت برای خطر جاذبه جنسی است که این حساسیت باید رعایت شود. بنابراین حجاب محرومیت نیست بلکه نوعی برخورداری و باعث حفظ امنیت زن است.»

رهبر انقلاب، نقش مادری را مهم‌ترین و برترین نقش‌ها در خلقت بشر به علت تضمین ادامه نسل و حیات انسان برشمردند و افزودند: «این تصور که کار خانه از قبیل پخت و پز و شست‌وشو وظیفه زن است، کاملا غلط است و در خانواده کارها باید با تفاهم انجام شود همچنانکه برخی مردها هستند که در کار خانه به زنان کمک می‌کنند.»

مساله سن ازدواج موضوع دیگری بود که حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نظر اسلام درباره آن را پرهیز از موکول کردن به سنین بالا خواندند و گفتند: «البته این به معنای ازدواج کردن کودکان نیست، بلکه یعنی دختر و پسر هر چه به وقت ازدواج کنند بهتر است.»

ایشان پیشرفت‌های زنان در بخش‌های مختلف علمی، ادبی، ورزشی و هنری در دوره جمهوری اسلامی را بیش از ۱۰ برابر قبل از انقلاب خواندند و گفتند: «با وجودی که ما هنوز نتوانسته‌ایم کشور را به معنی واقعی اسلامی کنیم و کشور، اسلامی نیمه‌کاره است، این موفقیت‌ها حاصل شده است و در صورت اجرای کامل اسلام این توفیقات چند برابر خواهد شد.»

رهبر انقلاب در پایان سخنانشان با اشاره به در پیش بودن انتخابات مهم اسفند ۱۴۰۲، نقش‌آفرینی بانوان در این عرصه را در اجتماع و خانواده ضروری خواندند و گفتند: «مهم‌ترین نقش شما در داخل خانه و ترغیب کردن همسر و فرزندان به فعال بودن در مساله انتخابات و تحقیق درست است به خصوص که زنان در برخی مسائل از جمله شناخت اشخاص و راهبردها و جریان‌ها، دقیق‌تر و ظریف‌تر از مردها به صحنه نگاه می‌کنند، بنابراین می‌توانید در شناخت نامزدهای انتخاباتی و تشویق به حضور در پای صندوق‌های رأی، نقش مهمی ایفا کنید.»

در این دیدار ۱۰ تن از زنان و دختران فعال و کنشگر در بخش‌های مختلف، خانم‌ها زینا ابراهیم مادر شش شهید و همسر شیخ ابراهیم زکزاکی، مریم شعبانی مدیر اولین و تنها گروه تئاتر حرفه‌ای بانوان، اسراء البُحَیصی خبرنگار شبکه العالم (که به صورت ویدئویی از غزه مطالب خود را بیان کرد)، رقیه‌سادات مومن دکترای مطالعات زنان-حقوق زن، فاطمه شریف‌نوقابی مربی سابق تیم ملی فوتسال زنان، مینا مهرنوش دکترای اقتصاد و عضو هیات‌علمی دانشگاه تهران، شقایق حق‌جو استادتمام دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، فائضه غفارحدادی نویسنده و مادر چهار فرزند، ریحانه‌سادات محمودی دانش‌آموز استعدادهای درخشان و زهرا موحدنیا دستیار تخصصی پزشکی اجتماعی دانشگاه علوم پزشکی ایران به بیان دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود پرداختند. در ادامه سخنران مراسم به این نکات و محورها اشاره کرد:

ضرورت تنقیح قوانین و مقررات مربوط به زنان و خانواده و تسریع در تصویب برخی قوانین حمایتی که چندین سال معطل مانده است.

- بیان مشکلات و محدودیت‌های زنان برای ورود به عرصه هنرهای نمایشی
- تشکر خبرنگار فلسطینی از حمایت‌های بی‌نظیر مردم ایران و نظام جمهوری اسلامی از ملت مظلوم فلسطین و غزه و تاکید بر ایستادگی مردم غزه و ترک نکردن سرزمین با وجود جنایات بی‌سابقه اشغالگران
- تبدیل شدن زن ورزشکار ایرانی به یک رسانه بزرگ و افتخارآفرین برای جمهوری اسلامی در مقابل تصویرسازی‌های دروغین بدخواهان ایران
- درخواست رسیدگی بیشتر به ورزش زنان و حمایت از ورزشکاران زن
- لزوم توانمندسازی زنان برای جلوگیری از آسیب دیدن در فضای مجازی
- ضرورت تولید و توسعه هوش مصنوعی تخصصی زنان
- لزوم افزایش ظرفیت کنشگری اجتماعی زنان متناسب با رشد دانش، تحصیلات و توانایی‌های زنان پس از انقلاب اسلامی
- ضرورت فعالیت بیشتر در رساندن جایگاه زن در اسلام و انقلاب اسلامی به جوانان غرب با تسهیل استفاده از ابزارهای ارتباطی
- ضرورت اجرای قوانین ناظر به حفظ حریم زنان در بخش‌های مختلف از جمله بهداشت و درمان و تولید و توزیع پوشاک مناسب.

بیانیه مجمع جهانی بیداری اسلامی در پی شهادت سردار سیدرضی موسوی

صهیونیست‌ها در باتلاق غزه گیر افتاده‌اند

بسم الله الرحمن الرحیم

وَلا تَحسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلوا في سَبیلِ اللهِ أَمواتًا بَل أَحیاءٌ عِندَ رَبِّهِم یُرزَقونَ

شهید سیدرضی موسوی انسان مومن، فداکار، مخلص و مصداق عینی رجال صدقوا بود که عمر پربرکت خود را صرف مجاهدت و تلاش خستگی‌ناپذیر و شبانه‌روزی برای اعتلای کلمه توحید نمود که نتیجه این مجاهدت موجب به بار نشاندن درخت عدالت، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم و شجره طیبه و تنومند مقاومت اسلامی در منطقه است و جریان مقاومت و ایستادگی لرزه بر اندام جهانخواران، مستکبرین و رژیم صهیونیستی وارد ساخته است، مقاومتی که روزبه‌روز قدرت رزمندگان این مسیر نورانی را بی‌بدیل نموده و ابهت پوشالی رژیم اشغالگر قدس را در هم کوبیده است. اخلاص این مجاهد عزیز در کنار شهدای گرانقدر مقاومت لبنان، سوریه، فلسطین، یمن و... از او شخصیتی کم‌نظیر و ممتاز پدید آورده بود و نتیجه سال‌ها تلاش و پاداش او کمتر از شهادت برای او متصور نبود. شهادت این مجاهد فی‌سبیل‌الله را به محضر امام زمان(عج)، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مردم شریف ایران، خانواده معزز، رزمندگان جبهه مقاومت و همکاران و همسنگران ایشان تبریک و تسلیت عرض می‌کنیم. رژیم جنایتکار صهیونیستی که از روی محاسبات غلط و جنون‌آمیز با ترور این شهید گرانقدر خطای بزرگی مرتکب شد قطعا و به‌زودی تاوان آن را خواهد پرداخت و در باتلاق غزه به بن‌بست راهبردی رسیده است و شکست‌های قطعی و پی‌درپی را تجربه خواهد کرد. بی‌تردید شهادت انسان‌های مخلص و ایثارگر چون این شهید والامقام جریان مقاومت را تقویت و از هر قطره خون او انسان‌های بزرگی به خیل رزمندگان مقاومت خواهند پیوست و نتیجه آن جز سرعت فروپاشی رژیم ظالم ستمگر، کودک‌کش و جنایتکار را در بر نخواهد داشت. شهید سیدرضی سال‌های متوالی در کنار سردار دل‌ها سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی در مقابل خصم زبون به مبارزه با صهیونیسم، گروه‌های تکفیری و تروریستی و تقویت جبهه مقاومت پرداخت و شهادت او در سالگرد شهادت سیدالشهدای مقاومت، شکست و نابودی دشمن صهیونیستی و عزت و سربلندی بیشتر اسلام و مسلمین و جبهه مقاومت در منطقه را به دنبال خواهد داشت. مجمع جهانی بیداری اسلامی ضمن گرامیداشت یاد و نام این شهید سرافراز که از فرماندهان موثر، شجاع و فداکار سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه بود، به روح مطهر و پرفتوح این سردار شهید درود فرستاده و همنشینی در جوار رحمت حق و شهدای اسلام را مسالت می‌نماید و ادامه راه تمام شهدای جبهه مقاومت به خصوص این شهید والامقام را آرزومندیم. یادش گرامی و راهش مستدام باد.

مجمع جهانی بیداری اسلامی

روایت سال‌های جنگ

فصل جدید رادیو مضمون منتشر شد

رادیو مضمون، کاری از گروه پادکست‌های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان

@radiomazmoon

مضمون

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

تاکید رهبر انقلاب بر رفع یک معضل ۱۲ ساله در قانونگذاری حوزه زنان

گره لایحه امنیت زنان در حسینیه امام خمینی باز شد

زهرا طیبی
خبرنگار گروه نقد روز

روز گذشته و در دیدار جمعی از بانوان با رهبر انقلاب، در میان صحبت‌ها و اظهارات مختلف سخنرانان، پای ماجرای تصویب لایحه ارتقای امنیت بانوان نیز در جلسه باز شد. بعد از اشاره یکی از سخنرانان جلسه به موضوع به نتیجه نرسیدن لایحه ارتقای امنیت رهبر انقلاب تاکید کردند: «این قانون باید دنبال شود و ما هم سفارش می‌کنیم تا مجازات سختی برای مردانی که محیط خانه را برای زن ناامن می‌کنند، در نظر گرفته شود.» کلیات لایحه ارتقای امنیت زنان، فروردین‌ماه امسال بود که تصویب شد. ضرورت پرداخت به موضوعات مورداشاره در لایحه و اهمیت تبدیل آن به قانون چند سالی بود که مورد توجه قرار داشت اما به دلایل مختلف و در میان دولت، مجلس و قوه قضائیه در رفت‌وآمد بود و نتیجه مشخصی نیز به همراه نداشت.

استارت تنظیم قانون برای حمایت از زنان

در فضای عمومی جامعه وقتی اخباری درباره بروز خشونت علیه زنان و قتل‌هایی به اسم قتل‌های ناموسی منتشر می‌شود، آنچه به‌عنوان مجازات برای محکومان در نظر گرفته می‌شود چندان کافی به نظر نمی‌رسد. عدم بازدارندگی کافی قانون برای جلوگیری از تکرار خشونت‌هایی که علیه زنان اتفاق می‌افتد همواره این موضوع را مورد توجه قرار می‌دهد که نیاز است در این زمینه بازنگری دقیقی در اعمال مجازات‌ها در نظر گرفته شود. لزوم اصلاح این قانون نیز برای اولین‌بار از جانب رهبر انقلاب مطرح شد. در سال ۹۰ در جریان برگزاری نشست اندیشه‌ای راهبردی و بعد از طرح مسائل مربوط به آسیب‌های اجتماعی رهبر انقلاب لزوم ایجاد یک قانون درخصوص ظلم به زنان را مطرح کردند، دولت دهم نیز بعد از این متن لایحه را در آذر ۹۱ به کمیسیون فرهنگی اجتماعی دولت داد تا سال بعد در اختیار دولت جدید قرار بگیرد. این موضوع در ماده ۲۲۷ قانون برنامه پنجم توسعه نیز آمده و اشاره کرده بود: «دولت نسبت به تهیه و تدوین «سند ملی امنیت بانوان و کودکان در روابط اجتماعی» با مشارکت و برنامه‌ریزی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، قوه قضائیه، سازمان بهزیستی کشور، شهرداری، وزارت کشور، شورای عالی استان‌ها، مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری، وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی توسط دولت در طول سال‌های برنامه اقدام قانونی به عمل آورد.»

برهمین مبنا معاون زنان دولت یازدهم به دنبال اجرایی‌سازی این ماده و تقویت آن بود، حتی پیشنهاد ایجاد مرجع ملی خشونت برای رسیدگی به سوءرفتارها در دولت نیز مطرح شد اما به دلیل اینکه ابعاد ماجرا حقوقی بود رسیدگی به جزئیات آن و تدوین دقیق آن، به قوه قضائیه سپرده شد. پیش‌نویس ارسالی دولتی‌ها به قوه قضائیه نیز تا سال ۹۷ مسکوت ماند و بعد از تغییر رئیس قوه قضائیه، این موضوع مجدد در دستور کار قرار گرفت. رئیسی یک سال بعد پیش‌نویس این لایحه را به دولت ارسال کرد. این پیش‌نویس نیز یک سال در دولت معطل ماند. اما بعد از اینکه ماجرای قتل رومینا اشرفی توسط پدرش در سال ۹۹ واکنش‌های زیادی به همراه داشت بار دیگر مورد توجه دولت قرار گرفت و بالاخره در دی‌ماه ۹۹ لایحه دولت به مجلس ارسال شد و کمیسیون اجتماعی مجلس به بررسی آن پرداخت.

از سال ۹۰ تا فروردین ۱۴۰۲ لایحه با تغییرات و تحولات زیادی همراه بود. نهایتا در بهمن‌ماه ۱۴۰۱ اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس لایحه‌ای با عنوان «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» تصویب کردند و لایحه منتظر بررسی در صحن علنی ماند. کلیات این لایحه نهایتا در فروردین امسال به تصویب رسید تا بالاخره بعد از ۱۲ سال بلاتکلیفی لایحه به تصویب مجلسی‌ها برسد که ضرورت پرداخت به این موضوع در جلسه روز گذشته رهبری، دوباره مورد تاکید و اشاره قرار گرفت.

نکات مهمی که در لایحه ارتقای امنیت آمده است

ازجمله اهدافی که در لایحه امنیت مورد توجه قرار گرفته بود، پیشگیری از سوءرفتار علیه زنان، ارتقای امنیت روانی زنان در محیط خانواده، حمایت‌های قضایی و کیفری از زنان آسیب‌دیده، امکان مداخله مددکاران یا دفاتر امور زنان دادگستری در شرایط وقوع خطر شدیدالوقوع برای زنان بود. در این لایحه برای تقریبا ۱۵ نهاد و دستگاه وظیفه تعیین شده است که وزارت کشور به‌عنوان نهاد اصلی تولی‌گری و هماهنگ‌کننده، معرفی شده است. برای مثال وزارت کشور وظیفه دارد اشکال مختلف قاچاق، پناهندگی، آوارگی زنان و آسیب‌شناسی آنها را در قالب گزارش سالیانه ارائه کند و زنان فاقد شناسنامه یا اسناد هویتی را شناسایی و به نهادهای آموزشی، درمانی و قضائی معرفی کند. برمبنای لایحه چند اقدام برای حمایت از زنان آسیب‌دیده تعریف شده که برخی از آنها پیشگیرانه و برمبنای آگاهی‌بخشی است: از جمله آموزش و اطلاع‌رسانی در این رابطه و ارتقای دانش عمومی حقوقی جامعه برای پیشگیری از سوءرفتار نسبت به زنان و بخشی دیگر نیز اقدامات حمایتی است که مشاوره، درمان و مددکاری را شامل می‌شود. در حوزه قانونی و مجازات نیز از جمله مواردی که در لایحه به آن توجه شده مواردی مثل تسهیل فرآیند خروج زنان از کشور، مجازات مردی که همسر خود را از خانه اخراج کرده یا مانع ورودش به خانه شده است، جرم تلقی شدن اجبار زن به ازدواج یا طلاق توسط هرکسی از جمله قیم یا ولی، مجازات و انفصال از خدمت برای درخواست یا پیشنهادکننده رابطه نامشروع با زن، مجازات مردی که علم به ازدواج اجباری زن با خود دارد، تشدید مجازات مرتکبان جرم علیه زنان آسیب‌پذیر. از دیگر مواردی که در لایحه جدید جرم‌انگاری شده این است که قتل عمد زنان اگر با نقشه قبلی و برنامه‌ریزی اتفاق بیفتد و فرد به هر علت قصاص نشود به حبس درجه سه یا حبس درجه چهار محکوم می‌شود.

اتفاق نظر دولتی‌ها و مجلسی‌ها درمورد لایحه ارتقای امنیت

ازجمله موضوعاتی که از جانب برخی منتقدان لایحه مطرح می‌شد آسیب به خانواده یا فمینیستی بودن لایحه تصویب‌شده توسط نمایندگان مجلس بود، موضوعی که با واکنش معاونت رئیس جمهور در امور زنان همراه شد و درمورد لایحه گفت: «برخی این‌گونه شایعه می‌کنند که این لایحه و قانونی شدن آن سبب آسیب به خانواده می‌شود، ولی باید توجه کرد که نه‌تنها این لایحه و قانونی شدن آن سبب آسیب به خانواده نمی‌شود بلکه قوام خانواده را هم به همراه دارد.» خزعلی البته به این موضوع اشاره می‌کند که این لایحه تنها جنبه جرم‌انگاری ندارد و ادامه داد: «در این راستا کار پژوهشی مفصلی شده است و این لایحه سندهای پشتیبان خیلی قوی دارد. این لایحه در همه بندها و مواد خود سندهای قوی دارد و همه دستگاه‌ها را مشارکت داده است. این‌گونه نیست که این لایحه فقط بحث قضائی و جرم‌انگاری داشته باشد، بلکه می‌خواهد در ابتدا پیشگیری و درمان انجام داده و مانع آسیب شود و سپس اگر به مرحله درمان رسید و درمان جواب نداد به‌صورت قضائی و کیفری با مسائل برخورد کند.» فاطمه قاسم‌پور، نیز ناظر به الزامات تصویب تدوین لایحه گفت: «سنت‌های غلطی مثل خون‌بس، ازدواج اجباری و قتل ناموسی که البته منحصر به نقاط خاص کشور نیستند، ولی بعضی جاها بیشتر اتفاق می‌افتند، در لایحه جرم‌انگاری یا تشدید مجازات شده بود. اتفاقا این سنت‌های غلط در گفتمان حضرت آقا هم بحثی جدی بوده است و ایشان بحث ازدواج اجباری را سال ۱۳۷۶ مطرح کرده‌اند. یا بحث‌های عمومی‌تر مثل تامین امنیت زنان در خانه، خشونت خانگی یا سوءرفتار فیزیکی با زنان، یا تامین امنیت زنان در محیط‌های اداری. هم در لایحه و هم در فرآیند بررسی لایحه در کمیسیون اجتماعی مجلس تلاشش در این جهت بود که حتما این مصادیق ملی و منطقه‌ای در آن آورده شود.» فاطمه قاسم‌پور، رئیس کمیته آسیب‌های اجتماعی مجلس هم درباره نقدها براین مبنا که این لایحه به نهاد خانواده آسیب می‌زند، نیز گفت: «قرار نیست نگاه حمایتی ما به‌گونه‌ای باشد که نقش‌های جنسیتی زن یا خانواده‌محوری را مخدوش کند یا در تعارض با این نقش‌ها قرار بگیرد. این یک نکته مهم است که لایحه به‌طور جدی دنبال می‌کند.» درمورد لایحه ارتقای امنیت نوعی اتفاق نظر میان دولت و مجلس درباره این لایحه وجود دارد، موضوعی که این انتظار را به وجود می‌آورد که لایحه با سرعت بیشتری به نتیجه برسد. از طرفی حمایت روز گذشته رهبر انقلاب از قانونی شدن این لایحه نیز مهر تاییدی بر تلاش‌های دولت و مجلس برای نهایی کردن این لایحه بود.

لایحه ارتقای امنیت به کجا رسید؟

لایحه تصویب‌شده در مجلس نیز بعد از تحویل دولت به بهارستان با تغییر و تحولات زیادی همراه شد و نسخه نهایی آن در ۲۰ فروردین ۱۴۰۲ با رای موافق ۱۹۰ نفر از نمایندگان مجلس تصویب شد. لایحه اما مخالفانی نیز داشت که استدلال برخی از آنها ناظر به این بود که بندهای موجود در لایحه نباید خانواده را به سمت دوقطبی‌سازی ببرد، برخی دیگر این استدلال را مطرح می‌کردند که سهولت طلاق گرفتن به‌خاطر یک خشونت اندک قابل پذیرش نیست. نهایتا بعد از تصویب مجلس قرار شد که برخی جزئیات لایحه برای بررسی بیشتر به کمیسیون اجتماعی مجلس ارجاع و با حضور کمیسیون‌های آموزش حقوقی، فرهنگی و بهداشت مجددا بررسی شود. از آن زمان تا امروز اما خبری از بررسی جزئیات و پیگیری لایحه ارتقای امنیت زنان نیست. سکینه سادات‌پاد، دستیار رئیس جمهور نیز روز گذشته و بعد از جلسه رهبر انقلاب با بانوان از ارسال نامه‌ای خطاب به رئیس مجلس و بهارستانی‌ها برای پیگیری لایحه ارتقای امنیت گفت و در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «پیرو نامه‌ای مبنی بر تسریع در تصویب لایحه کرامت زنان که پیش‌تر خطاب به رئیس مجلس و نمایندگان، به‌ویژه خانم‌های نماینده ارسال کرده بودیم و براساس تاکید و تایید رهبر انقلاب بر این ضرورت، مجلس بدون ملاحظه و فوت وقت، لایحه را تعیین تکلیف کند.» در حال حاضر اما بعد از تصویب کلیات لایحه، بررسی جزئیات آن در نوبت دستور کار صحن قرار دارد تا مجددا به صحن علنی بیاید و نهایی شود، امری که مشخص نیست به عمر مجلس یازدهم خواهد رسید یا نه؟ با این حال اما تاکید رهبر انقلاب در پیگیری و اجرای این لایحه بار دیگر ضرورت به نتیجه رساندن لایحه ارتقای امنیت را مورد توجه قرار داده تا اقدامات نهایی برای به نتیجه رساندن راه ناتمام ۱۲ ساله درباره این لایحه را به انتها برساند.

درباره اظهارات محمدباقر نوبخت

حکمرانی با شعار دیگر ممکن نیست، لطفا به عقب برنگردید

سیدجواد نقوی
خبرنگار گروه ایده حکمرانی

محمدباقر نوبخت در آخرین مصاحبه خود با مجله «آگاهی نو» مدعی شده نباید اجازه داد کشور به دست تندروها اداره شود و حضور خود در انتخابات پیش‌رو را جلوگیری از این خطر اعلام کرده است. همین جمله خود نشانگر استراتژی تکراری است که ظاهرا جناب نوبخت و حزب اعتدال دنبال می‌کنند، یعنی به جای آنکه پرسش‌های کلیدی حکمرانی را بتوانند پاسخ دهند، سعی می‌کنند با دیگرسازی از رقیب خود، مجددا نقطه مثبتی برای خود خلق کنند. این استراتژی یادآور همان فرمی است که اعتدالیون در سال‌های ۹۲ و ۹۶ طی کردند و ماحصل آن دولتی شد که سال به سال توانایی خود را از دست داد و نتوانست مساله‌های مهم را حل کند و دست آخر با خلق بحران بنزین و مدیریت بد کرونا و تورم وسیع و ایجاد شرایط بد، اعتماد اجتماعی را به نهاد دولت کم کرد و حتی بعد از ۸ سال حضور در دولت نتوانست هیچ عملکرد مثبتی در اصلاح مفید ساختار حکمرانی شکل دهد و صرفا سعی کرد به صورت اقتضایی دولت را مدیریت کند که نتیجه آن هم به شکل بیشترین سیاست‌زدایی از سطح جامعه دیده شد. شاید دولت اعتدال یکی از مهم‌ترین علت‌های سیاست‌زدایی در جامعه و عدم رابطه اجتماعی بین مردم با نهاد دولت باشد اما ظاهرا جناب نوبخت از آن ۸ سال درس نگرفته و حالا با همان چهارچوب فکری مجددا به عرصه قدرت، یعنی مجلس نزدیک می‌شود. این لحظه ظاهرا یک عقبگرد است؛ چراکه دوگانه تندرو و معتدل دیگر معنی ندارد. حکمرانی در جهان و ایضا ایران ثابت کرده با شعار قابل اداره نیست و آنچه این روزها نیاز مبرم حکمرانی است، حضور نیروهایی است که دیگر در قاب‌های تکراری دهه ۹۰ فکر نکنند و سعی نکنند با ساده‌سازی که مثلا اگر تندروها در قدرت نباشند، مسائل حل می‌شود برای خود خلق معنا کنند. این طرز فکر از صحنه سیاسی و سخت این دوره کشور ما شبیه به درمان سرطان با چسب زخم است و از همین لحظه مشخص است غایت چنین تفکری چیست. ما در شرایط فعلی پرسش‌های به‌شدت سختی در پیش داریم که مجلس آینده حتما باید به آنها فکر کند. این پرسش‌ها چند خاصیت دارد که اصلی‌ترین آن در دوگانه‌های منسوخ جناحی نمی‌گنجد. هرچند قصد ندارم در این یادداشت به تک‌تک مسائل کلیدی حکمرانی بپردازم اما به نظر می‌رسد در شرایط فعلی که دنیا با بحران سیاست‌ورزی و ارتباط با جامعه روبه‌رو است و ایران هم باتوجه به شرایط جهانی و بحران‌هایی مثل دوره بعد کرونا و ایضا بعد از چند شوک درمانی ناموفق که یکی از سخت‌ترین آنها هم در دولتی بوده که خود نوبخت مسئول برنامه و بودجه آن بوده است، پاسخ به این پرسش که چگونه باید حکمرانی کرد که مجددا بتوان سیاست را در صحنه سپهر عمومی دنبال کرد و جامعه را نه در وضعیتی پوپولیستی و نه در وضعیتی استیلاگری اداره کرد و آیا مجددا می‌توان به افقی بازگشت که مردم و حکمرانی دوبال پوشش‌دهنده برای طرح فردای ایران شوند، یکی از کلیدی‌ترین پرسش‌های پیش‌روی آینده مجلس است و پاسخ به آن نیاز به ایده حکمرانی با توجه به دوره فعلی دارد، نه بازتولید گفتاری مثل تندرو و معتدل. چون جامعه متکثر فعلی در بسیاری از موارد همان ایده‌هایی که جناب نوبخت تندروی قلمداد می‌کند را ایده‌های مطلوب می‌داند و صرفا برچسب تندرو مشکلات را حل نمی‌کند، آنچه اهمیت دارد بحث درباره ایده‌ای است که بتواند جامعه را از مسیر دوقطبی‌های کاذب خلاص کند و بتواند طرحی برای سرنوشت ایران با همکاری جامعه شکل دهد.

آنچه از گفتار فعلی حزب اعتدال و جناب نوبخت مشخص است، ادامه همان مسیری است که در دهه ۹۰ با شکست روبه‌رو شد. تصوری که سیاستمدار در بین کارآمدی و خدمت‌رسانی و شکلی از پرستیژ خاص برای احیای طبقه متوسط به رتوریک روی آورده است و این گفتار تک‌تک واژگانی که به کار می‌برد یا تخریب شده یا دیگر کارکرد قبلی را ندارد و اگر از سنخ تبارشناسی به آن نگاه کنیم حتی نوعی عقبگرد است که اتفاقا اگر عملی اشتباه قلمداد نشود، چندان عمل مترقی و معتدلی تفسیر نمی‌شود. به‌طور مثال درکشور ما همه دولت‌ها و علی‌الخصوص دولت فعلی در تلاش هستند بیشترین کارآمدی را ایجاد کنند اما آنچه مشخص است ظاهرا جامعه صرفا نیازهایش را به کارآمدی و در پس آن نوعی خدمت‌رسانی خلاصه نمی‌کند. جامعه ظاهرا افقی را طلب می‌کند که در پس ساخت فردای ایران باید هم‌سرنوشت شود با حکمرانی و حکومت و از حکمرانی طلب ایده‌ای دارد که طرحی را دنبال کند که زندگی او در آن معنا پیدا کند و غایت زندگی در چنین شرایطی هم طرحی باشد که آینده جامعه را دگرگون کند و محصول این هم‌افزایی ساخت آینده باشد. آنچه جناب نوبخت مدام به آن تکیه می‌کند نوعی عقبگرد است و حاصل فهمی از وضعیت است که سوژه‌ها در پس نوعی حکمرانی خدمت‌رسانی و لزوم توجه به نوعی از مطالبه‌گری هستند، حال آنکه چنین تفکری اصلا در این مقطع کمک‌کننده نیست و بیشتر اقتضایی است. مورد دیگری که به‌شدت عجیب است تاکید مجدد گفتاری است که تصور می‌کند مثلا دوگانه تندرو و طبقه متوسط که در دهه ۹۰ جواب داده است، بار دیگر می‌تواند راه‌حل موجود باشد، درحالی‌که شوک‌های اقتصادی و تغییرات پرسرعت فرهنگی در سال‌های اخیر دیگر طبقه متوسط به معنای کلاسیک که مدنظر جناب نوبخت است، باقی نگذاشته است و بیشتر می‌توان گفت ما با اشکالی از طبقات روبه‌رو هستیم که جایی با ایده طبقه متوسط شهری دهه ۸۰ و جایی دیگر با نوعی فرهنگ طبقه متوسط دهه ۹۰ هم‌عرضی دارد و دیگر مثل سابق یک طبقه متوسط اقتصادی با خاستگاه فرهنگی مشخصی وجود ندارد و این مساله به قدری واضح است که خود به یکی از پرسش‌های حیاتی هر سیاستمداری باید تبدیل شود، نه به ساده‌سازی که جناب نوبخت تصور می‌کند که با احیای طبقه متوسط و پاسخ به نیازهای فرهنگی آن، می‌توان افقی تازه ایجاد کرد. برای خاتمه بحث لازم است به آخرین سخنرانی جک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا در اندیشکده بروکینز که ما در روزنامه «فرهیختگان» با نام وتوی بازار آن را تحلیل و بررسی کردیم، توجه کنیم. سالیوان در بحث مفصل خود بیش از آنکه آینده آمریکا را در خطر دیگری‌ها قلمداد کند یا از گروه خاصی نام ببرد، یکی از مسائل قدرتمندی آمریکا را در آینده داشتن طرحی می‌داند که طبقه متوسط را مجددا به هم‌افزایی با حکمرانی امیدوار کند. او بدون تقلیل‌گرایی طرح اصلی آمریکا و عدم دخالت در سیطره بازار را بحران اصلی آمریکا در آینده می‌داند. خب واضح است که جک سالیوان از یک دخالت یا یک برنامه سیاستی در سطح سیاستگذاری بحث نمی‌کند. او کلان‌ایده اقتصادی آمریکا که شکلی از نظم آمریکا در طول ۵۰ سال اخیر است را به چالش می‌کشد و معتقد است دیگر نظم پیشین کار نمی‌کند. این مثال از دو جهت برای نوبخت باید با اهمیت باشد. ابتدا از آنجا که طرح‌هایی که جناب نوبخت از منظر اقتصادی قرار است دنبال کند، حالا در سطح جهانی دیگر بی‌معنا شده و این بحث از مشاور امنیت ملی آمریکاست که تفکر چپ دارد، نه کینزی و بلکه درواقع از نوعی رئال‌پلتیک بحث می‌کند. این اولین درس به جناب نوبخت است که عقبگرد نکند. درس بعدی که مهم‌ترین درس است، عدم فروکاست طرحی برای آینده است که جک سالیوان برای ابرقدرتی آمریکا و ماندن در حلقه اصلی قدرت و تصمیم‌گیر نهایی، نه‌تنها مهم‌ترین استراتژی آمریکا یعنی نظم بازار را زیر سوال می‌برد، بلکه سعی دارد بگوید جهان آینده جهانی براساس یک‌سری از پیش‌فرض‌های ثابت در حکمرانی نیست. امیدوارم جناب نوبخت در آینده دست از گفتاری که هیچ خروجی برای ایران و جامعه نداشته، بردارد و به جای دعوا در سطح زبانی به عمق مشکلات حکمرانی فکر کند.

ارزشمندترین برند جهان امسال با افت ۳ درصدی درآمد مواجه شد

رشد ۱۳ درصدی R&D اپل در ۲۰۲۳

فرهیختگان
دانشگاه
پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲ | شماره ۴۰۴۳ | WWW.FDN.IR

دبیر ستاد توسعه اقتصاد دانش‌بنیان سلامت در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

هنوز درک نکرده‌ایم که علم و فناوری رقابتی شده است

- ۳۰ درصد ارز برای واردات ۳ درصد داروها هزینه می‌شود
- شبه دولتی‌ها نمی‌خواهند حوزه دارو های تک شود
- حذف آلایندگی‌ها تنها نیاز به تنظیم مقررات دارد
- تغییر محتوای درسی لازمه رسیدن به خلق دانش‌بنیان‌هاست
- دولت کاری نمی‌کند که تولید در حوزه دارو زنده شود
- دولت در کرونا هزینه‌ای برای ساخت واکسن پرداخت نکرد

پژوهش‌های دانشگاهی درخصوص ارزشیابی اساتید چه می‌گویند؟

نمره بالاتر رضایت بیشتر!

پژوهش‌های دانشگاهی درخصوص ارزشیابی اساتید چه می‌گویند؟

نمره بالاتر، رضایت بیشتر!

ابوالفضل مظاهری
دبیر گروه دانشگاه

روزهای پایانی ترم برای دانشجویان روزهای خاصی است؛ از یک طرف ایام تحویل پروژه‌های کلاسی بوده و از سوی دیگر فرصت‌های پایانی آمادگی تا آغاز فصل امتحانات است. درست در همین روزها سیستم آموزشی هر دانشگاه، نظرات دانشجویان نسبت به عملکرد هر یک استادان را دریافت می‌کند تا بازخوردی از سمت آنها داشته باشد. فرآیند ارزشیابی اساتید البته برای همه دانشجویان یک شکل نیست، برخی صرفا برای جلوگیری از موارد تنبیهی مثل جلوگیری از انتخاب واحد در ترم پیش‌رو آن را تکمیل می‌کنند و برخی به‌دنبال جبران رنج‌های طول ترم، هوای انتقام در سر می‌پرورانند و عده‌ای هم تلاش می‌کنند تا به شکلی فنی، نظرات خودشان را به امید بهبود کیفیت تدریس و البته اطلاع دانشگاه از وضعیت آموزشی مجموعه ثبت کنند. از سمت اساتید هم نگاه‌های مختلفی نسبت به کم و کیف این پیمایش‌ها وجود دارد؛ مقالات مختلفی در این سال‌ها موضوع «ارزشیابی اساتید» را مورد بررسی قرار داده است که برخی از آنها را مرور کرده‌ایم.

تاثیر چالش محرمانگی و اثرگذاری در کیفیت ارزشیابی اساتید

مطالعات نشان داده‌اند از دیدگاه اساتید وجود صبر و حوصله در دانشجو هنگام پرکردن برگه‌های ارزشیابی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار در کیفیت ارزشیابی است. ارزشیابی فرآیند پیچیده‌ای است و زمانی قابل اعتماد خواهد بود که از شرایط به‌خصوصی برخوردار باشد، یکی از این شرایط وضعیت روحی و روانی دانشجو در زمان پرکردن برگه‌های ارزشیابی و دقت و صبر و حوصله است. در مطالعه‌ای با عنوان عوامل تاثیرگذار بر میزان مشارکت دانشجویان در فرآیند ارزشیابی اساتید از دیدگاه اعضای هیات‌علمی و دانشجویان دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تبریز که امسال در مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی به چاپ رسیده است، دانشجویان نگرش منفی به پرسشنامه‌های دارای سوالات زیاد و تعداد بالای پرسشنامه‌ها داشتند و آن را وقت‌گیر دانستند. این امر می‌تواند ناشی از عدم انسجام و تکراری بودن و یا خارج از حیطه موضوع ارزشیابی بودن سوالات باشد که توجه جدی به این مقوله در باب طراحی سوالات و فرم‌های ارزشیابی را می‌طلبد. همچنین در سیستم ارزشیابی، اجازه خروج از سیستم و ثبت نظرات منوط به پاسخگویی به همه سوالات است درصورتی که ممکن است برخی دانشجویان تمایلی به پاسخ دادن به برخی سوالات نداشته باشند. این مطالعه توصیفی مقطعی در دو قسمت اعضای هیات‌علمی و دانشجویان انجام شد. ابزار اصلی این پژوهش دو پرسشنامه ساخت محقق بود. ۱۰۸ نفر دانشجو و ۸۴ عضو هیات‌علمی پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. اطمینان از محرمانه ماندن اطلاعات یکی دیگر از عوامل مهمی است که هم دانشجویان و هم اساتید شرکت‌کننده در این طرح آن را بسیار مهم دانسته‌اند و درواقع عامل اساسی در ترغیب دانشجویان به مشارکت در ارزشیابی معرفی شده است.

در مطالعه‌ای که توسط آقاسی و شهسواری، اساتید دانشگاه آزاد در بین دانشجویان دندان‌پزشکی این دانشگاه در تهران انجام شده، نشان داده است مهم‌ترین ایرادی که دانشجویان به سیستم ارزشیابی وارد دانسته‌اند عدم بها دادن به نتایج ارزشیابی آنها بود که در مطالعه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تبریز هم نتایج مشابه‌ای حاصل شده است. یا در مطالعه فریبا طرحانی در دانشگاه علوم پزشکی لرستان نشان داده شده است که تنها ۲۷ درصد از دانشجویان از محرمانه بودن پاسخ‌های ذکر شده در فرم‌های ارزشیابی مطمئن بودند، ۴۳ درصد از دانشجویان معتقد به بی‌توجهی مسئولان به نظرات منعکس شده آنها در فرم‌های ارزشیابی بودند و فقط ۲۷ درصد دانشجویان فرآیند ارزشیابی را وسیله‌ای برای رتبه‌بندی و ارتقای اساتید می‌دانستند. همین دغدغه در فضای مطالعه مورد بررسی هم دیده شده است. براساس نتایج این مطالعه پژوهشگران معتقدند اطمینان دادن به دانشجویان در مورد محرمانه ماندن اطلاعات‌شان و دادن بازخورد در مورد نتایج به اساتید و مسئولان دانشکده مهم‌ترین عوامل موثر در تشویق دانشجویان به مشارکت در ارزشیابی اساتید است و بازنگری در تعداد و متن سوالات پرسشنامه‌های ارزشیابی اساتید نیز می‌تواند کمک‌کننده باشد.

افزایش نمره‌ها رضایت را افزایش می‌دهد

سنجش ارتباط میان نمرات دانشجویان و نگاه‌شان نسبت به کیفیت عملکرد اساتید یک موضوع جذاب و درعین‌حال پیچیده است که در مقاله نشریه علمی آموزش و ارزشیابی دانشگاه آزاد واحد تبریز سال گذشته مورد واکاوی قرار گرفته و نتایج جالبی هم داشته است. در این پژوهش فرم‌های ارزشیابی ۱۹۷۰ دانشجو که در طول سه ترم متوالی با یک استاد درس گرفته بودند، بررسی شد. آیا نمره‌هایی که دانشجو در یک نیمسال از استاد می‌گیرد در نیمسال یا نیمسال‌های آتی، ارزشیابی او از کیفیت تدریس استاد را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد؟ پاسخ مثبت است. بررسی‌ها نشان می‌دهد با یک واحد افزایش در نمره پایان ترم دانشجو نمره ارزشیابی استاد در نیمسال بعد حدود سه درصد افزایش می‌یابد. بر این اساس با یک واحد افزایش در نمره پایان ترم دانشجو با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت افزایشی به بین ۱ تا ۴ درصد در نمره ارزشیابی دانشجو از استاد در دو نیمسال بعد به وجود آمده است.

سوال دیگر پژوهش به طول مدت تاثیر نمره بر نگاه دانشجویان مربوط می‌شود. آیا نمره در نیمسال‌های بعدی هم روی ارزشیابی دانشجو تاثیر می‌گذارد؟ بررسی نمره دانشجو و نیز معدل کلاس به‌خوبی نشان می‌دهد که به افزایش نمرات چه در واحد دانشجو و چه در واحد کلاس درس، شاهد افزایش معناداری در نمرات ارزشیابی دانشجویان از اساتید طی دو نیمسال بعدی هستیم. در واقع نگاه مثبت یا منفی دانشجو یا واحد کل که متاثر از نمره بالا یا پایین است، در گذر زمان ثابت مانده و حتی می‌تواند تا دو نیمسال بعد روی ارزیابی از استاد تاثیر بگذارد.

تحلیل نمرات دروس اصلی و تخصصی دانشجویان نشان داد که در دانشکده‌های علوم انسانی، ادبیات و معماری و هنر پدیده تورم نمرات وجود دارد. تورم نمره به افزایش میانگین‌های نمره طی زمان و بدون تغییر دستاوردها اشاره دارد. در چنین شرایطی دانشجویانی که شایستگی کمتری دارند نمرات بالاتری می‌گیرند و البته می‌تواند انتخاب درس و استاد را تحت تاثیر قرار دهد به شکلی که اساتید خوش‌نمره بیشتر انتخاب شوند. البته تورم نمره همیشه هم منفی نیست با این حال محققان این پژوهش تاکید کردند که نباید فرآیندها و رویه‌های ارزشیابی به‌گونه‌ای باشد که ابعاد اساسی و بنیادین آموزش عالی نظیر سنجش پیشرفت تحصیلی دانشجویان در معرض تغییر قرار گیرد. اولین دلالت عملی یافته‌های این تحقیق ضرورت سیاستگذاری مناسب در زمینه ارزشیابی اساتید، با هدف پیشگیری از تورم نمرات در موسسات آموزشی است. موضوع دیگر مورد تاکید در نتایج این پژوهش ضرورت تدوین و تصویب دستورالعمل‌های دقیق‌تر در شورای آموزشی دانشگاه‌هاست. مساله آثار ارزشیابی‌ها بر امنیت روانی اساتید به قدری اهمیت دارد که بسیاری از دانشگاه‌های جهان حتی نظرات کیفی (نوشتاری) دانشجویان را قبل از ارسال برای استاد درس، هم با استفاده از فناوری هوش مصنوعی و هم به‌صورت دستی غربال و پالایش می‌کنند و حتی درصورت نیاز برای اصالح به دانشجو بازمی‌گردانند. پژوهشگران این تحقیق معتقدند هنوز در نظام آموزشی کشور اقدامات مختلفی برای بهبود فرآیند ارزیابی اساتید مورد نیاز است.

ضعف‌های ارزشیابی اساتید از زاویه دید پژوهش‌ها

استفاده گسترده از مدل فعلی ارزشیابی اساتید بر چهار دلیل استوار است؛ نخست اینکه ساده و اجرایی است. دوم با توجه به کمی بودن آن عینی‌تر از روش‌های دیگر محسوب می‌شود. نکته سوم به نبود جایگزین مناسب برای تغییر شیوه کنونی مربوط می‌شود و اهمیت کسب نظر از دانشجو هم مساله آخری است که مورد توجه یک یا دو محقق قرار گرفته است. احمد کیخا، دانشجوی دکتری اقتصادی و مدیریت مالی آموزش عالی و عبدالحسین شکورنیا، عضو هیات‌علمی دانشگاه علوم پزشکی جندی‌شاپور اهواز در مروری نظامند به تحلیل انتقادی سیستم ارزشیابی استاد توسط دانشجویان پرداختند. در این مطالعه ۴۶ پژوهش منتشرشده طی سال‌های ۷۰ تا ۹۶ در این موضوع گردآوری شدند. محققان این پژوهش انتقادات مربوط به فرآیند ارزشیابی اساتید را در پنج گروه «عدم توافق درباره ملاک‌های تدریس اثربخش و درباره ماهیت تدریس»، «مهارت ناکافی، عدم دقت و غرض‌ورزی دانشجویان در تکمیل فرم‌ها»، «تحت تاثیر دانشجویان قرار گرفتن و سوق دادن استاد به سمت معیارهای مورد نظر دانشجویان»، «نامناسب بودن ابزار و شیوه‌های تجزیه و تحلیل» و «سایر مقوله‌ها نامرتبط به کیفیت تدریس نظیر ویژگی‌های شخصیتی، درجه دشواری درس، زمان و...» دسته‌بندی و پیشنهاداتی برای بهبود آن ارائه کردند. محققان این پژوهش معتقدند با وجود انتقادات ارزشیابی دانشجویان به‌عنوان یک منبع معتبر برای کسب اطلاع درباره برخی از توانمندی‌ها و ویژگی‌های استادان شناخته می‌شود و از روایی و پایایی لازم برخوردار است. در جمع‌بندی این پژوهش نیز پیشنهاد شده به‌منظور اثربخشی بیشتر ارزشیابی در کیفیت آموزش دانشگاه‌ها از ترکیبی از چند منبع اطلاعاتی استفاده شود، تا نتایج عالانه‌تری حاصل شود. همچنین از ارزشیابی استاد، فقط برای اصلاح عملکرد استاد استفاده شود و با یک هم‌اندیشی میان متخصصان، سیاستگذاران، اعضای هیات علمی و دانشجویان نخبه بازبینی در روش ارزشیابی‌های فعلی انجام شود و نسبت به اصلاح شاخص‌ها و وزن‌دهی به هر یک از این شاخص‌ها اقدام صورت گیرد تا درنهایت با تشکیل یک کارگروه از کارشناسان خبره و با طراحی روش جدید ارزشیابی و تهیه و تدوین ابزارهای روا و پایا تصویری واقعی‌تر از ارزشیابی اساتید فراهم به دست آید.

گزارش

احیای صنعت تراشه در سرزمین آفتاب

پس از تاسیس شرکت TSMC[1] در سال ۱۹۸۷، این شرکت با توجه به انتقال فناوری و سرمایه از کشور آمریکا توانست تا سال ۱۹۹۱ زیرساخت‌های مورد نیاز برای زنجیره نیمه‌هادی مانند ویفرسیلیکون، فرآیندهای ماسک ویفر با ابعاد مختلف و خطوط طراحی و ساخت تراشه را فراهم کند و در این سال موفق به ساخت تراشه‌ای با اندازه کمتر از یک میکرون شد. در سال بعد این شرکت به‌عنوان برترین تولیدکننده تراشه مطرح شد و توانست نسبت به رقبا پیشی بگیرد، سپس در سال ۱۹۹۴ TSMC بخشی از سهام خود را در بازارهای مالی عرضه کرد و سرمایه به‌دست آمده از این فروش شرایط را برای همکاری با شرکت AMD[2] که از بزرگ‌ترین شرکت‌های طراحی تراشه است، فراهم کرد. مجموع این اتفاقات رشد ۶۰ درصدی در فروش محصولات و حاشیه سود باورنکردنی نزدیک به ۴۰ درصد را برای این شرکت تایوانی به همراه داشت.

درسال بعدی TSMC خبر از برنامه‌ریزی برای احداث کارخانه تولید ویفر ۲۰۰ میلی‌متری خود با سرمایه‌گذاری ۱٫۲ میلیارد دلار در تایوان و همچنین کارخانه‌ای مشابه با همان میزان سرمایه‌گذاری در واشنگتن داد. ظرفیت تولید این کارخانه ۳۰ هزار ویفر در ماه بود. این روند رو به رشد همچنان ادامه داشت و در سال ۱۹۹۶ میزان سود خالص شرکت از فروش ۱٫۴۵ میلیارد دلاری آن، برابر با ۷۱۸ میلیون دلار بود که تقسیم سود باورنکردنی ۱۰۰ هزار دلار برای هر کارمند را در پایان سال نصیب کارکنان این شرکت کرد. سالی که دستیابی به فناوری تولید تراشه ۲۵۰ نانومتری نیز دستاورد دیگر آن بود. در سال ۱۹۹۷ شرکت UMC[3] که توسط سرمایه‌گذاری تایوانی و در سال ۱۹۸۰ به‌منظور توسعه تولید تراشه در تایوان و به‌صورت خصوصی تاسیس شده بود، به‌عنوان رقیبی جدی در مسیر TSMC قرار گرفت. UMC را می‌توان شرکتی دانست که با سرمایه‌گذاری خصوصی روی پای خود ایستاده بود و اصالتی تایوانی داشت اما رقیب او TSMC از ابتدا با حمایت آمریکا و دولت تایوان رشد کرده بود و حتی اولین رئیس آن نیز آمریکایی بود، بنابراین طبیعی است که رشد شرکتی با ریشه‌های تایوانی درکنار TSMC باعث نارضایتی حامیان آن باشد. درنتیجه در همین سال موریس چانگ موسس اصلی شرکت ریاست را برعهده گرفت تا TSMC را از این شرایط خارج کند و با وجود اینکه کارشناسان سال بعدی را سالی سخت برای صنعت نیمه‌هادی تلقی می‌کردند، چانگ توانست وضعیت شرکت را پایدار و تولید ویفر با رشد ۴۰ درصدی روبه‌رو شد. در سال ۱۹۹۹ بزرگ‌ترین زلزله تاریخ تایوان رخ داد، تایوان توانست پس از حدود یک هفته خطوط برق را مجددا راه‌اندازی کند و TSMC پس از وقفه‌ای کوتاه توانست با ظرفیت شگفت‌آور ۹۰ درصد تولید خود را از سر بگیرد. در این سال این شرکت به فناوری ۱۸۰ نانومتر دست پیدا کرد.

سال ۲۰۰۰ را می‌توان سالی مهم در این صنعت نامگذاری کرد. از یک سود TSMC به خرید برخی شرکت‌های کوچک‌تر و رشد خودش ادامه می‌دهد و از سویی شرکت SMIC[4] در چین پایه‌گذاری می‌شود.

تنظیم گزارش: تحریریه برنامه ملی میکروالکترونیک

1 - Taiwan Semiconductor Manufacturing Company
2 - Advanced micro devices
3 - United Microelectronics Corporation
4 - Semiconductor Manufacturing International Corporation

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

دبیر ستاد توسعه اقتصاد دانش‌بنیان سلامت در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

هنوز درک نکرده‌ایم که علم و فناوری رقابتی شده است

- ۳۰ درصد ارز برای واردات ۳ درصد داروها هزینه می‌شود
- شبه‌دولتی‌ها نمی‌خواهند حوزه دارو های‌تک شود
- حذف آلایندگی‌ها تنها نیاز به تنظیم مقررات دارد

زهرا رمضانی- فاطمه طاری‌بخش
گروه دانشگاه

ظهور کرونا در جهان اهمیت تکنولوژی در حوزه سلامت را بیش از پیش به رخ کشید. در شرایطی که کرونا ویروس تقریبا همه مجموعه‌های اجرایی را مستاصل کرده بود، فناوران حوزه پزشکی و سلامت با دستاوردهای مختلف خود زمینه فائق آمدن بر شرایط سخت آن روزها را فراهم کردند. درواقع کرونا درک ملموس‌تر تاثیر فناوران در فضای پزشکی را به شکل بهتری برای عموم تبیین کرد. در ایران براساس آمار معاونت علمی از مجموع حدود ۹۵۰۰ شرکت دانش‌بنیان، ۵۶۵ شرکت در زمینه دارو و فرآورده‌های پیشرفته حوزه تشخیص و درمان و ۳۸۷ مورد هم در حوزه وسایل، ملزومات و تجهیزات پزشکی فعال هستند. برای بررسی بهتر تاثیر دانش‌بنیان‌ها بر حوزه سلامت البته با تمرکز بیشتری بر حوزه دارو به سراغ یکی از فعالان این حوزه رفتیم. مصطفی قانعی، دبیر علمی ستاد ملی کرونا از جمله پزشکان و محققان ایرانی است که آشنایی مناسبی با حوزه فناوری دارد. او اکنون دبیر ستاد توسعه اقتصاد دانش‌بنیان سلامت معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری است و در گفت‌وگو با «فرهیختگان» ضمن تشریح شرایط امروز حوزه دانش‌بنیان سلامت، از تهدیدها و فرصت‌های کشور در این حوزه سخن گفته است که در ادامه می‌خوانید.

محتوای درسی برای رسیدن به شرکت‌های دانش‌بنیان تغییر کند

حدود ۵۹ درصد از شرکت‌های دانش‌بنیان، در حوزه دارو فعالیت می‌کنند، با وجود اهمیت داروها به نظر می‌رسد این رقم عدد قابل توجه‌ای نیست. علت این آمار پایین مشارکت در حوزه داروها چیست؟

ما یک وضع موجودی داریم که همان تعداد شرکت‌های دانش‌بنیان ما در حوزه داروسازی را تشکیل می‌دهد. این شرکت‌ها هم مربوط می‌شود به آدم‌های نخبه‌ای که خودشان تصمیم گرفته‌اند دست به تولید محصولات با تکنولوژی بالا یا با پیچیدگی‌های فناوری بزنند. درحقیقت این کار، تصمیم خود این افراد بوده و حاصلش هم رقم ۶ درصد از کل شرکت‌های دانش‌بنیان کشور شده است. اما اگر بخواهیم بدانیم وضع مطلوب چیست، باید برگردیم ببینیم اصلا دانشکده‌های داروسازی ما فناور تربیت می‌کنند که قادر باشند، بروند شرکت بزنند و از شرکت محصول جدید دربیاورند؟ یعنی باید این را لحاظ کرد که استاد و دانشکده‌اش جهت‌گیری‌شان به‌سمت تولید فارغ‌التحصیل است یا تولید فناوری؟ واقعیت این است که وقتی رشته داروسازی را که نگاه کنید، عنوان این رشته به‌گونه‌ای است که اولین مساله‌ای که به ذهن متبادر می‌شود، اینکه وقتی کسی از این رشته فارغ‌التحصیل می‌شود؛ قادر است در زمینه تولید دارو وارد شود، درحالی‌که نه محتوای درسی آنها و نه مدیریتی که در دانشگاه‌های این حوزه صورت می‌گیرد، عملا به این سمت‌وسو نیست. در عمل فارغ‌التحصیل این رشته و مسیر دانشگاه‌ها به‌سمت تربیت کسی است که با علوم دارویی آشنایی دارد، اما در دانشگاه‌های ما فن‌های مربوط به تولید دارو را مدیریت نکرده‌اند. در این مدت، چندین‌بار این مساله مطرح شده که باید محتوای آموزش طوری تغییر کند که زایش شرکت‌های دانش‌بنیان یکی از مختصات دانشکده‌های داروسازی باشد.

نکته دوم این است که چه میزان از تولید دارو وابسته به چه رشته‌های مختلفی است. فرض کنید کسی که رشته‌اش زیست‌فناوری یا شیمی باشد، می‌تواند بعضی از محصولات دارویی را هم تولید کند، یعنی همه این کارها در اختیار داروسازها نیست، یعنی فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف مرتبط می‌توانند به این سمت‌وسو گرایش پیدا کنند. نکته بعدی این است که چقدر بازار واقعا کشش دارد تا یک نفر زندگی‌اش را برای تولید دارو بگذارد، برای درک بهتر این مساله مثالی می‌زنم. من الان یک فارغ‌التحصیل هستم و مخیرم بین تولید دارو یا تولید آرایشی- بهداشتی یکی را انتخاب کنم. یکی از مسیرهایم برای به نتیجه رسیدن حداقل چهار پنج سال زمان لازم داشته و قوانین سخت‌گیرانه‌ای برای آن وجود دارد، حتی وقتی هم که محصول تولیدی وارد بازار شود، واردکنندگان و رقبایی از کشورهای دیگر در بازار حضور دارند و نحوه قیمت‌گذاری‌های آن هم از سوی سازمان غذا و دارو انجام می‌شود و به همین دلیل می‌بینیم که مخاطرات حضور در این بازار و تولید دارو بسیار بالاست. در مقابل حوزه دیگر اینقدر مقررات ندارد و از طرفی مخاطرات آن هم کمتر است. طبیعتا من اگر بخواهم در حوزه کاری خودم، یکی از این مسیرها را انتخاب کنم، آن حوزه‌ای را انتخاب می‌کنم که کمترین مخاطره بازار را برای من دارد. از این رو تولید دارو جذابیتی نسبت به سایر حوزه‌ها که سختگیری کمتری روی آن هست و قیمت‌گذاری آن هم با بازار دستوری روبه‌رو نیست، نخواهد داشت.

باید در دانشکده‌های داروسازی، فناور تربیت کنیم

در این وضعیت اگر بخواهیم بگوییم چگونه این وضعیت اصلاح می‌شود، باید بگوییم کسی که در دانشگاه‌ها بحث تدریس این رشته و تربیت نیروی انسانی این حوزه را دنبال می‌کند، باید فناور تربیت کند. دوم اینکه سازمان غذا و دارو باید این فناوران را جذب کرده و به آنها جهت دهد. یعنی بستری فراهم کند که اگر به این حوزه روی آورند، بدانند نسبت به سایر حوزه‌ها که قوانین ساده‌تری دارند و قیمت‌گذاری دستوری هم در آنها کمتر است، موفق‌تر خواهند بود. در همین راستا معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهوری کاری که برای حمایت از این حوزه انجام می‌دهد، این است که نشان دانش‌بنیانی به شرکت‌ها می‌دهد و از آنها حمایت می‌کند، با این حال باید به این مساله اشاره کرد که بسترسازی برای رسیدن به شرکت‌های دانش‌بنیان، در معاونت علمی و فناوری شکل نمی‌گیرد.

حدود ۱۰ درصد اساتید به حوزه فناوری ورود داشتند

آماری از شرکت‌های دانش‌بنیان دارید که بدانیم چه تعداد از اینها را تا به حال اساتید یا اعضای هیات‌علمی و چه تعداد را فارغ‌التحصیلان رشته پزشکی تشکیل داده‌اند؟

ما در ترکیب آمار نداریم. معمولا با همدیگر هستند، یعنی تیم اینها یک مشاور پزشکی دارد و ترکیب‌شان هم مختلف است، به‌طوری‌که ممکن است یک نفر مسئول مالی باشد و یک نفر فناور باشد و یک استاد هم در میان آنها حضور دارد. با این حال سهم اساتید در تولید شرکت‌ها خیلی بالا نیست، بیشتر ریسک را فارغ‌التحصیلان قبول کرده‌اند. حدودا ۱۰ درصد از اساتید وارد این حوزه‌ها شده‌اند و به اینها فکر کرده‌اند اما بیشترشان به همان تدریس و کارهایی که قبلا انجام می‌دادند، مشغول هستند.

هنوز درک نکرده‌ایم که فضای علم و فناوری رقابتی شده است

با توجه به آمار بالای مهاجرت نیروی انسانی در حوزه سلامت که طی چند سال اخیر شدت گرفته، به اعتقاد شما شرکت‌های دانش‌بنیان تا چه میزان می‌توانند از مهاجرت این افراد جلوگیری کنند؟

موضوع مهاجرت یک علتی نیست و برای مواجهه با مقوله‌ای که چندعلتی است باید با تک‌تک علت‌های آن برخورد کرد. یکی از مسائلی که وجود دارد این است که در کشورهای اطراف ما تا یک‌دهه پیش خبری از اینکه دنبال علم و فناوری و اینها بروند، نبود. اصلا به این موضوعات فکر نمی‌کردند و کشورهایی بودند که با داشتن پول، مسیری که می‌خواستند طی کنند، کلا مسیر دیگری بود. بعد از اینکه ایران نقشه جامع علمی را تدوین و رشد علمی پیدا کرد، کشورهای اطراف یا از روی حسادت یا رقابت یا به‌دلایل دیگر تصمیم گرفتند در حوزه علم و فناوری ورود کنند. زمانی که در این مسیر وارد شدند این تابلوی علم و فناوری را از غرب آوردند و زمین لازم برای این کار را هم اختصاص دادند، اما وقتی به موضوع تامین نیروی انسانی رسیدند تحقق آن را به یکی از شرکت‌های معتبر خارجی سپردند؛ پاسخ آن شرکت هم این بود که تامین نیروی انسانی‌تان را از ایران انجام دهید، چون هم فارغ‌التحصیل دارد و هم باهوش هستند و هم اینکه با حقوق‌هایی که شما می‌دهید از کشورشان مهاجرت می‌کنند و کشورهای اطراف هم این کار را انجام دادند، یعنی آنها براساس مشورتی که کرده بودند تصمیم گرفتند این کار را انجام دهند و از آنجایی که این کشورها به این حوزه به‌عنوان یک کار اقتصادی نگاه نمی‌کردند بلکه به‌عنوان یک ذی‌نفع می‌خواستند آن را انجام دهند و برای زیست‌بوم کشورشان این کار را به هر نوعی انجام دادند. یک زمانی اصلا این مساله موضوعیت نداشت که رقابت منطقه‌ای عربستان سعودی با ما چگونه است، ولی ناگهان این کشور تصمیم دیگری گرفت و وارد مدار رقابت علمی شد. امارات هم کشوری نبود که بخواهد کار علمی کند اما ناگهان وارد کارهای علمی و بیوتکنولوژی شد. قطر و عمان به جذب کسانی که در ایران بودند، پرداختند تا جایی که امروز بسیاری از پزشکان شهره ما دفتری آنجا دارند. نکته دیگر چنین کشورهایی کششی ایجاد کردند و اگر این‌طور بود که ایران می‌کشید و آنها هم می‌کشیدند، بالاخره یک نفر پیروز می‌شد اما واقعیت این است که ایران نیرو را راند و طرف مقابل

نیمکت خبر

راه‌حل بزرگ‌ترین مسائل جامعه در دانشگاه‌های علوم انسانی است

روح‌الله دهقانی‌فیروزآبادی، رئیس بنیاد ملی نخبگان عنوان کرد: «یکی از نقدهای وارد شده به معاونت علمی و بنیاد نخبگان این است که در سال‌های گذشته نقش نخبگان علوم تجربی و علوم مهندسی در آن پررنگ بوده است. جایگاه‌ها و تعاریفی که برای نخبگان حوزه علوم انسانی وجود دارد یا اثرگذاری‌هایی که ممکن است دانشگاه‌های علوم انسانی داشته باشند، چندان درست دیده نشده است.» وی گفت: «نگرش همسان به دانشگاه‌های علوم انسانی مشابه با دانشگاه‌های علوم مهندسی و بحث‌های کارآفرینی و شرکت دانش‌بنیان و خلاق، نگاه اشتباهی است که به دانشگاه علوم انسانی و فضای آن آسیب می‌زند.» او افزود: «بزرگ‌ترین جایی که در آن ضعف داریم و به آن توجه نکرده‌ایم، علوم انسانی است. در حوزه فناوری ضعف خاصی نداریم. بزرگ‌ترین مسائل امروز ما مسائل اجتماعی، اقتصادی، حکمرانی و سیاسی است. بزرگ‌ترین سوالات بی‌پاسخ ما و مهم‌ترین مسائل امروز این کشور مسائلی هستند که ریشه آنها و راه‌حل‌های آنها در دانشگاه‌های علوم انسانی است.»

صرفه‌جویی ارزی ۳/۱ میلیارد یورویی با حمایت صندوق از طرح‌های دانش‌بنیان

محمدصادق خیاطیان، رئیس صندوق نوآوری و شکوفایی با ارائه گزارشی از فعالیت‌های این صندوق، راه‌اندازی بیش از ۸۹۰ خط تولید جدید، ایجاد ۱۰۵ هزار فرصت شغلی و کمک به تحقق صرفه‌جویی ارزی یک میلیارد و ۳۰۰ میلیون یورویی را بخشی از اثربخشی خدمات این صندوق از ابتدای تاسیس تاکنون برشمرد و بر انضباط و شفافیت مالی چند ساله صندوق و مقبول بودن گزارش حسابرسی آن برای پنجمین سال متوالی تاکید کرد. خیاطیان، لزوم اتخاذ تدابیری برای جلوگیری از مهاجرت اعضای شرکت‌های دانش‌بنیان به خارج از کشور، تاکید بر تحقق صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان‌ها، تاکید بر تخصیص منابع پیش‌بینی‌شده در تبصره ۱۸ از سوی بانک‌ها و پیگیری رئیس جمهور در این مورد را از دیگر محورهای صحبت‌های دکتر رئیسی در این نشست عنوان کرد. رئیس صندوق نوآوری و شکوفایی همچنین گفت: «رئیس جمهور ضمن استقبال از برنامه حمایت از راهیان پیشرفت از سوی صندوق نوآوری و شکوفایی بر گسترش چنین برنامه‌هایی با توجه به امیدآفرین بودن آنها تاکید کرد.»

الگوبرداری از اسناد هوش مصنوعی سایر کشورها موجب تأخر فرهنگی می‌شود

سیدسعیدرضا عاملی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و مسئول کمیسیون نهایی سند هوش مصنوعی، گفت: «تدوین و اجرای سند هوش مصنوعی کشور ملزم به رعایت اولویت‌های ملی و زیست‌بومی داخلی است و درواقع تجمیعی از امکانات فیزیکی و هوش مصنوعی است.» وی ادامه داد: «هوش مصنوعی داخلی می‌تواند قابلیت‌های مهمی در ارائه خدمات به نظام‌های کارخانه‌ای، آلودگی هوا و آلودگی صوتی به همراه داشته باشد.» مسئول کمیسیون نهایی سند هوش مصنوعی گفت: «قابلیت شبکه‌ای شدن هوش مصنوعی نه‌تنها موجب ایجاد شبکه نخبگانی می‌شود، بلکه در حوزه سیاستگذاری راهبردی نیز برنامه‌هایی را تدوین می‌کند که با دخالت در پارامترها، موجب مناسبت‌های تعاملی در منطقه و عرصه بین‌المللی خواهد شد.» وی گفت: «سند هوش مصنوعی جمهوری اسلامی ایران در مراحل نهایی‌سازی است و تا یک ماه آینده در ستاد نقشه جامع ملی کشور نهایی خواهد شد. بهره‌برداری از اسناد هوش مصنوعی سایر کشورها گرچه امر پسندیده‌ای است ولی تکرار تمام و کمال آن موجب تأخر فرهنگی در سند هوش مصنوعی کشور می‌شود.»

ادامه در صفحه ۵

آن را کشید، در این شرایط خب معلوم است که آنها پیروز شدند. اگر بخواهیم علت‌ها را ببینیم باید در جایی که کشش هست، دست از رانش برداریم، یعنی ما باید وارد فضای رقابت می‌شدیم که نشدیم. مردم مفاهیمی مانند کشش و رانش و فضای رقابتی را در فوتبال و موضوعاتی از این دست می‌فهمند. متاسفانه به‌تدریج فضای دانشگاه‌های ما هم به این سمت می‌رود که وقتی فرد دارد شروع به تحصیل می‌کند قصدش بازی‌کردن در کشور دیگری است. این فضا به خاطر رقابت‌هایی است که در سطح بین‌الملل ایجاد شده و هنوز در داخل این مهم درک نشده که فضای علم و فناوری به یک فضای رقابتی تبدیل شده است. واقعیت اینکه در دنیای امروز دیگر کشورها نمی‌توانند اقتصادهای آینده‌شان را شکل دهند، مگر اینکه وارد حوزه علم و فناوری شوند. مساله دیگر اینکه ما در منطقه بیشترین فارغ‌التحصیل مهندسی را داشتیم ولی برای آنها هم برنامه نداشتیم. از این جهت شرایطی پیش آمد که ما کشش لازم را نسبت به رقیب‌مان ایجاد نکردیم.

باید وضعیت مهاجرت به خارج از کشور را مدیریت کرد

امروز بستر شرکت‌های دانش‌بنیان نمی‌تواند این کشش را ایجاد کند؟

این شرکت‌ها می‌تواند فضای این حوزه را کم کند؛ چراکه وقتی یکی شرکتی زد، اشتغال ایجاد می‌کند اما کار به اینجا رسیده که امروز رقبای ما می‌گویند خب با شرکت‌تان مهاجرت کنید، یعنی امروز کشور همسایه‌مان می‌گوید ما تحریم نیستیم، زمین هم می‌دهیم، انتقالات بانکی هم به‌راحتی در اینجا انجام می‌شود و حالا شرکت‌ها مهاجرت می‌کنند، یعنی در گذشته افراد به این کشورها می‌رفتند حالا شرکت‌ها می‌روند.

ما باید ۱۰ یا ۲۰ سال پیش فکر می‌کردیم که دارد چنین شرایطی برای جذب نیروهای ما پیش می‌آید که فکر نکردیم. تنها چاره‌ای که در این زمینه وجود دارد این است که همین وضعیت فعلی را مدیریت کنیم، یعنی این تهدید را با مدیریت به فرصت تبدیل کنیم. ما باید به شرکت‌ها بگوییم، می‌خواهید بروید، بروید اما با در نظر گرفتن قوانین مربوطه مهاجرت کن تا سرشان کلاه نرود، یعنی باید به آنها مشورت بدهیم که قراردادهای خوب ببندند و از کشورهای همسایه صادرات‌شان را انجام دهند اما ارزآوری این کار برای کشور باشد. عملا باید کاری کرد تا شرکت‌ها یک پایگاه تولیدی در ایران و یکی در کشورهای همسایه داشته باشند. واقعیت این است که ما دیگر نمی‌توانیم مانع کسی شویم که مهاجرت نکند اما می‌توانیم خوب مدیریت کنیم تا همین تهدید برای ایران به فرصت تبدیل شود.

به این سمت حرکت کرده‌ایم؟

نه هنوز. اصلا در گام اول باید بیدار شوم تا بعد بفهمم دور و بر من چه خبر است! اولین مرحله بیداری است. در عرفان هم اولین مرحله سلوک بیداری است. باید اول به اطرافم نگاه کنم ببینم چه خبر است، بعد بفهمم با چه شیوه‌ای و چه سرعتی به چه سمتی بدوم تا به مقصد برسم. این چالشی است که فکر کنم چهار پنج سال طول بکشد تا مرحله بیداری‌اش رخ دهد، حتی کشورهایی بوده که پیشرفته هم هستند اما نیروی انسانی آنها به خارج از مرزهایشان مهاجرت داشته‌اند. بنابراین در فضای رقابتی برای پیروز شدن برنامه‌هایی طراحی کرده‌اند و به نتیجه هم رسیده‌اند. به‌طور مثال قبل از ما مثلا کشور چین این چالش را داشته اما برای جذب نیروهایش برنامه‌ریزی و معادلات مرتبط با این حوزه را حل کرده؛ این کشور برای بازگشت نیروها پای عرق وطنی و مسائل اینچنینی را به میان نیاورده است.

وضعیت مهاجرت شرکت‌های دارویی چطور است؟

نکته مهم اینکه بعضی از این شرکت‌ها اصلا قواعد را بلد نیستند که چگونه مهاجرت کنند، یعنی آنها دانش و ارتباط لازم را برای این کار ندارند، نه اینکه دل‌شان نخواهد از کشور بروند. عملا اگر یک روزی این شرکت‌ها دانش این کار را داشته باشند، می‌توان گفت وضعیت به چه شکل است، یعنی اگر روزی ارتباط برقرار شود و کشورهای همسایه این شرکت‌ها را پیدا کنند مطمئنا اینها را به بهای بالایی می‌خرند و می‌برند. نکته دیگر اینکه بخشی از این شرکت‌هایی که ماندند هم در ایران فعال هستند و هم در خارج؛ البته شیوه رفتار آنها از نظر من هم اشکالی ندارد. وقتی انتقال پول شرکت‌ها در داخل دچار مشکل بوده و با برچسب ایران هم تولیدات‌شان خریدار ندارد، نمی‌توان به آنها گفت که در کشور بمانند؛ چراکه در فضای تجارت نمی‌توان از این حرف‌ها زد. تعدادی که نرفتند، من تا جایی که اطلاع دارم، هنوز نمی‌دانند چگونه بروند.

مهم‌ترین مساله در ارتباط با فعالیت شرکت‌های دانش‌بنیان، حرکت آنها به سمت رفع نیاز داخل است، این اتفاق در ارتباط با شرکت‌های فعال در حوزه دارو چگونه دنبال می‌شود؟

خوشبختانه در کشور ما یک سازمانی وجود دارد به اسم سازمان غذا و دارو. به این سازمان می‌توان گفت چه چیزی نیاز دارد، چه حمایتی انجام می‌دهد، چه محصولی را وارد می‌کند و چه قیمت‌هایی را روی محصولات می‌گذارد. عملا همه کارها دست این سازمان است که نقد زیادی هم به آن می‌شود. دلیل نقدها این نیست که سازمان پر از ضعف است، بلکه به خاطر آن است که این سازمان وجود دارد. عملا در هیچ وزارتخانه دیگری چنین سازمانی وجود ندارد، یعنی وزارتخانه‌های دیگر می‌گویند بحث واردات، قیمت‌گذاری و خرید محصول به آنها ارتباطی ندارد؛ اما در وزارت بهداشت می‌توان در این زمینه‌ها مذاکره کرد و پاسخ همه سوالات این حوزه هم دست همین وزارتخانه است؛ البته این مهم نقطه قوت کشور است، هرچند به آن زیاد نقد می‌شود. نکته دیگر اینکه ما برای دارو، با این سازمان به یک تفاهمی رسیدیم که از بالاترین ارزبری‌ها شروع می‌شود.

در این ارتباط باید کمی به عقب برگردیم و بدانیم که در کشور مشکلی وجود داشته که نتوانسته این چالش را طی یک دهه اخیر حل کند؛ برای حل این معضل یک نوع تفاهمنامه‌ای امضا کردیم و برای تولید داروهایی با رقم بالای ۱۰ میلیون دلار فراخوان می‌دهیم؛ این کار را هم از حدود سال ۱۳۸۸ که بنده معاون تحقیقات وزارت بهداشت بودم، هر سال انجام می‌دهیم. محققان زیادی می‌آیند، برخی از آنها موفق و برخی دیگر ناموفق عمل می‌کنند. در این بازه هم تجربه و توان ما و نیز شرکت‌های رقیب ما بیشتر شده و الان تقریبا روی ۱٫۸ میلیارد دلار واردات حوزه دارو هستیم. پیش‌بینی این است که بتوانیم طی دو تا سه سال با توافقی که با سازمان داشتیم از این میزان ۸۰۰ میلیون دلار بکاهیم، یعنی زیرساختش دانشش وجود دارد و شرکت متقاضی‌اش و مدل حمایتش هم مشخص شده است.

۳۰ درصد ارز کشور برای واردات ۳ درصد داروها هزینه می‌شود

این یک میلیارد دلاری که گفتید، برای چند درصد از داروهاست؟

ما الان می‌گوییم که ۹۷ درصد تولید و ۳ درصد واردات داریم. همیشه این عدد وجود داشته که ۳۰ درصد ارز کشور برای ۳ درصد می‌رود و ۷۰ درصد برای آن ۹۷ درصد دیگر هزینه می‌شود. این تقریبا همه‌ساله وجود دارد.

۳ درصد جزء داروهای خاصی هستند که ما نمی‌توانیم تولید کنیم؟

ما وقتی پزشکان‌مان را تربیت می‌کنیم، می‌گوییم کتابی را امسال امتحان می‌گیریم که چاپ دو سال گذشته باشد. در وزارت بهداشت همیشه برای بوردهای تخصصی این کار را می‌کنند. در کتاب‌های جدید، داروهای جدید درج می‌شود و دیگر داروهای ۱۰ سال پیش کارایی ندارد. وقتی فردی فارغ‌التحصیل شد، دست به قلم می‌برد و دارویی را می‌نویسد و طبیعتا وقتی آن دارو در کشور وجود نداشته باشد، مجبور به واردات آن هستیم. بعد از مدتی که از واردات آن دارو گذشت، می‌بینند عجب پول سنگینی در این زمینه هزینه می‌شود، آن وقت یک نفر شروع به تولید کردن آن می‌کند. بنابراین چرخه‌ای وجود دارد که همیشه داروهای جدید در دنیا تولید می‌شود و برخی از اینها در کتاب‌ها می‌آیند. به محض اینکه در کتاب‌ها وارد می‌شوند، فارغ‌التحصیلان، اساتید و پزشکان شروع به تجویز آن کرده و این مهم به تقاضا تبدیل می‌شود. تقاضای دارو ایستا نیست که بگوییم تا اینجا حل کردیم و کشور ما بی‌نیاز شد. با وجود علم و فناوری‌ای که داریم تا به‌حال نتوانسته‌ایم داروی جدیدی بدهیم که دنیا نداده باشد. داروهای ما کپی داروهایی است که در دنیا و کشورهای دیگر تولید شده‌اند و ما دومین تا چهارمین تولیدکننده آن دارو در دنیا می‌شویم. با این حال هرگز پول و دانش ما به جایی نرسیده که تولیدکننده داروی جدید در دنیا باشیم.

دولت کاری نمی‌کند که تولید در حوزه دارو زنده شود

برای داروهای بیماری‌های خاص، تولیدات قابل توجهی انجام شده است؟

یکی از چالش‌ها همین است. مثلا در مورد کووید معاونت علمی درخشش کامل داشت و انواع واکسن‌ها را حمایت کرد اما دولت خریدارش نبود. دولت ۱۵۰ میلیون دلار به کووکس داد اما هیچ واکسنی به دولت داده نشد. در مقابل هم وقتی داخلی‌ها تولید کردند، دو سال طول کشید تا دولت به آنها پول‌شان را بدهد. یکی از چالش‌های بیماران خاص این است که مشتری‌اش دولت است و دولت کاری نمی‌کند که تولید در این حوزه زنده شود. یعنی دولت هیچ‌گاه به تولیدکننده نمی‌گوید کل پول این حوزه را به او می‌دهد تا شرکت هم بتواند این دارو را تولید کند؛ به همین دلیل وقتی یک شرکت بالا می‌آید، در چرخه بدهی که ایجاد شده، می‌افتد و چون دارایی زیادی هم ندارند، درنتیجه شرکت‌ها سراغ این کار نمی‌روند. در علم تجارت می‌گویند هر جا که تجارت به دولت وصل شد، از آن پرهیز کنید. در دولت‌ها این مساله نیاز به تدبیر و قوت و عزم و اراده دارد. ما به دولت فعلی گفته‌ایم شما ۷۰ درصد آنچه به خارجی‌ها برای تامین یک دارو می‌دهید را به تولیدکننده داخلی بدهید، ما همان سال به شما دارو را تحویل می‌دهیم. اینها تدابیری است که دولت باید پیش بگیرد، بعد همه آنها حل می‌شوند.

مشکل کشور در حوزه IVIG تا سال آینده حل می‌شود

درباره داروهای بیماران خاص خبر خوبی دارید؟

امروز کمبود IVIG یا محصولات پلاسمایی مشهود است. با این حال خوشبختانه باید بگویم که تا سال آینده این کمبود با تولید دانش‌بنیان در ایران برطرف خواهد شد. درواقع یکی از حوزه‌هایی بوده که ۴۰ سال است در آن مشکل داریم اما در آینده حل خواهد شد.

در تولید مشکلی نداریم اما در سیاست‌ها و مقررات گیر افتاده‌ایم

یعنی نمی‌توان داروهای خاص را در بازار عرضه کرد؟ حتما باید از طریق دولت باشد؟

نه، نمی‌توان این کار را انجام داد. نگاه کنید اگر پوشش بیمه داده نشود، چه کسی می‌تواند یک آمپول ضدسرطان تولید ایران که ۲۵ میلیون تومان است و خارجی آن ۱۲۰ میلیون تومان را بخرد؟ ما باید کاری کنیم که برای تولیدکننده داخلی صرفه اقتصادی داشته باشد که بخواهد دارویی را تولید کند. ما به لحاظ فناوری کم نداریم. هر چیزی که دنیا تولید کند، ما هم می‌توانیم تولید کنیم، فقط در سیاست‌ها و مقررات گیر افتاده‌ایم.

دولت یعنی همان سازمان غذا و دارو و وزارت بهداشت؟

نه، دولت یعنی دولت. سازمان غذا و دارو مجری یک‌سری کارهاست. البته ممکن است وزیر بهداشت با اختیار خودش چنین کاری را بکند اما شورای عالی بیمه دست وزیر نیست و ترکیبی هست که وزارتخانه تنها یک رای در آنجا دارد. اینکه می‌گویم دولت، یعنی باید در هیات دولت تصمیم گرفته شود و بعد پای آن هم بایستند.

نیازها چگونه به شرکت‌ها اعلام می‌شود؟

به صورت فراخوان. سازمان غذا و دارو مسئولیت تولید ندارد. در قانون وزارت بهداشت نوشته شده که شما تامین‌کننده هستید و اگر کمبودی در این حوزه ایجاد شد، این سازمان باید جواب دهد و حالا تفاوتی ندارد که محصول مورد نیاز تولید داخل بوده یا از خارج تامین شده است. در این میان معاونت علمی و فناوری ریاست‌جمهور و وزارت صمت وظیفه حمایت را دارد. یعنی در تولید اینها باید پاسخگو باشند و در نیاز آنها باید پاسخ بدهند. در این شرایط برای هماهنگی میان دستگاه‌های تولیدکننده یا تامین‌کننده، نیاز به یک هماهنگ‌کننده دیگری داریم. وقتی دو دستگاه دولتی هستند، یکی باید بالاتر از دولت بنشیند و این ظرفیت را به کار گیرد.

دولت با اختصاص ۸۰۰ میلیون دلار می‌تواند به درآمدزایی برسد

راجع به گردش مالی شرکت‌های دانش‌بنیان حوزه دارو در داخل هم توضیح دهید که چه میزان آورده مالی برای کشور داشته است؟

ما محاسباتی داشتیم که اگر این شرکت‌ها نبودند و کلا جمع می‌شدند، یعنی همین الان در شرکت‌هایشان را ببندند، باید سالانه ۱٫۸ میلیارد دلار ارز بدهیم و این داروها را وارد کنیم. ما داروهایی را می‌آوریم، یعنی آمارنامه دارویی ۱۰ سال پیش را ملاک قرار داده و شرکت‌های دانش‌بنیان را هم ملاک قرار دادیم. بعد می‌بینیم اینها چقدر هر سال ارزبری را کم کرده‌اند. به‌عنوان مثال برای واکسن آنفلوآنزا هر سال مقداری ارز داده می‌شود. اینکه دولت بگوید چرا باید از این حوزه حمایت کنم؟ باید یک پیام روشن به دولت بدهم و آن هم اینکه اگر این ۱٫۸ میلیارد دلار را بخواهید وارد کنید، باید ارز ۳۰ هزار تومانی بدهید اما اگر وارد نکنید، ارز را در صرافی و بازار آزاد با قیمت ۴۰ هزار تومان عرضه می‌کنید. حال اگر شما ۱٫۸ میلیارد دلار را ضرب در ۱۰ هزار تومان که اختلاف بین ارز تخصیصی با قیمت آزاد آن است، کنید، می‌بینید دولت می‌تواند درآمدزایی داشته باشد. یعنی چون دولت ارز برای واردات اختصاص نداده، مابه‌تفاوت را در بازار فروخته و از طریق صرفه‌جویی ارزی می‌تواند درآمد حاصل کند. یک عقل کامل اقتصادی می‌گوید هر یک دلاری که اینها ذخیره می‌کنند، ۱۰ هزار تومان به من می‌دهند، پس اگر این ۸۰۰ میلیون دلاری که در حوزه دارو می‌توان به تولید داخل اختصاص داد را در ۱۰ هزار تومان ضرب کنیم، عملا ۸ هزار میلیارد تومان خواهد شد. نکته دیگر اینکه هر سال این ۸۰۰ میلیون دلار را می‌توان به تولید داخل اختصاص داد و هر سال با نرخ ارز می‌توان چنین درآمدی را داشت.

از صادرات هم آماری دارید که ما چقدر صادر می‌کنیم؟

صادرات ما خیلی کم است و قابل گفتن نیست. مثلا ۲۰۰ میلیون دلار صادرات در حوزه دارو داریم که به نظر من اصلا نباید گفت که ما صادرات داریم. دلیل آن هم این است که سازمان غذا و دارو می‌گوید تا وقتی من در داخل دارو می‌خواهم، نمی‌گذارم صادراتی صورت بگیرد و همین مساله اهرمی شده تا تولیدکننده‌ای نخواهد به سمت مذاکرات صادراتی حرکت کند.

پیش‌بینی شما برای درآمد از شرکت‌های تولید دارو در بازار سال آتی چقدر است؟

اگر دولت این کمک‌هایی را که گفتم بکند و درایتی پیش آید که بگوید ما پشت این می‌ایستیم، مساله حل می‌شود. در این صورت پیش‌بینی این است که تا دو سال آینده تا ۸۰۰ میلیون دلار گردش خارجی به گردش داخلی تبدیل می‌شود. حالا این عدد را شما ضرب کنید، می‌بینید که چه عدد ارزی‌ای خواهد شد. این می‌شود اشتغال و اقتصاد ایران بزرگ‌تر خواهد شد.

گردش مالی امسال چقدر بوده؟

کل گردش مالی حوزه دارو حدود ۱۶۰ همت است.

صحبتی هم درباره واکسن آنفلوآنزا کردید. درباره کیفیت کار شرکت‌های دانش‌بنیان در حوزه تولید دارو که مردم چقدر به تولید داخل استقبال و اعتماد می‌کنند. امسال مردم درگیر واکسن آنفلوآنزای هلندی بودند. در این‌باره توضیح بدهید.

انتظار نمی‌رود به محض تولید، ناگهان اعتقاد مردم و دیدگاه پزشکان در بازار تغییر کند. اصلا خود شرکت‌ها هم می‌گویند ما اول ۱۰ درصد، بعد ۲۰، بعد ۳۰ و بعد بقیه بازار را می‌گیریم. مردم که نمی‌توانند کیفیت را بسنجند یا مقایسه کنند. این سازمان غذا و دارو است که کیفیت را مستند تایید می‌کند. مستنداتش هم برای مردم قابل خواندن نیست. مطالعه بالینی را هم فقط پزشکان محقق از نتایج متوجه می‌شوند؛ لذا نمی‌توان گفت مردم چه می‌گویند! مردم در خودرو یا مبل بلدند کیفیت را بسنجند اما درباره دارو نه! موضوع اصلی در دارو مساله تجویز آن است؛ چراکه پزشک دارو را تجویز می‌کند. برای پزشکان هم باید کنفرانس گذاشت و آنها را با داده‌ها آشنا کرد تا متقاعد شوند و اینطور نیست که بگویند چون تولید ایرانی بوده، پس کیفیت ندارد! با این حال من که در مطب مریض می‌بینم، گاهی تولید داخلی که کیفیت ندارد را نمی‌نویسم. من به مریضم فکر می‌کنم، به تولید و ارزبری کاری ندارم؛ بنابراین تصمیم پزشکان بر این اساس است که بیمار چه واکنشی به دارو نشان می‌دهد.

شبه‌دولتی‌ها نمی‌خواهند داروهای تک شود

آقای دهقانی فیروزآبادی پیش‌تر عنوان کرده بود که شرکت‌های دانش‌بنیان دارویی ما می‌توانند به مجموعه‌های های تک تبدیل شوند. این موضوع تا چه میزان امکان تحقق دارد؟ ما در چند سال آینده می‌توانیم به این برسیم؟

سهمی از حوزه دارویی ما دست کسانی است که شبه‌دولتی هستند و آنها هم اصلا مایل نیستند این حوزه های‌تک بشود. یعنی اصلا هیات‌مدیره‌های فعال در این حوزه به فکر این موضوع نیستند تا بخواهند تصمیمی در این زمینه بگیرند. نکته دیگر اینکه مدیران و هیات‌مدیره این مجموعه‌ها تغییر می‌کند و به همین دلیل برای آنها تفاوتی نمی‌کند که های‌تک بشوند یا نشوند. اینها حقوقی ثابت می‌گیرند. از بزرگ‌ترین معضلات کشور همین شبه‌دولتی‌ها هستند. هر رئیس‌جمهوری هم می‌آید یک زمانی به آنها می‌دهد که کارشان را واگذار کنند و هیچ‌وقت هم این اتفاق نمی‌افتد و واگذار نمی‌کنند. زمانی می‌توانیم راجع‌به تحقق این شعار فکر کنیم که شرکت‌های بزرگ ایران اجازه دهند فناوری‌های جدید در شرکت‌هایشان نصب شده و محصولات با تکنولوژی بالا تولید شوند. مثلا ما یک شرکت دانش‌بنیان داریم که یک گرم محصول تولیدی آنها یک میلیون دلار ارزش دارد، چراکه برای برای بیماران هموفیلی کاربرد خواهد داشت، در مقابل هم شرکتی هست که بروفن تولید می‌کند، قطعا این دو شرکت با یکدیگر قابل قیاس نیستند.

دولت در کرونا هزینه‌ای برای ساخت واکسن پرداخت نکرد

در زمان شیوع کرونا چند نوع واکسن در کشور تولید شد که طبیعتا هزینه بالایی صرف آن شد. این نوع هزینه‌کردن‌ها را شما برای نظام سلامت و هم وضعیت اقتصادی فعلی کشور مفید می‌دانید؟

من خیلی مایلم دولت بگوید چقدر هزینه کرده است! بخش خصوصی پول این کار را گذاشت و دولت حتی واکسن را هم نخرید. دولت آنها را به زمین زد؛ در چنین شرایطی اگر باز اتفاقی بیفتد، قطعا دیگر این شرکت‌ها وارد بحث تولید واکسن نمی‌شوند. در مقابل این فشار معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری بود که همه را به لحاظ مسئولیت اجتماعی مجاب کرد تا هر کسی هم یک توانی داشت در این حوزه وارد شود. من خیلی دلم می‌خواهد با این مصاحبه، دولت یا بانک مرکزی بگوید من اینقدر بودجه برای تولید واکسن گذاشتم. آن پولی که به خارجی‌ها داده را می‌دانیم چقدر است، فقط بگویند چقدر به خصوصی‌های داخل بابت تولید واکسن دادند، نه به دولتی‌ها. آن‌وقت شما سوال کنید که چقدر هزینه کردیم!

شما می‌گویید بخش خصوصی خودش هزینه کرد و با حمایت معاونت تولید کرد. دولت حمایت مالی که نکرد، از او خرید هم نکرد. این همان بخش شبه‌دولتی است که اجازه نمی‌دهد این اتفاق بیفتد؟

نمی‌دانم. یک جاهایی که خطر کشور را تهدید می‌کند، باید ریسک را دولت قبول کند. من این را چندین‌بار به رئیس جمهور قبلی گفتم. اصلا مثلا فلان کشور که واکسن تولید کرد؛ قبل از تولید به شرکت‌ها گفتند ما این را خریدیم و این هم پولش. اگر هم نتیجه نداد، خطر گردن من، اما تو برو کارت را انجام بده. ما حتی پس از تولید هم پول طرف را ندادیم. خطر را شرکت‌ها نباید قبول کنند، دولت‌ها باید قبول کنند.

حذف آلایندگی‌ها تنها نیاز به تنظیم مقررات دارد

الان وضعیت هوا خیلی بد است. شرکتی داریم که در این زمینه ورود کند؟ چون بخشی از سلامت مردم به همین هواست؛ نقش ستاد شما و توصیه‌اش به دولتمردان چیست؟

من این را به یقین و قاطعیت می‌گویم که حدود سه چهار سال پیش جمیع فناوری‌های موجود کشور که می‌توانند آلاینده‌ها را کم کنند، به نمایش گذاشته شد. آنچه باعث موفقیت اینها می‌شود، تنظیم مقررات است، یعنی مثلا اگر به خودروساز الزام می‌کردند که این ماشین باید ۱۰ درصدش برقی باشد، آن‌وقت شرکت هم کارش می‌گرفت. وقتی الزامی نیست، آن شرکت هم بازاری ندارد. با این قیمت انرژی و بنزین چرا باید کار کند؟ ما فقط و فقط تصمیمات‌مان را در بحران آلودگی می‌گیریم. وقتی هوا آلوده می‌شود، مصاحبه می‌کنند یا مدارس تعطیل می‌شوند اما وقتی باد می‌آید، دیگر نه مصاحبه‌کننده و نه شنونده‌ای، نیست. دیگر نه موضوع در مجلس و نه در دولت، مطرح نمی‌شود و فقط موقع خفگی یک سروصدایی بلند می‌شود. همان‌طور که لندن و پکن مشکلش را حل کرد، ایران هم می‌تواند مشکل آلاینده‌ها را حل کند؛ فقط و فقط این کشش باید از سمت مقررات باشد تا باعث شود مثلا یک کاتالیستی که یک شرکتی تولید کرده روی همه خودروهای تولیدی نصب شود. قطعا این قبیل شرکت‌ها نمی‌توانند بروند تبلیغات انجام دهند. من وقتی ماشینم را روشن می‌کنم، فکر آلاینده‌بودنش نیستم مگر وقتی که مقررات مرا مجبور به این کار کند. آن وقتی بازار درست می‌شود. مثلا قبلا تبلیغ می‌کردند و می‌گفتند کپسول آتش‌نشانی داریم، می‌خرید؟ بعد آمدند گفتند ما پایان کار به یک ساختمان نمی‌دهیم تا کپسول آتش‌نشانی داشته باشد. حالا دیگر اینها اصلا تبلیغ نمی‌کنند. یا یک زمانی وزیر بهداشت گفت بیمارستانی که زباله‌سوز نداشته باشد، اعتبار ندارد، در نتیجه همه رفتند خریدند و کار شرکت مربوطه گرفت. در عمل یک حکم مساله را حل می‌کند. دولت لازم نیست همیشه پول بگذارد. گاهی باید گلوگاه مقرراتی‌اش را محکم نگه دارد تا مشکل حل شود. الان ما یارانه دارو می‌دهیم، یارانه بنزین هم می‌دهیم. هم یارانه می‌دهیم که هوا آلوده شود، هم بعد از آلودگی، یارانه می‌دهیم که مردم علاج شوند. در دنیا این نظیر ندارد که هم برای ایجاد و هم برای درمان بیماری یارانه دهند.

دانش‌بنیان‌ها در دوران کرونا آبروی کشور را خریدند

شما در دوران کرونا سمت داشتید. یک خاطره شیرین یا تلخ از آن ایام برای ما بگویید.

خاطره شیرین این بود که سازمان بهداشت جهانی کیت‌هایی را به ما به عنوان هدیه داده بود و درست دو ماه از کرونا گذشته بود که گفت من کیت ندارم. من باور نمی‌کردم با فراخوانی که می‌دهیم، سه ماه بعد برای کل کشور به کیت برسیم و تقاضای جهانی برای کیت به سمت ایران بیاید. همین در مورد ونتیلاتور و ماسک هم رخ داد. این دانش‌بنیان‌ها از ۱۰ سال قبل پایه‌گذاری شده بودند اما ناگهان که تغییر مسیر دادند و به نیاز کشور پرداختند، آبروی کشور را در دنیا خریدند. این برای همه حکمرانی‌ها مایه افتخار شد، درحالی‌که برایش زحمتی نکشیده بودند.

خاطره تلخ آنجا بود که من رئیس کمیته علمی بودم و داد می‌زدم داروی فاویپیراویر هیچ اثری ندارد اما دولت در حدود ۶۰۰ میلیارد تومان بابت خرید این دارو هزینه کرد. هم من از کمیته علمی کنار رفتم و هم پول بی‌جهت هزینه شد. این جایی بود که باید به دانشمند و کسی که کار علمی کرده و مبتنی بر شواهد می‌گوید این را نخرید، احترام می‌گذاشتند که نگذاشتند. من در صداوسیما بیان کردم این را ژاپن ساخته و به چین داده. نه برای کرونا در چین استفاده می‌شود و نه در ژاپن. سازنده این را استفاده نکرده، پس چرا شما برای آن این همه پول می‌دهید؟!

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

ادامه از صفحه ۴

ازورود متقلبان به دانشگاه‌ها جلوگیری می‌شود

علی بهادری جهرمی روز چهارشنبه در حاشیه جلسه هیات دولت در جمع خبرنگاران درباره شائبه تقلب در آزمون سراسری گفت: «روز گذشته با همکاری و هماهنگی میان قوا مصوبه‌ای در شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید و فرآیند به‌گونه‌ای طراحی شد که هم داوطلبانی که آزمون آنها شبهه‌دار است امکان حق اعتراض داشته باشند و هم از حقوق سایر داوطلبان و سایر آحاد مردم و حیثیت دانشگاه صیانت شود.» سخنگوی دولت افزود: «طبق پیش‌بینی صورت گرفته فرآیند اعتراض و شکایت در هیات عالی تجدیدنظر وزارتخانه‌های ذیربط انجام می‌شود. این یک نمونه تعامل میان قواست که از ورود متقلبان جلوگیری می‌شود و از حقوق داوطلبان دیگر صیانت خواهد شد.» بهادری جهرمی افزود: «باید حق اعتراض برای آنها تامین شود تا بتوانند از تصمیم سازمان سنجش و آموزش کشور که آنها را متقلب شناخته به مرجع دیگری که بی‌طرف و تخصصی است، شکایت کنند.» وی تاکید کرد: «این موضوع سبب خواهد شد از حقوق سایر داوطلبان، آحاد مردم، حیثیت علمی دانشگاه و جامعه علمی کشور صیانت شود تا فرد متقلب امکان راهیابی به دانشگاه را نداشته باشد.»

هنوز به همه متقاضیان وام ودیعه مسکن تعلق نگرفته است

مسعود گنجی، رئیس صندوق رفاه دانشجویان در گفت‌وگو با «ایلنا» در مورد اعطای وام‌ها به دانشجویان متاهل عنوان کرد: «امسال حدود ۱۱۰ میلیارد تومان وام ودیعه مسکن به دانشجویان متاهل اعطا کردیم. این رقم در مقایسه با سال قبل رشد داشته است. البته هنوز نتوانسته‌ایم به همه متقاضیان این وام، پرداخت داشته باشیم.» گنجی در مورد مساعدت برای تهیه غذای برخی دانشجویانی که نیاز به حمایت بیشتری دارند، اظهار کرد: «درخصوص این دانشجویان ما مبلغی را برای تهیه غذا در اختیارشان قرار می‌دهیم و به محض اینکه ۸۰ درصد مبلغی که گرفته‌اند را هزینه‌کرد داشتند، به ما گزارش می‌دهند و صندوق خیریه رفاه دانشجویان در دانشگاه‌ها مطابق با این گزارش کارت آنها را شارژ می‌کند.» گنجی افزود: «تاکنون نیز کمک‌های خوبی شده و میزان کمکی که به دانشجویان داده می‌شود متفاوت است. ممکن است از ۵۰۰ هزار تومان تا دو میلیون تومان کمک کرده باشیم اما این رقم برای افراد با شرایط مختلف، متغیر است.»

تمدید مهلت ثبت‌نام آزمون دستیاری فوق‌تخصصی

فرصت ثبت‌نام در چهل‌ویکمین دوره آزمون پذیرش دستیاری رشته‌های فوق‌تخصصی تا روز شنبه ۹ دی ماه تمدید شد. گفتنی است فرصت ثبت‌نام در این آزمون که از دوشنبه ۲۷ آذر ماه آغاز شده بود و طبق اطلاع اولیه در روز یکشنبه ۳ دی ماه به پایان می‌رسید، پس از اتمام فرصت ثبت‌نام، تا روز شنبه ۹ دی ماه تمدید شد. لازم به ذکر است آزمون کتبی چهل‌ویکمین دوره آزمون پذیرش دستیار فوق‌تخصصی در رشته‌های مصوب در ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه ۲۸ دی ۱۴۰۲ به صورت متمرکز در شهر تهران برگزار می‌شود و کارت ورود به جلسه آزمون در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه ۲۶ و ۲۷ دی ماه در سایت مرکز سنجش آموزش پزشکی منتشر می‌شود. نکته قابل توجه برای داوطلبان آنکه آزمون شفاهی براساس جدول زمان‌بندی که در هنگام توزیع کارت ورود به جلسه به داوطلبان اطلاع‌رسانی می‌شود، برگزار خواهد شد.

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

ارزشمندترین برند جهان امسال با افت ۳ درصدی درآمد مواجه شد

رشد ۱۳ درصدی R&D اپل در ۲۰۲۳

سهم یک‌دهم درصدی اپل از هزینه‌های تحقیق و توسعه آمریکا

ندا اظهری
مترجم

غول فناوری اپل از مهم‌ترین و پردرآمدترین شرکت‌های فناورانه دنیاست که به‌عنوان یک شرکت فناوری چندملیتی فعالیت می‌کند. این شرکت در سال ۲۰۲۲ چهارمین فروشنده بزرگ کامپیوترهای شخصی بود و از نظر درآمدی هم لقب بزرگ‌ترین شرکت تولیدی دنیا را یدک می‌کشد. اپل همچنین دومین تولیدکننده گوشی‌های تلفن همراه در دنیاست و از این رو در کنار آلفابت، آمازون، متا و مایکروسافت یکی از پنج غول فناوری اطلاعات آمریکا را به خود اختصاص داده است. اپل هنوز هم به دلیل محصولات و کیفیتی که دارد، یکی از برترین تولیدکنندگان فناوری اطلاعات محسوب می‌شود.

کاهش ۳ درصدی درآمد اپل

به گزارش statista، در تازه‌ترین گزارش مالی سال ۲۰۲۳ شرکت اپل که اخیرا منتشر شده، کل فروش خالص این شرکت در سالی که به روزهای پایانی آن نزدیک می‌شویم، چیزی حدود ۳۸۳ میلیارد و ۲۹۰ میلیون دلار برآورد شده است که در مقایسه با رقم کل درآمد ۳۹۴ میلیارد و ۳۳۰ میلیون دلاری در سال ۲۰۲۲ با کاهش حدود سه درصدی روبه‌رو شده است. اما درمجموع اگر بخواهیم بازه ۱۰ ساله را در نظر بگیریم، کل درآمد سالانه این شرکت طی ۱۰ سال گذشته چهاربرابر شده است؛ به‌طوری که درآمد آن از ۱۷۰ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۱۳ رشد ۵۵ درصدی را نشان می‌دهد. در این میان، درآمد خالص اپل در سال ۲۰۲۳ به ۹۷ میلیارد دلار رسید. توسعه پیاپی محصولات نوآورانه زمینه‌ساز رشد چشمگیر کمپانی اپل در طول این سال‌ها بوده است. از جمله محصولات این شرکت می‌توان به کامپیوترهای مک، آیفون، آی‌پد و اپل‌واچ اشاره کرد که همگی جزء محصولات تحول‌آفرین و انقلابی هستند که از موفقیت تجاری بی‌نظیری برخوردار بوده‌اند. شواهد بیانگر آن است که فروش خالص تمام محصولات اپل در سال جاری روند کاهشی را تجربه کرده‌اند و سیستم‌های «مک» با افت ۲۷ درصدی فروش، بالاترین کاهش را به خود اختصاص داده‌اند.

ارزش ۳ هزار میلیارد دلاری اپل

ارزش بازار غول فناوری اپل برای نخستین بار از آگوست ۲۰۲۳ به بعد به سه هزار میلیارد دلار رسید که بزرگ‌ترین شرکت را بین ۱۰ شرکت برتر دنیا از نظر ارزش بازار به خود اختصاص می‌دهد. این درحالی است که سهام اپل با افزایش دو درصدی به ۱۹۳ هزار و ۴۲۰ دلار در هر سهم رسید. سهام اپل نیز به‌عنوان یکی از باارزش‌ترین شرکت‌ها در دنیا شناخته می‌شود به‌طوری که در یک دهه گذشته، قیمت سهام این شرکت بیش از ۱۰ برابر شده و باعث شده است تا به‌عنوان نخستین شرکت تریلیون دلاری از نظر ارزش بازار شناخته شود. به گزارش cnbc، از سال ۲۰۲۲ اپل باارزش‌ترین برند در سراسر جهان شده است. فروشگاه‌های اپل هم با توجه به فروش محصولات چشمگیر از زمان افتتاح در اوایل دهه ۲۰۰۰ به توسعه کمپانی اپل کمک کردند. این فروشگاه‌ها سریع‌ترین خرده‌فروشی دنیا بودند که از فروش سالانه یک میلیارد دلاری هم پیشی گرفتند. نشان تجاری فروش سالانه این شرکت و محصولات متنوع اپل در حال حاضر در صدها نقطه از جهان به نمایش درمی‌آیند. بازار خانگی اپل بیشترین تمرکز فروش محصولات را در فروشگاه‌های اپل به خود اختصاص داده است.

به گزارش hindustantimes، ارزش بازار اپل بعد از رسیدن به سه هزار میلیارد دلار تنها کمتر از میزان GDP حدودا شش کشور دنیا شامل آمریکا ۲۵ هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار، چین ۱۸ هزار میلیارد دلار، ژاپن چهار هزار و دو میلیارد دلار، آلمان چهار هزار و ۷۰ میلیارد دلار، هند سه هزار و ۴۰۰ میلیارد دلار و انگلیس سه هزار و ۷۰ میلیارد دلار است. انتظار می‌رود بازار سهام آیفون افزایش یابد و با ارزش گذاری‌ای که روی آن انجام شده بازار آن از اقتصاد انگلیس هم پیشی گرفته است. با نرخ رشد فعلی این احتمال وجود دارد که ارزش بازار اپل در ماه‌های آینده از تولید ناخالص داخلی هند هم پیشی بگیرد. گمانه‌زنی‌ها هم حکایت از آن دارد که ارزش بازار اپل حتی از کل ارزش بازار شرکت‌های فرانسوی نیز بالاتر رفته است.

هزینه R&D اپل ۱۲٫۵ درصد رشد یافته است

به گزارش statista، کمپانی اپل در سال مالی ۲۰۲۳ چیزی قریب به ۲۹ میلیارد و ۹۲۰ میلیارد دلار روی تحقیق و توسعه هزینه کرده است که در مقایسه با رقم ۲۶ میلیارد و ۲۵۰ میلیون دلاری سال گذشته، با رشد سه میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلاری با رشد ۱۲٫۵ درصدی مواجه بوده است. بودجه عظیم تحقیق و توسعه این کمپانی در سال‌ها منجر به عرضه محصولات مختلف این شرکت شده است. پیش‌بینی‌هایی که صورت گرفته نشان می‌دهد که اپل در سال آینده هدست‌های واقعیت مجازی خود موسوم به Vision Pro را عرضه خواهد کرد که نخستین پلتفرم محاسباتی از زمان ارائه ساعت اپل در سال ۲۰۱۴ به شمار می‌رود. اپل از زمان شروع به کار جنجالی خود در گاراژی در کالیفرنیا، به یک غول صنعت فناوری تبدیل شده و امروز عنوان ارزشمندترین برند جهان را به خود اختصاص داده است. این شرکت بیش از ۱۰ محصول جدید را در سال ۲۰۲۳ عرضه کرده و نسل‌های جدیدی از آیفون، ساعت اپل و آی‌پد را نیز روانه بازار کرده است. این شرکت علاوه‌بر محصولات الکترونیکی مصرفی خود بسته‌های نرم‌افزاری، برنامه‌های کاربردی، مرورگر هایوب و به‌تازگی فناوری‌های ابری را توسعه داده. این شرکت در ابتدای نوامبر ۲۰۱۹ با راه‌اندازی رسمی اپل تی‌وی پلاس بخشی از بازار خدمات رسانه‌ای را در دست گرفت البته به نظر می‌رسد اپل ورود با تاخیری در بازی رقابتی چنین محصولاتی داشته است. طیف گسترده محصولات و نرم‌افزارهای سازگار اپل هر ساله صدها میلیارد دلار درآمد به همراه دارد و آن را به نخستین شرکت دولتی تبدیل کرده است که برای اولین بار ارزش بازار آن به یک هزار میلیارد دلار رسید. با توجه به اینکه کل میزان GDP آمریکا در سال ۲۰۲۳ قریب به ۲۶ هزار و ۵۰۰ میلیارد دلار برآورد شده است، کل بودجه R&D که از GDP آمریکا به کمپانی اپل اختصاص داده شده حدود ۰٫۱ درصد را به خود اختصاص می‌دهد.

دانشگاه اپل و دوره‌های کارآموزی در ۲۰۲۴

به گزارش techwireasia، دانشگاه فوق‌سری اپل در سال ۲۰۰۸ از سوی استیو جابز، مدیرعامل این غول فناوری راه‌اندازی شد. در این مرکز آموزشی، فرهنگ و تاریخچه شرکت به کارکنان آموزش داده می‌شد. دوره‌ها در این دانشگاه الزامی نیست و تنها به‌عنوان یک دوره پیشنهادی به کارکنان توصیه می‌شود. در این مرکز، هیات علمی تمام‌وقت شامل مدرسان، نویسندگان و ویراستاران، دوره‌ها را برگزار می‌کنند. در قالب همکاری، اپل بخشی از اعضای هیات علمی دانشگاه خود را از دانشگاه‌های مطرحی چون یال، هاروارد، کالیفرنیا، برکلی، استنفورد و MIT تامین کرده است. قسمتی از آموزش‌هایی که برای کارکنان این کمپانی در نظر گرفته شده، آشنایی با شیوه‌های جذب منابع و استعدادها به این شرکت است. با برنامه کارآموزی سیستم‌های اطلاعات و فناوری اپل، این شرکت قصد دارد پتانسیل خود را برای جذب بهترین استعدادها در این شرکت افزایش دهد. طبق برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته از سوی مقامات اپل، قرار است یک برنامه کارآموزی سیستم‌های اطلاعاتی و فناورانه اجرایی شود که به پرورش نسل بعدی استعدادهای فناوری بپردازد. برنامه کارآموزی اپل، شانس شرکت‌کنندگان برای قرارگرفتن در پیشرفت‌های فناورانه را افزایش می‌دهد. علاوه‌بر این، آنها فرصت تجربه کار عملی را پیدا می‌کنند.

همکاری سرمایه‌گذاری ۲۰ میلیارد یورویی اپل با تامین‌کنندگان اروپایی

اپل اعلام کرده است که هزینه‌های خود را که شامل سرمایه‌گذاری روی تامین‌کنندگان اروپایی می‌شود از سال ۲۰۱۸ تاکنون بیش از ۵۰ درصد افزایش داده است و در مجموع به ۸۵ میلیارد یورو طی پنج سال گذشته و بیش از ۲۰ میلیارد یورو تنها در سال ۲۰۲۲ رسیده است. این سرمایه‌گذاری سهم بیش از ۴۰۰۰ تامین‌کننده اروپایی شده و از نوآوری‌های پیشرفته‌ای پشتیبانی می‌کند که می‌توان آنها را در هر محصولی که اپل تولید می‌کند، یافت. این سرمایه گذاری‌ها همچنین به پیشرفت انتقال سبز صنعت اروپا کمک می‌کند؛ چراکه اپل متعهد شده تا پایان این دهه به کاهش و به صفر رساندن انتشار گازهای گلخانه‌ای دست یابد. اپل به‌واسطه این سرمایه‌گذاری از بیش از دو میلیون و ۶۰۰ هزار شغل در اروپا حمایت می‌کند. همکاری عمیق با تامین‌کنندگان اروپایی به ایجاد فناوری‌های موفقیت‌آمیز کمک کرده و آنها را در مسیر رسیدن به هدف کربن‌زدایی کل زنجیره تامین جهانی پیش برده است. اپل در همکاری‌های دیگر خود با شرکت Foxconn به‌طور بین‌المللی مشارکت می‌کند. این شرکت یکی از قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین تامین‌کنندگان اپل به شمار می‌رود. به‌رغم حضور این شرکت در تایوان به دلیل تعداد زیادی از تامین‌کننده منطقه چین به اپل کمک می‌کند تا شعبه‌هایی نیز در هند، آمریکا و ویتنام راه‌اندازی کند. همچنین شرکت Compal Electronics از دیگر شرکای اپل محسوب می‌شود که در تولید آی‌پد و ساعت اپل به این شرکت کمک کرده است. همچنین شرکت Quanta، تولیدکننده کامپیوترهای نوت‌بوک، در فعالیت‌های تحقیق و توسعه در تایوان و تولید این سیستم‌ها در آمریکا، اروپا و آسیا کمک می‌کند. در این میان، اپل با همکاری شرکت TSMC که تولیدکننده نیمه‌رساناهای تایوانی است به تولید تراشه‌های موردنیاز برای اپل برای استفاده در آی‌پدها، سیستم‌های آیفون، ساعت‌های هوشمند و سیستم‌های «مک» کمک می‌کند. شرکت Wistron که در تایوان مستقر است نیز در همکاری با اپل و ایجاد و توسعه بازار در هند، بوردهای مداری را برای گوشی‌های آیفون پرینت می‌کند. دیگر شرکت تایوانی موسوم به Pegatron عملکردی مشابه شرکت Foxconn دارد که در مونتاژ گوشی‌های آیفون به کمک اپل می‌آید. شرکت‌های چینی GoerTek و Luxshare هم تولید سیستم‌های ایرپاد اپل را بهبود بخشیده و تولید آنها را بهینه می‌کنند. شرکت Broadcom هم در تولید قطعات شارژرهای بی‌سیم و تراشه‌ها برای سیستم‌های اپل نقش ایفا می‌کنند. شرکت Corning هم در همکاری با اپل، در تولید شیشه‌های گوریلاگوشی‌های این شرکت نقش دارند و شیشه‌هایی ضدخش و مقاوم و ضدآب تولید می‌کنند.

همکاری با دانشگاه‌ها در ۲۰۲۳ چگونه بود؟

به گزارش apple، این غول فناوری قرار است به‌منظور توسعه مرکز طراحی سیلیکون، علاوه‌بر سرمایه‌گذاری‌هایی که تاکنون داشته، یک میلیارد یورو اضافی در آلمان سرمایه‌گذاری انجام دهد. این کمپانی قرار است طی ۶ سال آینده به‌عنوان بخشی از توسعه مرکز طراحی سیلیکون خود در مرکز مونیخ، این مبلغ را در مهندسی آلمان سرمایه‌گذاری کند. این مبلغ بسیار بالاتر از تعهد سرمایه‌گذاری یک میلیارد یورویی است که اپل پیشتر در سال ۲۰۲۱ متعهد شده بود. مونیخ در حال حاضر بزرگ‌ترین مرکز مهندسی اپل در اروپاست و تیم‌های مهندسی در این منطقه جزئی از نوآوری‌های جدیدی هستند که کاربران اپل را نسبت به محصولات جدید این شرکت راضی نگه می‌دارند. این شرکت که قرار است با سرمایه‌گذاری در آلمان و سراسر اروپا یک مرکز تحقیقاتی پیشرفته را نیز راه‌اندازی کند، با در اختیار داشتن فضای قابل توجه آزمایشگاهی، طراحی پیشرفته و موقعیت مرکزی، در زمینه توسعه روش‌های جدید و همکاری و نوآوری توسعه خواهد یافت. مرکز طراحی سیلیکون در فاصله چند قدمی از دانشگاه فنی مونیخ قرار خواهد داشت که یکی از مدارس مهندسی و موسسات تحقیقاتی پیشرو در اروپا لقب خواهد گرفت. به‌عنوان بخشی از تعامل اپل با سازمان‌های دانشگاهی و فرهنگی در سراسر آلمان، در سال‌های گذشته، تیم‌های فناوری سخت‌افزار و نرم‌افزار اپل در چند پروژه تحقیقاتی با دانشگاه همکاری کرده‌اند که راه‌های جدیدی را برای ایمن‌تر کردن اتصالات بی‌سیم تلفن همراه بررسی می‌کنند.

از سوی دیگر، موسسه فنی کالیفرنیا نیز توافق‌نامه‌های متعددی را با شرکت‌های فناورانه امضا کرده است. در این میان، اپل و Broadcom به‌عنوان تامین‌کننده تراشه‌های وای‌فای با این موسسه فناوری به توافق رسیده‌اند و یک نبرد حقوقی چند ساله بر سر حق ثبت اختراع ارتباطات بی‌سیم به پایان رسید. اختلافات حقوقی در سال ۲۰۱۶ زمانی آغاز شد که شرکت Caltech، اپل و Broadcom را به نقض حق ثبت اختراع وای‌فای متهم کرد. این پرونده در سال ۲۰۲۰ با صدور رأی به نفع Caltech اوج گرفت و دادگاه، اپل را مسئول نقض حق ثبت اختراع دانست و این غول فناوری را به پرداخت ۸۳۸ میلیون دلار محکوم کرد. همچنین Broadcom نیز ملزم به پرداخت ۲۷۰ میلیون دلار شد.

یکی از مهم‌ترین همکاری‌های اپل با دانشگاه‌ها، مشارکت این غول فناوری با دانشگاه «گالودت» به‌منظور تسریع نوآوری‌های آموزشی برای ناشنوایان است. اپل سیستم iPad Pro را با ویژگی‌های منعطفی طراحی کرده که امکان دسترسی بصری را برای دانشجویان ناشنوا فراهم می‌کند که شامل قابلیت Live Listen (شنیدن زنده) برای تنظیم دقیق سمعک‌ها و وسایل کمک شنوایی؛ سیستمی برای خواندن گفت‌وگوها و نمایش موسیقی و جلوه‌های صوتی هنگام تماشای فیلم و برنامه‌های تلویزیونی است. اپل همچنین در آیپد و آیفون از اپ‌استور مجهز به برنامه‌های دوزبانه استفاده می‌کند. دانشجویان ناشنوا می‌توانند سمعک خود را با کمک بلوتوث به آیپد متصل کنند. از آنجایی که دانشگاه گالودت بخشی از آموزش‌های خود را به‌طور آنلاین برگزار می‌کند، از برنامه‌های بصری و ویدئویی برای آموزش بهره می‌برد. اپل در همکاری با این دانشگاه، به دانشجویان پس از فارغ‌التحصیلی فرصت‌هایی را در زمینه فناوری می‌دهد. علاوه‌براین، اپل و دانشگاه گالودت بورسیه‌های تحصیلی را نیز برای دانشجویان رنگین‌پوست دارای معلولیت در نظر گرفته‌اند که در حال تحصیل در رشته‌های فناوری اطلاعات، علوم کامپیوتر و سایر رشته‌های علوم، فناوری و ریاضیات است. این بورسیه‌ها همچنین فرصت شرکت در کنفرانس‌های جهانی توسعه‌دهندگان اپل را نیز به دانشجویان این دانشگاه می‌دهد.

میزان درآمد غول فناوری اپل برحسب میلیارد دلار

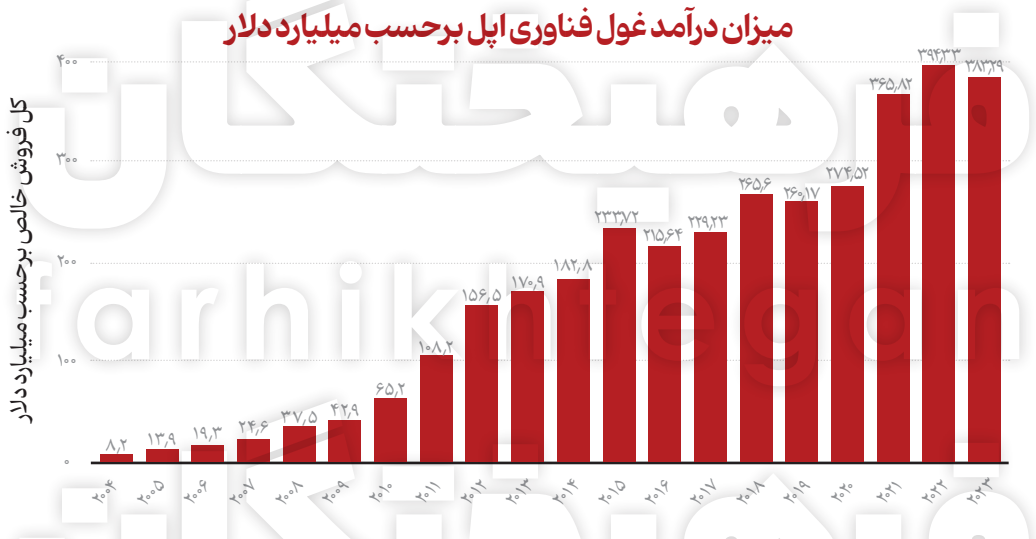

نرخ هزینه اپل روی تحقیق و توسعه در سال‌های اخیر برحسب میلیارد دلار

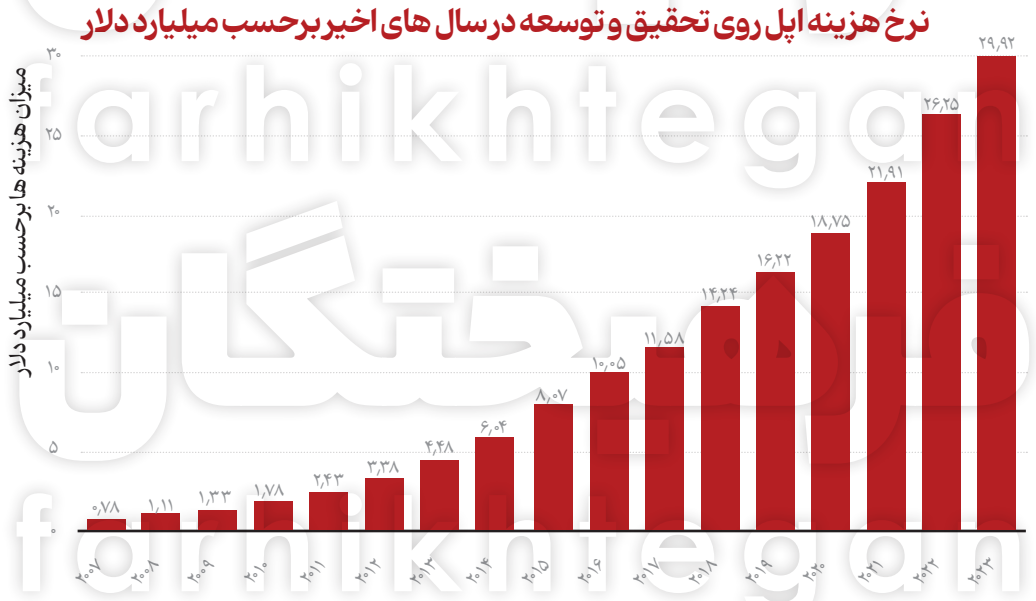

درآمد کل اپل و سهم بخش‌های مختلف از این درآمد

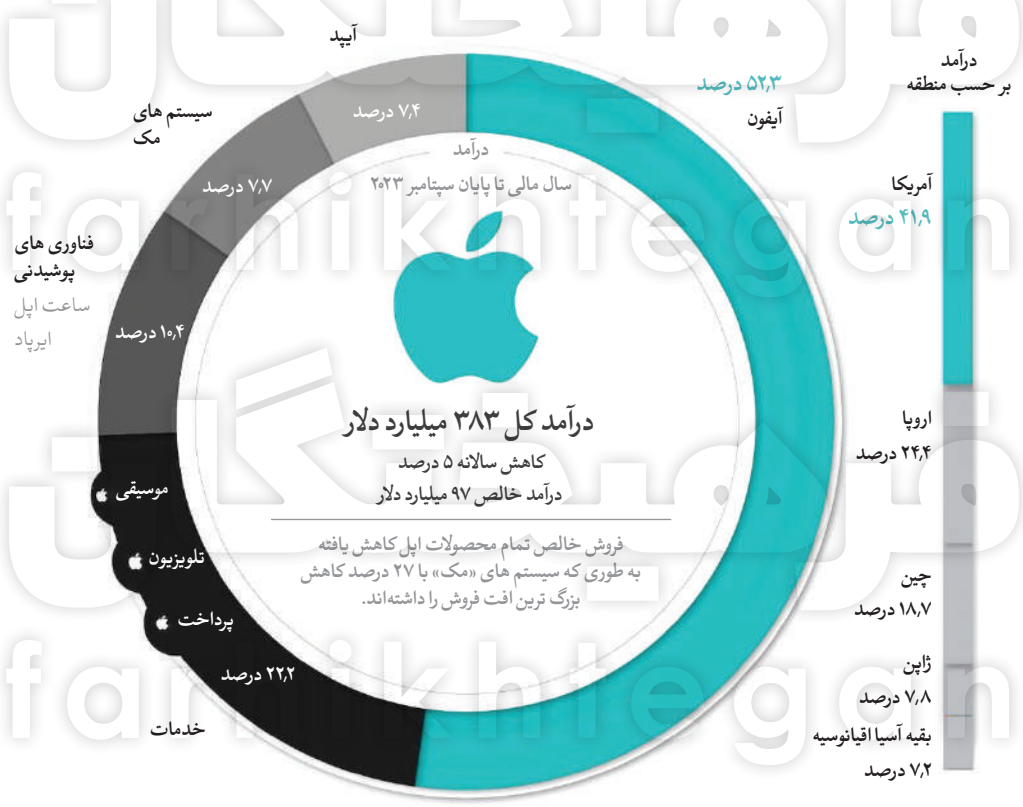

آگهی مزایده عمومی

روزنامه فرهیختگان در نظر دارد از طریق برگزاری مزایده عمومی نسبت به فروش ضایعات کاغذ این رسانه اقدام نماید. لذا کلیه متقاضیان محترم می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۰۷ لغایت پایان وقت اداری روز شنبه ۱۴۰۲/۱۰/۰۹ جهت شرکت در مزایده با شماره تماس ۶۲۹۹۹۴۹۵ تماس حاصل نمایند.

آیا ماجرای ابردزدی ترکیه یک افسانه است؟

ابر می‌بارد و من می‌شوم از مرز جدا!

زینب مرزوقی
خبرنگار گروه نقد روز

شاید شما نیز این روزها تصویری از کوه‌های پر از برف ترکیه در مرز با ایران دیده‌اید و این پرسش نیز برایتان پیش آمده باشد که بین این سوی مرز با آن سوی مرز چه تفاوتی وجود دارد؟ البته در این فیلمی که منتشر شده، ادعا شده که این برف چندمتری مربوط به استان وان ترکیه است. درحالی‌که تهران تا به اینجای سال، برف زمستان ۱۴۰۲ را به خود ندیده و بارش‌ها تا به اینجای سال پراکنده و نسبتا کم هستند. البته که کارشناسان هوا و اقلیم‌شناسی، بارها بر تاثیر جهان گرمایی و گرمایش جهانی سال ۲۰۲۳ تاکید دارند، اما با این حال اغلب کارشناسان بر این باورند که اگر همچنان در زمستان امسال بارش کمی داشته باشیم و ذخایر برفی ما کم باشد، در تابستان ۱۴۰۳ دچار بحران آبی خواهیم شد. احد وظیفه، رئیس مرکز اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی درباره وضعیت بارش زمستان امسال گفت: «برای زمستان امسال، غالب مراکز پیش‌بینی شناخته شده بین‌المللی دنیا که مدل‌های عددی را اجرا و منتشر می‌کنند و از سوی سازمان‌های جهانی هواشناسی به‌رسمیت شناخته شده است، بارش‌های امسال برای منطقه خاورمیانه در حد نرم و کمتر از نرمال را پیش‌بینی کرده‌اند. در پیش‌بینی‌های فصلی مقدار بارش پیش‌بینی نمی‌شود، بلکه بی‌هنجاری بارش نسبت به شرایط نرمال پیش‌بینی می‌شود. میانگین نرمال دما و بارش ۳۰ ساله گذشته است. براساس میانگین خروجی‌های مختلف، منطقه خاورمیانه بارش‌های نرمال تا کمتر از نرمال پیش‌بینی شده است.»

بارش‌ها احتمالا از میانگین نرمال کمتر خواهد بود

وظیفه توضیح داد که این پیش‌بینی‌ها احتمالی است و حتمی نیست. وی در این باره توضیح داد: «این پیش‌بینی‌ها به سه قیمت تقسیم می‌شود. احتمال اینکه این مقدار پیش‌بینی بارش در حد نرمال باشد یا اینکه در حد بیش از نرمال یا کمتر از نرمال؛ نرمال نیز میانگین ۳۰ ساله و تعداد سال‌هایی که متوسط، بالای متوسط و پایین‌تر از متوسط بوده است. بیشترین احتمال بارش‌ها مربوط به احتمالات بارش متوسط با گرایش به پایین‌تر از متوسط است یا همان کم‌بارشی درنظر گرفته شده است. با این حال اما این پیش‌بینی‌ها قطعیت ندارد؛ چراکه ناشناخته‌های زیادی برای پیش‌بینی‌های جوی وجود دارد، خصوصا برای منطقه ما. دما را با قطعیت زیاد می‌توان اظهارنظر کرد اما برای بارش این‌گونه نیست؛ چراکه متغیرهای زیادی وجود دارد.»

رئیس مرکز اقلیم و مدیریت بحران خشکسالی سازمان هواشناسی در ادامه پیش‌بینی‌ها درباره هوا را این‌گونه تشریح کرد: «به‌نظر می‌رسد که دما بیش از نرمال باشد، یعنی دمای گرم‌تری حاکم باشد و بی‌هنجاری دما مثبت باشد؛ هر چند بی‌هنجاری بارش گرایش به صفر دارد اما آنچه در ماه‌های ژانویه، فوریه و مارس پیش‌بینی شده یعنی نیمه دی‌ماه تا نیمه‌فروردین‌ماه، بی‌هنجاری دماست. اما به‌هرحال اندکی مایل به کم‌بارشی است.»

باد پشتش به ماست

وی در توضیح تصویر منتشرشده از مرز ایران و ترکیه نیز گفت: «آن تصویر و اظهارات منتشرشده درباره‌اش، دقیق و واقعی نیست. همواره در هر جایی می‌تواند آب و هوای دو طرف یک کوه مختلف باشد. مثالش همین کوهستان‌های البرز است. یک طرف رو به شمال و یک طرف رو به جنوب است و مقدار بارشی که دریافت می‌کنند عین هم نیست. همچنین در ترکیه، کوه‌ها در جریان مسیر باد هستند. یا به عبارتی باد ابتدا به آن مناطق برخورد می‌کند، درحالی‌که عرض آذربایجان غربی در کشورمان، عرض میانی است و حرکت توده‌ها در عرض میانی از غرب به شرق است. بنابراین جریان مرطوبی که از دریای مدیترانه یا دریای سیاه وارد می‌شوند، ابتدا به کوه‌های ترکیه برخورد می‌کنند. به این کوه‌ها در اصطلاح بادسو می‌گویند. منطقه ما در پناه و پشت باد قرار می‌گیرد، به آن بادپناه می‌گویند. معمولا رطوبت در سمت بادسو دریافت می‌شود. مثالش نیز ارتفاعات البرز است. شمال آن منطقه جنگلی است اما در جنوب می‌بینیم که بیشتر پوشش علفی دارد. دلیل نیز همین اختلاف بارش در دو سوی بادپناه و بادسو است.»

ایران در کمربند بیابانی جهان قرار دارد

وظیفه عنوان کرد که در حالت کلی و فارغ از این دو دلیل، پهنه کشور ما عمدتا در منطقه جنب حاره‌ای واقع شده است. وی در این خصوص نیز گفت: «مناطق جنب حاره‌ای، مناطق فرونشینی هواست. برعکس ترکیه که در عرض میانی واقع شده، مناطق بالاروی یا صعود هواست. در منطقه صعود هوا، بارندگی‌های بیشتری نسبت به منطقه فرونشینی شکل می‌گیرد. در منطقه جنب حاره‌ای بیشتر بیابان‌های جهان قرار دارد؛ از شمال آفریقا کشیده شده تا خاورمیانه. مثلا همین کشورهای عربی جنوب ایران و بخش وسیعی از فلات ایران. این مناطق عرض حاره‌ای، کمربند بیابانی جهان را تشکیل می‌دهند. در منطقه ما اگر دو رشته کوه زاگرس و البرز نبود، بارشی که دریافت می‌کردیم، به‌مراتب از اینی که هست کمتر می‌شد. این نعمت بزرگی است که رشته کوه زاگرس در قلب ایران قرار گرفته و مناطقی مانند کوهرنگ در بارش سالانه‌شان بالغ بر ۱۵۰۰ میلی‌متر ثبت می‌شود. یا البرز باعث شده که خطه مازندران و گیلان سرسبز شد و اگر این رشته کوه نبود، گیلان و مازندران هم مانند ترکمنستان خشک می‌شد. بر همین اساس به‌دلیل موقعیت جغرافیایی ایران و ترکیه، این مقایسه صحیح نیست. ترکیه بارش سالانه‌اش نزدیک به ۶۰۰ میلی‌متر است ولی در ایران بارش سالانه‌اش طی ۱۰ سال اخیر چیزی حدود ۲۰۰ میلی‌متر بود. در ۵۰ سال گذشته این رقم ۲۵۰ بود که به‌دلیل تغییر اقلیم سالانه یک میلیمتر کاهش داشتیم.»

بارش‌های آذرماه ۷۵ درصد کمتر از نرمال بود

وی همچنین در رابطه با بارش‌های اخیر ترکیه نیز توضیح داد: «ترکیه در ماه اکتبر دچار کم‌بارشی بود. اکتبر درواقع مهر تا آبان است. اما از نیمه آبان تا آذر، شرایط بارش در ترکیه تغییر کرد. اکتبر تا نوامبر بارش‌های ترکیه چندان خوب نبود اما از نیمه نوامبر به بعد، بارش‌های خیلی خوبی داشت. به‌هرحال گردش‌های جوی تحت تاثیر موج‌های بزرگ هستند. این امواج تحت تاثیر برخی پدیده‌های بزرگ مقیاس هم از پدیده قطب و هم از پدیده حاره‌ای قرار می‌گیرند و گذر آنها تحت تاثیر قرار می‌گیرد. این باز می‌گردد به نوسانات بارش سالانه و ماهانه که هر سال یا هر ماه شبیه به هم نیست. نوامبر تا دسامبر بارش‌های ترکیه خوب بود اما متاسفانه ما ضعیف‌ترین بارش‌ها را داشتیم و آذرماه ایران حدود ۷۵ درصد نسبت به نرمال کمتر بود. یکی از دلایل آن، حاکم بودن شرایط دمایی بسیار گرم و بالاتر نرمال در شمال آفریقا تا خاورمیانه بود. به‌دلیل حاکم بودن دمای گرم، سامانه‌های جوی‌ای که روی جنوب ترکیه می‌آیند روی مدیترانه تقویت می‌شوند که به خوبی شکل نگرفتند و به‌طور نسبی ما با کمبود گذر جوی مواجه بودیم و آن‌طور که باید بارندگی دریافت نکنیم. این دو عامل باعث کاهش ذخایر آبی ما شده است. امیدواریم شرایط تغییر کند، وگرنه ما با توجه به بارش‌های کم سه سال گذشته، تنش آبی را در پی خواهیم داشت. اگر زمستان این چنین پیش برود، وضعیت تابستان پیش‌رو خوشایند نخواهد بود و در برخی شهرها با بحران آبی مواجه خواهیم شد.»

با کمبود آب در سدها مواجه هستیم

وی تاکید دارد که بارش‌های زمستانه قابل پیش‌بینی نیستند و باید از دو تا سه هفته پیش از بارش آنها را رصد کرده و سپس تحلیل کرد. اکنون تنها با احتمالات می‌توان وضعیت جوی را پیش‌بینی کرد. وظیفه عنوان کرد که یک الی دو هفته آتی، وضعیت بارش چندان در کشورمان تعریفی ندارد و با کم‌بارشی مواجه هستیم. اما در دهه سوم دی‌ماه، اگر شرایط بهبود پیدا کند، دو ماه‌ونیم برای زمستان زمان داریم تا بتوانیم درخصوص وضعیت بارشی امسال سخن بگوییم. ولی به هر صورت با توجه به بارش‌های پاییزه و احتمالات پیش‌رو، همچنان با کمبود آب در سدها روبه‌رو هستیم. مگر اینکه یک سال استثنایی رخ دهد و احتمال رخ دادن آن بسیار ضعیف است.

محو شدن و دستکاری ابرها شایعه است

وظیفه همچنین درباره شایعه محو شدن ابرها در آسمان ارومیه نیز گفت: «تصویر منتشر شده یک تصویر ماهواره‌ای است و یک تصویر روزانه از وضعیت آسمان است. در کشورمان نیز در یک نقطه ابرها شکل می‌گیرند و در جایی دیگر محو می‌شود. حرکت ابرها، تحت تاثیر سامانه جوی است که آنها را ایجاد می‌کند، یعنی اگر یکجایی ابر شکل می‌گیرد و یکجایی خالی از ابر است، این بر اثر عوامل توپوگرافی محل، الگوهای فشاری، رطوبت تزریق شده، شکل حرکت و برخورد حرکت با توده هواست. این مساله ربطی به شایعات ایجاد شده ندارد و یک فرآیند طبیعی است. این تصویر حتی در آسمان اروپا هم وجود دارد. یکجایی شکل می‌گیرند و در جایی از بین می‌روند. این شایعه است که ابرها دستکاری می‌شوند.»

بررسی اهداف رژیم صهیونیستی از ترور شهید سیدرضی موسوی در گفت‌وگو با حسن هانی‌زاده، کارشناس مسائل غرب آسیا

بحران‌آفرینی برای عبور از بحران

از ابتدای جنگ غزه تاکنون رژیم صهیونیستی تلاش داشته ایران را عامل اصلی نبرد غزه نشان دهد. این اقدام با این هدف صورت می‌گیرد که بار روانی شکست این رژیم از گروه‌های مقاومت فلسطینی کمرنگ شده و سران این رژیم بتوانند برای افکار عمومی خود از نقش ایران به‌عنوان دشمن اصلی خود سناریوسازی کنند و اقدام غافلگیرانه حماس در ۷ اکتبر را کمرنگ جلوه دهند. همزمان با این القائات رژیم صهیونیستی سعی داشته تا پای ایران را به‌طور مستقیم به نبرد باز کند، به این امید که حمایت‌های نظامی آمریکا افزایش یابد و یک ائتلاف جهانی ضدمقاومت تشکیل شود؛ ائتلافی که بتواند این رژیم را از مرداب غزه بیرون بکشد. ترور شهید سیدرضی موسوی در زینبیه سوریه نیز با همین اهداف صورت گرفته است. در گفت‌وگویی که با حسن هانی‌زاده داشته‌ایم این اهداف به‌طور مفصل تشریح شده‌اند که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

رژیم صهیونیستی به‌دنبال عکس‌العمل شتابزده ایران است

هانی‌زاده اهداف رژیم صهیونیستی از ترور شهید سیدرضی موسوی را اینگونه تشریح کرد: «ترور دردناک سردار رشید اسلام شهید موسوی در سوریه یکی از اقدامات جنایتکاران رژیم صهیونیستی تلقی می‌شود. به اعتبار اینکه این رژیم پس از ۸۰ روز بمباران نفسگیر و غیرانسانی و وحشیانه‌ای که علیه مردم انجام داد، نتوانست به یک پیروزی سریع نظامی علیه حماس و جهاد اسلامی دست پیدا کند. درطول ۸۰ روز گذشته این رژیم متحمل خسارات سنگینی شد و آخرین بار هم تیپ نخبه البولانی که یک تیپ کماندویی کاملا آموزش‌دیده در جنگ‌های خیابانی و شهری محسوب می‌شود در حمله به جنوب غزه متحمل خسارات سنگینی شد و ۷۰ درصد از نیروهای خودش را در حمله به جنوب غزه از دست داد. از سوی دیگر شرایط منطقه به‌گونه‌ای است که بسیاری از همپیمانان رژیم صهیونیستی به خاطر ادامه جنایت این رژیم از او فاصله گرفته‌اند. فشارها الان روی اسرائیل زیاد شده و تجربه نشان داده هرگاه این رژیم با یک بن‌بست و بحران داخلی مواجه‌شده تلاشش این بوده که آن بحران را به خارج از مرزهای فلسطین اشغالی منتقل کند. به همین دلیل دست به ترورهای هدفمند زده است. الان هم حضور انصارالله در عرصه‌های میدانی در یمن و در تنگه باب‌المندب و همچنین حشدالشعبی در عراق موجب شده که رژیم صهیونیستی دست به فرافکنی بزند و سعی کند افکار عمومی را علیه ایران برانگیزد و وانمود کند که ایران در پیروزی‌های حماس و جهاد اسلامی نقش داشته و اسلحه در اختیار این دو جریان قرار داده، لذا از آنجا که شهید موسوی یکی از سرداران شناخته‌شده در عرصه مبارزه علیه گروهک‌های تکفیری در سوریه بوده، اسرائیل برای اینکه جمهوری اسلامی را وادار به یک عکس‌العمل شتابزده کند این سردار را ترور کرده است. البته موساد عوامل جاسوسی در سوریه زیاد دارد و با استفاده از آنان تحرکات شهید سیدرضی موسوی را رصد و ایشان را ترور کرده. طبیعتا ایران در زمان و مکان مناسب پاسخ کوبنده‌ای به رژیم صهیونیستی خواهد داد ولی دست به عکس‌العمل شتابزده نخواهد زد ولی محور مقاومت یعنی حزب‌الله، انصارالله و حشدالشعبی این آمادگی را دارند که انتقام خون این شهید را از این رژیم بگیرند و در آینده این رژیم هزینه‌های سنگینی به خاطر این جنایت پرداخت خواهد کرد.»

شهید سیدرضی موسوی ارتباط خوبی با نیروهای مقاومت داشت

هانی‌زاده در ادامه نقش شهید موسوی در پشتیبانی از نیروهای مقامت را اینگونه تشریح کرد: «یکی از فرماندهان میدانی که در سوریه حضور داشت و توانمندی مدیریتی بالایی هم داشت شهید موسوی بود. سیدرضی با حماس و جهاد اسلامی هم ارتباط خوبی داشت و به همین دلیل رژیم صهیونیستی که توانمندی حماس و جهاد اسلامی را به خاطر آموزش‌های مستشاری امثال شهید موسوی می‌داند، تیمی از تاثیرگذارترین شخصیت‌ها از جمله او را در لیست ترور قرار داد. البته این رژیم هرگاه با شکست‌هایی مواجه می‌شود به سمت ترور شخصیت‌های سیاسی و نظامی حرکت می‌کند و این یک نشانه حقیقی و واقعی از به بن‌بست رسیدن رژیم صهیونیستی در عرصه‌های میدانی و نظامی است.»

تشکیل ائتلاف جهانی ضدمقاومت هدف تلاش‌ها برای بازکردن پای ایران به جنگ است

از ابتدای جنگ غزه تاکنون رژیم صهیونیستی همواره سعی داشته ایران را عامل اصلی نبرد غزه نشان دهد. این رویکرد با چند هدف اتخاذ شده که هانی‌زاده مهم‌ترین آنها را تشکیل یک ائتلاف ضدایرانی دانست و در این باره توضیح داد: «رژیم صهیونیستی در جنگ میدانی و زمینی بسیار ضعیف و شکننده است اما از توان هوایی بسیار بالایی برخوردار است. این رژیم با داشتن بیش از ۶۰۰ هواپیمای فوق‌مدرن طبیعتا دست بالا در جنگ‌های هوایی دارد و این یکی از ویژگی‌های مهم رژیم صهیونیستی است که از نیروی هوایی خودش در همه جنگ‌ها استفاده می‌کند، حتی در جنگ‌های داخلی و منطقه‌ای. به همین دلیل سعی می‌کند ایران را وادار به عکس‌العملی کند تا با کمک آمریکا و کشورهای اروپایی یک ائتلاف جهانی و منطقه‌ای علیه ایران تشکیل بدهد و از بحران داخلی فلسطین اشغالی خارج شود. به‌نظر می‌رسد هدف اسرائیل این است که ایران را وادار به یک عکس‌العمل شتابزده کند و ائتلافی هم با شرکت آمریکا و برخی کشورهای منطقه و اروپایی تشکیل بدهد و جنگ را فراگیر کند تا درواقع از بن‌بست غزه خارج شود.»

تشکیل ائتلاف ضدمقاومت جنگ را برای اسرائیل بسیار شکننده خواهد کرد

حتی اگر پای ایران به جنگ باز شود و آمریکا به سمت تشکیل ائتلاف حرکت کند، این سوال به وجود می‌آید که آیا کشورهای اروپایی و منطقه حاضرند در این ائتلاف حضور یابند؟ هانی‌زاده در این باره معتقد است: «آمریکا این توانمندی را دارد که یک ائتلاف خارج از سازمان ملل و در چهارچوب ناتو تشکیل دهد و کشورهای منطقه هم هرچند تعدادشان بسیار کم است ممکن است تحت فشار آمریکا به جنگ ورود پیدا کنند ولی آمریکا با داشتن پایگاه‌های مهم در منطقه می‌تواند مدیریت این ائتلاف را در اختیار داشته باشد که در آن صورت منطقه شاهد یک جنگ گسترده و بحران نفسگیر خواهد شد که کنترل آن برای بازیگران بزرگ جهان دشوار خواهد بود. ارزیابی رژیم صهیونیستی این است که توانمندی نظامی ایران به‌قدری نیست که بتواند در چند جبهه بجنگد. به همین دلیل تلاشش این است که از طریق یک ائتلاف جهانی ایران را به لحاظ نظامی درهم بشکند ولی اسرائیل هم آسیب جدی خواهد دید؛ چراکه ایران، محور مقاومت و کشورهای همپیمان ایران وارد عمل خواهند شد و این برای اسرائیل بسیار شکننده خواهد بود.»

هدف نهایی اسرائیل حذف غزه از جغرافیای جهان است

پافشاری نیروهای مقاومت فلسطینی و رژیم صهیونیستی بر مواضع خود این سوال را به‌وجود آورده که نبرد غزه نهایتا تا چه زمانی قرار است ادامه پیدا کند و سرنوشت جنگ چه خواهد شد؟ هانی‌زاده معتقد است که این رژیم اهداف رادیکالی را درنظر دارد که ممانعت از تحقق آن به‌راحتی قابل پیش‌بینی نبوده و بستگی به توان گروه‌های مقاومت دارد. او گفت: «این جنگ یک ارتباط مستقیم با سرنوشت اسرائیل دارد. به همین دلیل آنها تلاش می‌کنند که پیروزی سیاسی و نظامی به‌دست بیاورد اما پیروزی نظامی محتمل نیست، لذا سعی می‌کنند از طریق برقراری یک آتش‌بس کوتاه اسرای نزد حماس را آزاد و این را به‌عنوان یک دستاورد سیاسی برای آینده خودشان تلقی کنند. به‌هرحال بنیامین نتانیاهو هدفش این است که غزه را به‌کلی تخریب و آن را از نقشه جغرافیایی فلسطین خارج کند. در ادامه جهاد اسلامی و حماس خلع سلاح شوند. این بخشی از سناریویی تعریف شده است و جلوگیری از آن بستگی به مقاومت حماس و جهاد اسلامی دارد که تا چه حد بتوانند مانع پیش‌روی ارتش رژیم صهیونیستی در جنوب شوند. این رژیم تن به آتش‌بس طولانی و پایدار نخواهد داد، بلکه به‌دنبال آتش‌بس کوتاه‌مدت است تا گروگان‌ها و اسرا را آزاد کند. ضمن اینکه اساسا رژیم صهیونیستی مایل نیست با حماس در آینده وارد مذاکره شود، بلکه یکی از دستاوردهایی که نیاز دارد برای تصویر پیشرفت در جنگ ارائه کند خلع سلاح کامل حماس و جهاد اسلامی و تخریب کلیه تونل‌های حفرشده توسط حماس است. هدف نهایی اسرائیل این است که غزه را از صحنه جغرافیایی خارج کند و اگر چیزی از این شهر باقی بماند تحت مدیریت این رژیم در آینده قرار بگیرد.»

نیروهای مقاومت برای یک جنگ ۶ماهه آماده‌اند

درصورتی‌که رژیم صهیونیستی با حمایت نظامی غرب بخواهد جنگ را برای مدتی طولانی تداوم بخشد، این سوال به وجود می‌آید که نیروهای مقاومت تا چه زمانی توان ایستادگی دربرابر حملات نظامی گسترده را دارند؟ حسن هانی‌زاده از آمادگی نیروهای مقاومت برای یک جنگ شش‌ماهه خبر داد و گفت: «نیروهای مقاومت خود را برای یک جنگ حداقل شش‌ماهه آماده کرده‌اند ولی الان سناریویی که وجود دارد همان سناریوی سال ۱۹۸۲ است که رژیم صهیونیستی بیروت را محاصره کرد و رهبران جنبش فتح ازجمله یاسر عرفات را مجبور کرد که از بیروت خارج شوند و به‌سمت کشورهای دیگر کوچ کنند. الان هدف رژیم این است که حداقل حماس و جهاد اسلامی تسلیم شوند و فرصتی فراهم شود که رهبران میدانی حماس و جهاد اسلامی غزه را ترک کنند. این آخرین سناریویی است که رژیم صهیونیستی برای ادامه جنگ طراحی کرده و این البته به قدرت مقاومت و اقداماتی بستگی دارد که در آینده حماس و جهاد اسلامی درمقابل حملات هوایی رژیم خواهند داشت. البته این حملات بسیار دردناک است و بمباران غزه برای حماس و جهاد اسلامی بسیار شکننده است، زیرا حجم کشتارها بسیار بالاست و این می‌تواند تحرک میدانی حماس و جهاد اسلامی را تحت تاثیر قرار دهد و از شدت آن بکاهد.»

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

بررسی‌ها نشان می‌دهد روسیه و غرب یک‌بار دیگر به معامله بر سر اوکراین نزدیک شده‌اند

خاک‌فروشی ناتو

سیدمهدی طالبی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

در زمستان ۲۰۲۳ جنگ در اوکراین مانند یک خرس به خواب رفته است. ارتش‌های روسیه و اوکراین به بهانه بارش برف و عدم امکان تحرک با وسایل نقلیه یا یورش‌های پیاده، جنگ را متوقف کرده‌اند. در معدود زد و خوردها، گاهی روسیه چند پهپاد به خاک اوکراین پرتاب می‌کند و مواقعی نیز اوکراینی‌ها با هدف قرار دادن ناوگان دریایی روس‌ها در دریای سیاه از خجالت مسکو درمی‌آیند.

شاید به همین دلیل بود که مسکو هفته گذشته با بگو و بخند، پیام‌های آشکار و نهانی برای غرب ارسال کرد. ولادیمیر پوتین رئیس جمهور روسیه، سه‌شنبه گذشته به‌طور علنی از آمادگی خود برای مذاکره بر سر آینده اوکراین خبر داد. این موضع‌گیری در شرایطی که حضور روس‌ها حتی در کمربند جنوبی منتهی به شبه‌جزیره کریمه تکمیل نشده است، نشان می‌دهد مسکو برخلاف گفته‌های قبلی قصد یا توان پیش‌روی بیشتر را در خاک اوکراین ندارد. پنج روز پس از پیام آشکار پوتین به غرب در ۱۹ دسامبر، نیویورک‌تایمز در گزارشی به تاریخ ۲ دی (۲۳ دسامبر) اعلام کرد رئیس جمهور روسیه از کانال‌های دیپلماتیک گفته آماده انجام یک «معامله» است. با وجود اظهارات صریح او به این خبر نمی‌توان خدشه‌ای وارد کرد. این موضوع پیشینه‌ای نیز در طرف غربی دارد. استیان ینسن، رئیس دفتر دبیرکل ناتو در تابستان به‌صراحت اعلام کرده بود یک راه‌حل برای اوکراین واگذاری خاکش به روسیه است تا با پایان جنگ، شرایط برای عضویت این کشور در ناتو فراهم شود. سخنان زمستانه پوتین به‌نوعی پذیرش پیشنهاد تابستانه ناتو است. مسکو و واشنگتن در آستانه معامله‌ای قرار دارند که احتمالا بر مبنای آن، یک‌پنجم خاک اوکراین از دست می‌رود.

«مدل گرجستان» هدف ارضی جنگ اوکراین

روسیه با توجه به سابقه قبلی و گردش قطعی اوکراین به‌سمت غرب تلاش داشت آنچه را که می‌تواند از خاک این کشور در چنگ خود نگه دارد، اشغال کند. نمونه برجسته و نقطه آغاز چنین رویه‌ای در برخورد روس‌ها با از دست دادن سرزمین‌های تحت‌نفوذشان، گرجستان است. گرجستان در سال ۲۰۰۳ شاهد وقوع انقلابی رنگی با مدیریت غرب شد که «انقلاب گل رز» نام گرفت. دولت غربگرای برآمده از این تحول که به کودتای خیابانی نیز شباهت داشت، فرآیند عضویت در سازمان نظامی ناتو را دنبال کرد. این تحرکات در سال ۲۰۰۸ به حمله روسیه به خاک گرجستان انجامید. روس‌ها در این جنگ کوتاه‌مدت، دو منطقه «اوستیای شمالی» و «آبخازیا» را به‌طور رسمی از خاک این کشور جدا و به‌صورت جمهوری‌های مستقل و کشورهای جدیدی معرفی کردند؛ هرچند این دو منطقه پیش از این نیز به‌شکل خودمختار در قالب کشور گرجستان وجود داشتند.

روس‌ها در اوکراین ابتدا تلاش کردند مسیر متفاوت‌تری را درپیش بگیرند. انقلاب رنگی اوکراین با نام «انقلاب نارنجی» در سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ باعث روی کار آمدن غربگرایان شد اما در انتخابات سال ۲۰۱۰، روسگرایان بار دیگر به قدرت بازگشتند. کودتا علیه دولت ویکتور یانکوویچ، رئیس جمهور وقت اوکراین در سال ۲۰۱۴ اما روس‌ها را در اوکراین نیز به «مدل گرجستان» رساند. مدلی که در آن با مسجل شدن سقوط یک دولت به‌دست نیروهای غربی، روس‌ها بخش‌هایی از آن را برای خود بازیابی می‌کنند. در وهله اول شبه‌جزیره کریمه به‌سرعت در همان سال اشغال و بلافاصله به خاک روسیه ملحق شد. با وجود این، جنگ در منطقه دونباس شامل دو استان لوهانسک و دونتسک به‌سادگی پیش نرفت و تنها یک‌سوم تا نیمی از این دو استان در دستان شبه‌نظامیان روس‌تبار باقی ماند.

روس‌ها با حمله سال ۲۰۲۲ خود به اوکراین موفق شدند ضمن اشغال بخش‌های بیشتری از دونباس، قسمت‌هایی از دو استان دیگر شامل زاپروژیا و خرسون را نیز به چنگ آورند. امروزه روس‌ها استان کریمه را به‌طور کامل و چهار استان دیگر را به‌شکل نسبی در اشغال خود دارند. به‌نظر می‌رسد روس‌ها کج‌دار و مریز موفق شده‌اند «مدل گرجستان» را در سناریویی حداقلی محقق کنند.

سناریوهای ارضی در جنگ ۲۰۲۲

سه سناریو درباره محدوده اشغالی روسیه در پایان جنگ وجود داشت؛ نخستین سناریو محدوده پنج استان شامل کریمه، لوهانسک، دونتسک، زاپروژیا و خرسون را دربر می‌گرفت. این سناریو معادل ۲۲ درصد خاک اوکراین است. نقاط اصلی این سناریو، دستیابی به منطقه دونباس و ایجاد دسترسی زمینی به شبه‌جزیره کریمه است. سناریوی دوم، اشغال کامل نیمه جنوبی اوکراین است. این محدوده با منطقه نووروسیا که سرزمینی تاریخی به‌شمار می‌رود، منطبق است. تاریخ این منطقه به قرن هیجدهم بازمی‌گردد، هنگامی که روس‌ها به جنوب اوکراین نفوذ کردند و آن را از دستان امپراتوری عثمانی و قبایل تاتار متحدش خارج ساختند. روس‌ها در این ناحیه دست به ساخت شهرها و شهرک‌های استعماری زدند. دولت وقت روسیه شهروندانش را به مهاجرت و سکونت در این منطقه دعوت کرد و به این مستعمره جدید نووروسیا یا روسیه جدید گفت. این محدوده علاوه‌بر پنج استان کنونی، چهار استان دیگر شامل خارکف، دنیپروفسک، میکولایف و اودسا را نیز شامل می‌شود. مساحت این ۹ استان برابر با ۴۲ درصد وسعت خاک اوکراین است.

سناریوی سوم که یک سناریوی حداکثری به‌حساب می‌آید، علاوه‌بر نووروسیا، شامل دستیابی به سرزمین موسوم به مالوروسیا در شمال اوکراین نیز می‌شود. مالوروسیا در برخی نقشه‌ها شش استان کروهراد، چرکاسی، چرنیهیو، سومی، پولتاوا و کی‌یف را دربرمی‌گیرد. اهمیت بالای این منطقه به‌دلیل دربرگرفتن کی‌یف به‌عنوان پایتخت اوکراین است. مجموع وسعت این شش استان معادل ۲۶ درصد خاک اوکراین است. باید توجه داشت این سناریوها پلکانی هستند و سناریوی حداکثری شامل هر دو سناریوی قبلی خود است. به‌عبارت دیگر در سناریوی حداکثری روسیه با اشغال دو منطقه‌ای که نام آنها نووروسیا (۴۲ درصد) و مالوروسیا (۲۶ درصد) است، درمجموع ۶۸ درصد یا دوسوم خاک اوکراین را اشغال می‌کند.

تا پیش از این دستیابی روسیه به سناریوی دوم یا میانی که شامل دستیابی به نووروسیا می‌شد، محتمل بود اما به‌نظر می‌رسد روس‌ها با توجه به شدت فشارهای جنگ و فرسایشی شدن آن، قصد دارد در سناریوی نخست متوقف شوند. روسیه در وضعیتی که توجه غرب به‌دلیل وقوع جنگ طوفان الاقصی به‌سمت غرب آسیا معطوف شده، می‌توانست به اوکراین ضعیف و طرد شده بتازد اما ترجیح داد یا نتوانست یک‌متر به جلو برود. گفته می‌شود یک دلیل عمده آن بارش شدید برف در خطوط نبرد بوده اما به‌نظر می‌رسد دلایل دیگری نیز ازجمله فرسودگی شدید ارتش روسیه داشته باشد.

سی‌ان‌ان در یکی از آخرین ارزیابی‌های قابل‌اتکا طی گزارشی در ۱۳ دسامبر افشا کرد ارزیابی اطلاعاتی ارائه‌شده به کنگره نشان می‌دهد روسیه ۸۷ درصد از کل نیروهای زمینی فعال خود را که پیش از جنگ گردآورده بود، از دست داده است. براساس این ارزیابی از ۳۶۰ هزار سربازی که در بخش زمینی حمله حضور داشتند، ۳۱۵ هزار نفر به‌دلیل کشته یا زخمی شدن از میدان نبرد خارج شده‌اند. براساس ارزیابی، ۲۲۰۰ نمونه از ۳۵۰۰ تانک تدارک دیده‌شده برای نبرد نیز از بین رفته‌اند.

«فرهیختگان» پیش از این در گزارشی با عنوان «ناتو با اشغال ۲۲ درصد خاک اوکراین مشکلی ندارد» ضمن بررسی اینکه «۳ سناریوی پیش روی اوکراین چیست؟» آورده بود روسیه درصورتی‌که اوکراین به عضویت ناتو- حداقل در کوتاه‌مدت- در نیاید به این محدوده رضایت خواهد داد، البته در شرایطی که غرب نیز قادر به تداوم نبرد و تعمیق فرسایش روسیه نباشد. به‌نظر می‌رسد اوکراین امروز به سناریوی نخست نزدیک‌تر است.

چه چیز به کمک روسیه آمد؟

طوفان الاقصی یک اقدام لازم توسط مقاومت غزه بود که پیامدهای مثبت ناخواسته‌ای برای روسیه داشت. با وقوع این جنگ توجه جهان از اوکراین به فلسطین اشغالی معطوف شد. به‌دنبال آن، تمرکز دیپلماتیک، نظامی و امنیتی از شرق اروپا به غرب آسیا منتقل شد. اگر این اتفاق رخ نداده بود، روس‌ها در اوکراین همچنان با تهاجمات پی‌درپی زمینی روبه‌رو بودند. نکته حائز اهمیت دیگر پایان بخشیدن به حملات متعدد پهپادی به داخل روسیه است. اگر طوفان الاقصی نبود، چه‌بسا همچنان حملات پیاپی پهپادی علیه خاک اصلی روسیه ادامه می‌یافت. غرب نگران از بهره‌برداری روسیه از فضای ایجادشده درپی طوفان الاقصی که می‌توانست به تقویت توان محور مقاومت برای حمله به پایگاه‌های آمریکا در منطقه منجر شود، سعی کرد با توقف حملات به خاک اصلی روسیه، بیش از این مسکو را تحریک نکند. البته نباید از نظر دور داشت که جنگ اوکراین با تضعیف توجه غرب به رژیم، در کاهش توانایی‌های تل‌آویو موثر بود. اگر جنگ اوکراین نبود، غرب نسبت به حملات یمن در دریای سرخ نگرانی کمتری داشت، تسلیحات و مهمات بیشتری برای کمک به رژیم در اختیار داشت و می‌توانست از همراهی چین و روسیه با خود در قضیه فلسطین بهره بگیرد.

با اشغال یک‌پنجم اوکراین روسیه امپراتوری می‌ماند؟

دولت‌هایی که به‌جای یک ملت بر چندین ملت حکومت می‌کنند، با لفظ تاریخی امپراتوری خطاب می‌شوند. یک هدف عمده روسیه از اشغال خاک اوکراین، تلاش برای حفظ شکل و شمایل امپراتوری است. روس‌ها به‌دنبال پیامدهای جنگ جهانی اول فروپاشیدند اما با به‌کارگیری ایدئولوژی «کمونیسم» مجددا موفق شدند بار دیگر سرزمین‌های پیرامونی‌شان را به خود سنجاق کنند. با برچیده شدن دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ بلوک شرق یا نیمه شرقی اروپا را از دست دادند اما همچنان با وجود شوروی و جمهوری‌هایش یک امپراتوری تلقی می‌شدند. پس از فروپاشی این سازه در سال ۱۹۹۱، روس‌ها همچنان از طریق تسلط نصفه‌ونیمه بر جمهوری‌های استقلال‌یافته حالت امپراتوری کشورشان را حفظ کردند اما پس از قضایای اوکراین و رویگردانی جمهوری‌های استقلال‌یافته‌ای مانند ارمنستان یا قزاقستان از روسیه، دیگر این کشور با وجود قدرتمندی‌اش یک امپراتوری نبود.

گام برداشتن در مسیر ادغام بلاروس و تثبیت نقاط اشغال‌شده در اوکراین تلاش‌هایی برای حفظ امپراتوری روس‌هاست اما به‌نظر نمی‌رسد موفقیت‌آمیز باشد. این تنها روس‌ها نیستند که امپراتوری خود را از دست داده‌اند. فروپاشی ویژگی‌های امپراتوری یکی از روندهایی است که در تکثر قدرت ریشه دارد. در این روند حتی نسبت قدرت و فضای بازیگری مردم دربرابر دولت‌ها، در قیاس با گذشته افزایش می‌یابد، هرچند دولت‌ها همچنان قدرتمندتر خواهند بود. برای روس‌ها پایان امپراتوری اما با سرعت بیشتری رخ داد که عامل آن را می‌تواند غرور دانست. به‌عنوان نمونه مقامات دولت روسیه، وجود ملت و کشور اوکراین را منکر هستند. این درحالی است که ملت و کشور اوکراین در تاریخ و روی نقشه وجود دارند. مسکو پیش از این حتی وجود قزاقستان را نیز تعجب‌برانگیز خوانده بود.

کوبا: اسرائیل «دولت تروریستی» است

رئیس جمهور کوبا با تاکید بر لزوم توقف حملات رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه، رژیم صهیونیستی را یک «دولت تروریستی» خواند که در غزه نسل‌کشی می‌کند. به گزارش ایسنا، میگل دیاز کانل با انتشار پیامی در شبکه اجتماعی ایکس خواستار توقف فوری حملات رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه شد که بیش از دوماه‌ونیم است ادامه دارد و تاکنون منجر به شهادت بیش از ۲۰ هزار فلسطینی بی‌گناه شده است که اغلب آنها را زنان و کودکان تشکیل می‌دهند. رئیس جمهور کوبا در پیام خود اقدامات رژیم صهیونیستی را «تحقیر تمام بشریت» خواند. او نوشت: «نسل‌کشی دولت تروریستی اسرائیل در غزه یک ننگ برای تمام بشریت است. تا کی مصونیت از مجازات وجود خواهد داشت؟ تا کی راهی بدون هزینه برای قتل وجود خواهد داشت؟» وی ادامه داد: «کوبا که هرگز در میان (کشورهای) بی‌تفاوت نخواهد بود، بارها و بارها صدای خود را برای فلسطین بلند می‌کند.»

تاکید چین بر الحاق مجدد تایوان به چین

رئیس جمهور چین در نشستی رسمی تاکید کرد که الحاق مجدد تایوان به این کشور روندی اجتناب‌ناپذیر است و پکن از هر وسیله‌ای استفاده خواهد کرد که مانع جدایی این جزیره خودمختار شود. به گزارش مهر به نقل از راشاتودی، شی جین‌پینگ، رئیس جمهور چین اعلام کرد که پکن برای جلوگیری از جدایی تایوان از «هر وسیله‌ای» استفاده خواهد کرد و همچنین تاکید کرد که الحاق و اتحاد دوباره تایوان به خاک چین اجتناب‌ناپذیر است. به نوشته خبرگزاری شینهوا، این سخنان بخشی از سخنرانی شی در کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در یک نشست به‌مناسبت ۱۳۰ سالگی مائوتسه تونگ بود. وی دراین‌باره گفت: «ما قاطعانه و با هر وسیله‌ای مانع جدایی تایوان از چین خواهیم شد. شی «اتحاد مجدد کامل» چین را «روندی اجتناب‌ناپذیر» توصیف کرد؛ روندی که هم در جهت منافع ملی و هم به‌نفع مردم چین است. وی همچنین خواستار تلاش برای «توسعه صلح‌آمیز» روابط با جزیره و توسعه یکپارچه بیشتر «در همه زمینه‌ها» شد.

میشیگان پشت ترامپ درآمد

دادگاه عالی ایالت میشیگان تلاش برای حذف نام دونالد ترامپ از برگه‌های رأی در این ایالت را رد کرد. به گزارش فارس، وبگاه شبکه خبری سی‌ان‌ان این حکم دادگاه را به مثابه پیروزی برای ترامپ تفسیر کرده، اگرچه ممکن است که تلاش‌ها برای حذف او از انتخابات عمومی قوت بگیرد. حکم میشیگان در تقابل با حکم دیوان عالی ایالت کلرادو است که چهارشنبه گذشته رأی به حذف شدن نام «دونالد ترامپ» از لیست نامزدهای رقابت‌کننده در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا داده بود. دونالد ترامپ البته حکم دادگاه کلرادو را به دیوان عالی ایالات متحده ارجاع داده و منتظر رأی این دادگاه بلندپایه درخصوص ردصلاحیت در کلرادو است. بر خلاف کلرادو، شکایت از ترامپ در میشیگان هرگز به مرحله برگزاری دادگاه نرسید و در مراحل اولیه رد شد. «دادگاه دعاوی میشیگان» اعلام کرد که قوانین این ایالت به مقام‌های انتخاباتی اجازه نظارت بر صلاحیت نامزدهای انتخاباتی در مرحله مقدماتی انتخابات ریاست جمهوری را نمی‌دهند.

تسلیحات آمریکا؛ کوره‌های آدم‌سوزی عصر جدید

انبارهای آدم‌کشی

فاطمه بریمانی
خبرنگار گروه جهان‌شهر

طوفان الاقصی درحال پرده‌برداری از عمیق‌ترین انبارهای تسلیحاتی آمریکا در فلسطین اشغالی است. اگر مقامات آلمان نازی مخالفان خود را به کوره‌های آدم‌سوزی می‌فرستادند یا شوروی اردوگاه‌های کار اجباری در سیبری داشت، آمریکایی‌ها با ساخت انبارهای تسلیحاتی در دهه ۱۹۸۰ در فلسطین اشغالی، پایه‌های جنایت جدیدی را شکل دادند. براساس گزارشی که اخیرا گاردین منتشر کرده است، ارتش رژیم صهیونیستی درحال استفاده از انبارهای تسلیحاتی آمریکا برای کشتار مردم غزه است.

این انبارها وظیفه تامین سلاح برای هرگونه درگیری در خاورمیانه که منافع آمریکا در آنها دخیل باشد را برعهده داشته‌اند. چندین مقام سابق آمریکایی در مصاحبه‌ای که با گاردین داشته‌اند، توضیح داده‌اند که این انبارها تا چه میزان می‌توانند بر سرعت انتقال تسلیحات ایالات متحده به رژیم بیفزایند. یکی از این مقامات ادعا کرده که این تسلیحات «برای ایالات متحده» و برای «استفاده ایالات متحده از آن» است، اما «در صورت اضطرار، چه کسی می‌تواند بگوید که ما کلید انبارها را به دیگران نمی‌دهیم؟»

چاش پل، که اخیرا در اعتراض به کمک‌های مرگبار واشنگتن به رژیم صهیونیستی از وزارت امور خارجه استعفا داد، از «تغییرات پیشنهادی دولت بایدن برای تامین انبار تسلیحات در اسرائیل» خبر داده است. اما این انبارهایی که به منظور تامین تسلیحات کشورها برای درگیری‌های خاورمیانه‌ای تدارک دیده شده‌اند، چه محتویاتی را در خود جای داده‌اند؟ تا به امروز اطلاعات دقیقی از این انبارها که معروف به «انبارهای ذخیره جنگ برای متحدین» هستند، منتشر نشده است. به گزارش اکسیوس، شفافیتی در مورد دسته‌ها و مقادیر تسلیحاتی که ایالات متحده به اسرائیل منتقل کرده در دست نیست. البته باید توجه داشت که این انبارها تنها برای استفاده اسرائیل نبوده و ایالات متحده از آن برای انتقال تسلیحات برای سایر درگیری‌ها نیز بهره گرفته است. در اوایل سال جاری، یکی از فرماندهان سابق ارتش ایالات متحده، در مقاله‌ای که در سایت موسسه یهودی برای امنیت ملی آمریکا منتشر شد، از «ذخایر مهمات به اصطلاح گنگ، یعنی آن مهماتی که سیستم‌های هدایت پیشرفته‌ای ندارند» و همچنین «هزاران بمبی که از هواپیماها رها می‌شوند» در انبارهای ایالات متحده در اسرائیل خبر داد. این افسر بازنشسته اخباری از انتقال «۳۰۰ هزار گلوله توپ ۱۵۵ میلی‌متری آمریکایی» از انبار تسلیحاتی اسرائیل به اوکراین منتشر کرد. البته در این اخبار هم ادعا شده که مقامات نیروهای دفاعی اسرائیل در حالی که در مورد جابه‌جایی مهمات خیلی مشتاق نبودند، گفتند که این گلوله‌ها متعلق به ایالات متحده بوده و نحوه استفاده از آنها مربوط به «تجارت آمریکایی» است. شاید برای بسیاری از آمریکایی‌ها تعجب‌آور باشد که ایالات متحده مقدار قابل‌توجهی از مواد و تجهیزات جنگی را در اسرائیل مستقر کرده است. این انبار که رسما به عنوان مهمات ذخیره‌سازی جنگ شناخته می‌شود، در اسرائیل به دستور کنگره برای اطمینان نقاط نظامی کیفی اسرائیل در برابر حمله زمینی گسترده اعراب و یا شاید ایران در نظر گرفته شده است. به گفته یکی از مقامات ارتش رژیم صهیونیستی، هزینه این تسلیحات به ارزش «بیش از یک میلیارد دلار توسط ایالات متحده» پرداخت می‌شود، اما ارتش اسرائیل «مسئول نگهداری آنها» و «پرداخت تسهیلات و هزینه نگهداری» است. این ترتیبی است که به نفع هر دو دولت خواهد بود.

رژیم صهیونیستی حداقل دو بار در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۱۴ در جریان درگیری‌های لبنان و غزه، از این انبارها (با پرداخت هزینه و برداشتن سلاح‌ها) استفاده کرده است. انبار فعلی مملو از مهمات به اصطلاح گنگ است (آنهایی که سیستم‌های هدایت پیچیده ندارند)، مانند گلوله‌های ۱۵۵ میلی‌متری و هزاران «بمب آهنی» که به سادگی از هواپیما پرتاب می‌شوند تا گرانش بتواند کار خود را انجام دهد. به عبارت دیگر، این یک وضعیت برد-برد است؛ اوکراینی‌ها برای جنگ بی‌رحمانه‌ای که مشغول آن هستند، مهمات بسیار موردنیاز اما غیرپیچیده را دریافت می‌کنند. ایالات متحده قدرت جنگی واقعی را در اختیار کی‌یف قرار می‌دهد و اسرائیلی‌ها فرصتی دارند تا انبارها را به شیوه‌ای که مناسب‌تر با مقتضیات جنگ قرن بیست و یکم باشد، بازسازی کنند. مقامات آمریکایی از انبارهای جدید و بازسازی آن اطلاعاتی می‌دهند که در آن «مهمات هدایت‌شونده دقیق برای حمله هوایی» به منظور کمک به اسرائیل برای «به حداقل رساندن مرگ غیرنظامیان و سایر خسارات جانبی» قرار خواهد داشت. از دیگر مهمات موجود در انبار موشک‌های کروز در نسخه دریایی و زمینی است. موشک‌های زمین به هوا، ذخایر تسلیحاتی دریایی، تعمیر قطعات برای سیستم‌های نظارتی و فرماندهی و کنترل پیشرفته که شامل رادیوهای منفرد و رادارهای سراسر سیستم می‌شود از دیگر تسلیحاتی است که در این انبارها موجود خواهد شد.

یکی از فرماندهان سابق عالی ارتش آمریکا در بلومبرگ اطلاعاتی از انبار در حال نوسازی این کشور در اسرائیل ارائه داده و اشاره کرده است که این نوسازی باید با توجه به «مشارکت بالقوه شرکای عرب» که قادر به مشارکت در کنار نیروهای آمریکایی و اسرائیلی هستند، انجام شود. او پیشنهاد کرده برخی از هزینه‌های ذخیره‌سازی حتی می‌تواند توسط کشورهای عربی «در ازای دسترسی تضمین‌شده به این انبارها، درصورت درگیری بزرگ با ایران» انجام شود. آماده شدن هوشمندانه برای جنگ راه خوبی برای جلوگیری از نیاز به جنگ واقعی است. این افسر نظامی مدعی شده است پر کردن ذخایر جنگی در اسرائیل راهی برای «جلوگیری از تهدیدات ایران» است.

فرهیختگان ورزشی

شماره مسلسل ۴۷۸۱
پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
۱۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۵
۲۸ دسامبر ۲۰۲۳
شماره ۴۰۴۳

| Thu | 28 Dec 2023 | vol.15 |
No. 4043 | 16 Pages

عکس: علی احمدوند

مدیرعامل آلومینیوم اراک:
برخی باشگاه‌ها آنقدر وصل هستند که هیچ چیز جلودارشان نیست

استیناف راه خلاف را برای باشگاه‌های پولدار باز کرد

اکبر احدی: بوکس ایران به مربی خارجی نیاز داشت

سهمیه المپیک سخت است اما دور از دسترس نیست

اعتراض پرسپولیس به رفتار دوگانه فدراسیون و سازمان لیگ

پشت‌پرده صدور مجوز برای ۶ بازیکن سپاهان چه بود؟

آیا نهادهای نظارتی تاج را بابت تبعات نابودی قانون سقف قراردادها و افزایش چشمگیر قیمت بازیکنان بازخواست خواهند کرد؟

دلال‌ها روی سقف برج می‌سازند

تمام نیازهای نکونام برای نیم‌فصل استقلال

۴ بازیکن برای ۴ پست

درخواست گل‌محمدی از باشگاه برای روشن شدن وضعیت سرلک

ملوانی‌ها دست‌بردار عمری نیستند

اولویت آبی‌ها تقویت در فاز تهاجمی است

اورونوف جدیدترین ازبک استقلالی؟

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

درخواست گل‌محمدی از باشگاه پرسپولیس برای روشن شدن وضعیت سرلک

ملوانی‌ها دست‌بردار عمری نیستند

حمیدرضا اسکندری
خبرنگار گروه ورزش

پرسپولیس بعد از برد با ارزشی که مقابل شمس آذر قزوین کسب کرد به خاطر نزدیکی بازی با نساجی تمرینات تیمش را در روزهای اخیر خیلی سبک و نشاط‌آور برگزار کرد و این روند تا بازی آخر این تیم در نیم فصل اول که مقابل مس رفسنجان خواهد بود، ادامه پیدا خواهد کرد. شاگردان یحیی گل‌محمدی عصر روز گذشته آخرین تمرین خود را برگزار کردند و بعد از آن راهی هتل المپیک شده و قرار شد جلسه آنالیز هم در همین مکان برگزار شود.

بازگشت سرلک به تمرینات

میلاد سرلک که به علت سرماخوردگی در روزهای گذشته نتوانسته بود در تمرینات شرکت کند از روز گذشته در کنار سرخپوشان استارت زد. او مشکلی برای همراهی پرسپولیس در بازی امروز ندارد، اما اینکه یحیی گل‌محمدی بخواهد از این بازیکن تازه بهبود پیدا کرده‌اش بهره ببرد، مشخص نیست.

چرا نبیل به شهاب ترجیح داده می‌شود؟

یحیی در بازی‌های اخیر تیمش تغییراتی را در ترکیب دفاعی و حمله ایجاد کرد و این تغییرات در بازی با نساجی بهتر جواب داد. در خط دفاع فرشاد فرجی جانشین کنعانی‌زادگان شد و توانست یکی از بهترین بازی‌هایش را در مدت حضورش در پرسپولیس ارائه دهد. در خط حمله نیز این بار یحیی از زوج عالیشاه و نبیل باهویی بهره برد. اگرچه هیچ یک از دو بازیکن موفق به گلزنی نشدند و نبیل هم چند موقعیت را از دست داد، اما بعید است یحیی بخواهد باز هم این نفرات را روی نیمکت بنشاند. یحیی در بازی‌هایی که تیم حریف به دفاع بسته و فشرده روی نمی‌آورد نبیل را به زاهدی ترجیح می‌دهد از این جهت که اعتقاد دارد این بازیکن باهوش‌تر است و بهتر خودش را در موقعیت گل قرار می‌دهد، اما در بازی‌های سنگین شهاب را بازی می‌دهد که دونده‌تر و جنگنده‌تر است. اگرچه سرمربی پرسپولیس همچنان نیاز اول تیمش را در خط حمله و جذب یک مهاجم گلزن می‌داند.

آزمون سخت برای احمدی

پرسپولیس برای بازی امروز علی نعمتی را به خاطر محرومیت در اختیار ندارد و بهترین فرصت برای محمدمهدی احمدی است تا خودش را در پست دفاع چپ نشان دهد. او در بازی با الدحیل اولین بازی‌اش را برای پرسپولیس در این فصل انجام داد اما در آن مسابقه جو ورزشگاه به شکلی بود که این بازیکن جوان نتوانست تاثیرگذار ظاهر شود، ولی در بازی با شمس آذر قزوین او نمایش خوبی ارائه داد تا یحیی را مجاب کند که در بازی امروز جانشین نعمتی شود؛ هرچند با توجه به بازگشت کنعانی به تمرینات ممکن است یحیی تصمیم بگیرد امروز تیمش با سه دفاع به میدان برود یا حتی فرجی جای نعمتی را در جناح چپ بگیرد.

ملوانی‌ها دست‌بردار عمری نیستند

روز گذشته خبری داشتیم مبنی بر اینکه احتمال دارد محمد عمری در نیم فصل برای پشت سر گذاشتن دوران خدمت مقدس سربازی راهی ملوان شود.

این خبر جدا از اینکه تعجب هواداران پرسپولیس را به همراه داشت، با غافلگیری مربیان پرسپولیس هم همراه شد. در همین راستا آنها عمری را فراخوانده و ماجرا را از او جویا شدند. این بازیکن هم اعتراف کرد که ملوانی‌ها دست‌بردارش نیستند و شدیدا دنبال این هستند که در نیم فصل او را به خدمت بگیرند. عمری حتی به مربیان تیمش گفته که اگر آقایحیی اجازه دهد نیم فصل برای خدمت سربازی‌اش راهی ملوان می‌شود، اما سرمربی پرسپولیس و دستیارانش شدیدا مخالف این انتقال هستند. در این مورد حتی شنیده‌ایم که ملوان دستمزد قابل توجهی هم به عمری بابت این انتقال پیشنهاد داده‌اند.

کاپیتان‌های پرسپولیس به‌زودی پولدار می‌شوند

باشگاه پرسپولیس قبل از دربی نتوانست به تمامی بازیکنانش پرداختی داشته باشد و در این میان نفراتی چون علیرضا بیرانوند، امید عالیشاه، وحید امیری، مهدی ترابی و سروش رفیعی حاضر شدند به باشگاه برای پرداخت ۱۰ درصد از قراردادشان مهلت دهند. در آن مقطع درویش قول دو هفته‌ای را به کاپیتان‌های تیمش داد که زمان آن فرا رسیده است. در همین راستا قرار شده تا قبل از بازی پرسپولیس و مس رفسنجان درویش طلب این دسته از بازیکنان تیمش را پرداخت کند.

استارت یحیی برای نیم فصل با مدافع آلومینیوم

گل‌محمدی به اتفاق دستیاران ایرانی، در کنار اینکه به بازی‌های پیش روی تیم‌شان فکر می‌کنند، سخت به دنبال پیدا کردن بازیکن مناسب برای تقویت تیم هستند. در این بین چند بازیکن لیگ برتری در لیست یحیی هستند و قرار شده نام آنها بعد از بازی با مس رفسنجان به حسین بادامکی داده شود تا باشگاه پرسپولیس برای جذب‌شان اقدام کند. در این میان با خبر شدیم یکی از بازیکنانی که یحیی او را زیر نظر داشته یونس اکبرپور، مدافع چپ جوان آلومینیوم اراک است. با توجه به رابطه خیلی خوب یحیی با مجتبی حسینی بعید نیست که این انتقال در نیم فصل انجام شود؛ هرچند گفته می‌شود اکبرپور از آن دسته از بازیکنانی است که در پایان این فصل مجبور خواهد شد به خدمت مقدس سربازی برود.

درخواست یحیی از باشگاه

با توجه به اینکه سازمان نظام وظیفه به فدراسیون فوتبال نامه زده که مجوز صادر شده برای بازیکنان سرباز ملی‌پوش شاغل در لیگ فقط تا پایان سال اعتبار دارد و قابل تمدید نخواهد بود، میلاد سرلک تا اسفندماه اجازه همراهی پرسپولیس را خواهد داشت. در همین راستا نیز گل‌محمدی از باشگاه پرسپولیس خواسته هر چه زودتر تکلیف نهایی این بازیکن را مشخص کنند و او را در جریان قرار دهند که باید به فکر پیدا کردن جانشین برای او باشد یا نه. از این رو باشگاه پرسپولیس از سازمان لیگ استعلام گرفته و مطلع شده که فدراسیون به دنبال این است تا این مجوزها حداقل تا پایان این فصل تمدید شود. البته اگر سرلک در لیست نهایی تیم ملی برای جام ملت‌ها نباشد آن وقت به‌طور قطع در پایان امسال باید راهی خدمت سربازی شود. به این ترتیب اگر سرلک در لیست تیم ملی قرار نگیرد احتمال اینکه او در نیم فصل راهی ملوان شود، خیلی زیاد است.

محمد رجائیان، مدیرعامل آلومینیوم اراک در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: برخی باشگاه‌ها آنقدر وصل هستند که هیچ چیز جلودارشان نیست

استیناف راه خلاف را برای باشگاه‌های پولدار باز کرد

این حکم روی زحمات این چند ماه ماله کشید

چه قانون وضع کنند چه نکنند ما محکوم به صرفه‌جویی هستیم

نیلوفر مژدهی
خبرنگار

تیم آلومینیوم به واسطه شکستی که به تیم سپاهان تحمیل کرد بار دیگر بر سر زبان‌ها افتاد. این تیم ثابت کرد حضور اخیرش در جمع مدعیان و قرار گرفتن در بالای جدول اصلا اتفاقی نبود. شاید اگر اشتباهات داوری به ضرر این تیم نبود چه‌بسا همچنان در جمع سه تیم بالای جدول قرار داشت و در حال رقابت برای قهرمانی نیم فصل را به پایان می‌رساند. به همین بهانه در آستانه نیم فصل به سراغ محمد رجائیان، مدیرعامل باشگاه آلومینیوم رفتیم تا در مورد شرایط این تیم بیشتر برایمان توضیح دهد. گفت‌وگوی وی با روزنامه «فرهیختگان» را بخوانید.

با وجود عملکرد خوبی که تیم‌تان دارد اما در بالای جدول چندان دوام نیاوردید.

من ناراحت این هستم که اگر آن امتیازات بازی‌های قبلی که به خاطر اشتباهات داوری از کف تیم ما رفت را می‌گرفتیم حالا آلومینیوم اول یا دوم بود. البته همین حالا هم بسیار خوب کار کرده‌ایم اما این نتایج، نباید باعث شود تا دچار غرور شویم. از مردم اراک، مسئولان استان، عوامل باشگاه و به خصوص سرمربی و بازیکنان می‌خواهم که این عملکرد مثبت باعث نشود تا دست از تلاش و کوشش بردارند. این تیم همچنان نیاز به تلاش و حمایت دارد. می‌دانم برخی از همین حالا کارشکنی در تیم ما را آغاز می‌کنند. از این رو صمیمیت و رفاقتی که به وجود آمده را باید حفظ کنیم و از تلاش و کوشش برای ادامه روند خوب تیم‌مان دست برنداریم.

اینطور شایعه شده که داوری بازی با سپاهان، به نوعی جبران اشتباهات گذشته داوران در خصوص تیم شماست. این موضوع را قبول دارید؟

بازی خوب بازیکنان ما در مقابل سپاهان دلیل خوب بودن ما بود. در طول بازی کدام سوت به نفع تیم ما زده شد که بخواهد به نوعی دلجویی از تیم ما باشد. ما زمانی گل زدیم که سپاهان همه بازیکنانش را در زمین در اختیار داشت. نظرات کارشناسی بعد از بازی هم که نشان می‌دهد حتی در بعضی صحنه‌ها به ضرر ما سوت زده شد. به نظر من با وجود همه احترامی که برای سپاهان و هوادارانش قائلم تیم مجتبی حسینی با شناخت کامل سپاهان برتری و توانایی خود را به خوبی نشان داد. حسینی ثابت کرد که مربیان وطنی خوبی داریم که از ابتدا تا انتهای بازی برنامه دارند؛ آنها در هفته‌های اخیر همه بازی‌ها را پرگل بردند از این رو نباید کار خوب بازیکنان و شناخت خوب مربیان از سپاهان را به اشتباهات داوری ربط دهیم. ضمن اینکه معتقدم اشتباهی در این بازی صورت نگرفت یا حداقل اشتباهات به نفع ما نبود.

با این حال شادی پس از گل بازیکن شما بسیار عجیب بود و شبهات بسیاری به وجود آورد.

با توجه به اینکه مدل باشگاه آلومینیوم معمولا چنین رفتارهایی را نمی‌پذیرد، من پس از بازی و در رختکن به بازیکنان تذکر دادم، به شکلی که او متوجه شد چنین رفتارهایی از سوی باشگاه ما شدیدا رد می‌شود. ما برای باشگاه سپاهان احترام زیادی قائلیم. بزرگ بودن و حرفه‌ای بودن این باشگاه برای همه اهالی فوتبال روشن است از این رو در تلاشیم تا مدل باشگاهداری ما نیز در سمت و سویی که سپاهان حرکت می‌کند قرار گیرد. در نتیجه هیچ مشکلی با باشگاه سپاهان نداریم و خودمان هم رفتار بازیکن گلزن را قبول نداشتیم. نمی‌دانم چه اتفاقی باعث شد تا در یک رفتار هیجانی، چنین واکنشی بعد از گل از خود نشان دهد. او هافبک گلزنی است. شاید به این دلیل که برخلاف فصول گذشته این فصل موفق به گلزنی نبود، هیجان‌زده شد و یک واکنش احساسی از خود بروز داد.

شکست سپاهان مقابل آلومینیوم برایشان خوش‌یمن بود و چهار امتیاز به آنها برگردانده شد.

در ابتدای فصل هیچ باشگاهی درخواست قانون مشخصی برای قرار دادن محدودیت نداده بود. عزیزان در سازمان لیگ خود برنامه مدونی تهیه کردند. این برنامه برای کارکرد باشگاه‌ها محدودیت ایجاد می‌کرد و طبیعی است که محدودیت در برخی قراردادها از جمله بازیکنان و مربیان برای برخی خوشایند نبود. از طرفی برخی باشگاه‌هایی هم که دوست داشتند بریز و بپاش کنند از این حیث محدود شدند. نمی‌دانم سهامداران این باشگاه‌ها چگونه اجازه می‌دهند آنها تا این حد هزینه کنند. من فکر می‌کنم حداقل فایده‌ای که این قانون می‌توانست داشته باشد، برابرسازی شرایط مالی باشگاه‌ها بود و در واقع رقابت تا حدودی برابر می‌شد. البته نه به شکل صد درصد اما حداقل محدودیت‌های ایجادشده به باشگاه‌های ضعیف‌تر کمک می‌کرد تا توان رقابت با دیگران را داشته باشند. من به عنوان مدیرعامل آلومینیوم بهترین مدافع، بهترین دروازه‌بان، بهترین هافبک و بهترین مهاجم را می‌شناسم اما مهم این است که آیا با بودجه‌ای که دارم می‌توانم این نفرات را جذب کنم؟ طبیعی است که نمی‌توانم و در انتهای فصل هم کسی به این موضوع توجه نمی‌کند، بلکه به ما می‌گویند چرا فلان تیم اول شد و شما نشدید و این مقایسه صورت‌گرفته بسیار دردآور است.

با توجه به تصمیمات کمیته استیناف، آیا شما در نیم فصل همچنان قوانین سقف قرارداد را رعایت می‌کنید؟

چند باشگاه هستیم که چه کارگروه نظارت بر قوانین، قانون وضع کند و چه نکند ما محکوم به صرفه‌جویی هستیم. باید قراردادهای منظم و باقاعده ببندیم. دوست و آشنایی هم نداریم که به ما پول هبه کنند. با این حال می‌خواهم بگویم کارگروه نظارت قاعده اشتباهی را پیش برده بود و آن اینکه اگر باشگاهی بر علیه باشگاه دیگر مستنداتی دارد باید ارائه داده و مستقیما از آن باشگاه شکایت کند. به این ترتیب فرآیندی رخ داد که در انتها نه تنها هیچ نتیجه‌گیری‌ای نشد بلکه بازیکنان و مربیان، مدیران و حتی هواداران باشگاه‌ها را به جان هم انداخت در واقع اگر قانونی وضع شده است مجریان قانون باید به آن رسیدگی کنند نه اینکه من نوعی از باشگاه دیگر شکایت کنم و سپس آنها بر اساس شکایت من رسیدگی کنند. قرارداد و سقف قرارداد همه بازیکنان در سازمان لیگ وجود دارد و دیگر نیازی نیست که من مستند ارائه دهم.

پس شما به دنبال آن بودید تا دیگر باشگاه‌ها را هم‌تراز خود کنید؟

ما مایل به همسان‌سازی بودیم. ایراداتی به این قوانین وارد بود. این کارگروه با تغییر قوانین و ایجاد محدودیت قصد داشت باشگاه‌ها را به هم نزدیک کند. البته برخی باشگاه‌ها آنقدر به این طرف و آن طرف وصل هستند که هیچ چیز جلودارشان نیست؛ حالا اگر این قانون را هم منفجر کنند سنگ روی سنگ بند نخواهد شد.

شما که از موافقان این قانون بودید به نظرتان عدالت رعایت شده است؟

با تصمیم کمیته استیناف راه خلاف برای باشگاه‌های پولدار باز شد. آنها برای اینکه قهرمان شوند و نتیجه بگیرند حاضرند پول اضافه پرداخت کرده و جریمه دهند اما از ظرفیت موجود استفاده کنند. البته برای باشگاه ما چندان فرقی نمی‌کند؛ چراکه ما همیشه به دنبال بازیکنانی هستیم که دل‌شان با تیم باشد. همانطور که برای حفظ بازیکنانی که دلشان با تیم نبود تلاشی نکردیم و راه را برایشان باز گذاشتیم. برای جذب نفرات جدید نیز، تلاش در جهت تحقق اهداف باشگاه آلومینیوم در اولویت است، چراکه شاکله باشگاه را بر اساس توانمندی مالی بستیم. به همین دلیل است که هیچ بریز و بپاشی نداریم.

به نظر شما این همه تناقض در رای کمیته انضباطی و کمیته استیناف چه دلیلی می‌تواند داشته باشد؟

می‌خواهم بدانم دوستانی که در این کارگروه بودند و از بین دستگاه‌های نظارتی نیز در بین‌شان هستند چطور می‌توانند بپذیرند بعد از چندین هفته، رای به این شکل تغییر کند. اعضای سازمان لیگ و دوستانی که هر روز آنجا قراردادها را ثبت می‌کردند، زحمات‌شان به باد رفت. فونت قراردادها بسیار ریز و فشرده است اما آنها تک‌تک قراردادها را بررسی کرده، ایرادها را به نماینده باشگاه اعلام می‌کردند و نماینده با مراجعه مجدد به باشگاه و برطرف کردن ایرادات دوباره برای ثبت قرارداد به محل سازمان لیگ می‌رفت. حرف من این است که عملکرد و تلاش افرادی که در سازمان لیگ حضور داشتند و افرادی که این قانون را وضع کردند، نهادهای نظارتی‌ای که عضو این کارگروه بودند با این مدل رفتار زیر سوال می‌روند. درست است که کمیته انضباطی و کمیته استیناف باید مستقل باشد اما در راستای منافع فوتبال کشور. افزایش رقم بازیکن و مربی بدون هیچ استاندارد و با قیمت‌های سرسام‌آور بسیار عجیب است.

با سقف بودجه‌ای که آقایان در نظر گرفته بودند امکان رقابت در لیگ قهرمانان عملا برای هیچ یک از نمایندگان ما وجود نداشت. طبیعی است که برخی درصدد دور زدن قانون برای تقویت تیم خود برآیند.

من از ابتدا هم گفتم باشگاه‌هایی داریم که باید با الاتحاد و النصر و اینجور باشگاه‌ها رقابت کنند، باید برای این تیم‌ها برنامه‌ریزی جدایی داشته باشند. به نظر من بودن این قانون بهتر از نبودن آن بود اما کمیته استیناف بزرگواری کرد و ماله قشنگی روی این زحماتی که طی این پنج شش ماه کشیده شده بود، کشید.

صحبت‌های شما با هم تناقض دارد. چطور می‌توان هم قانون سقف قرارداد را رعایت کرد و هم هوای تیم‌هایی که در لیگ قهرمانان با غول‌های آسیا رقابت می‌کنند را داشت؟

این هم راهکار دارد، می‌توانند بازیکنانی مختص جام باشگاه‌های آسیا در نظر بگیرند تا در این رقابت‌ها به تیم باشگاهی کمک کنند!

این راهکار نمی‌تواند کارساز باشد؛ چراکه بازیکنی که در لیگ داخلی بازی نکند و عملا از مسابقه دور باشد در لیگ قهرمانان هم نمی‌تواند کارساز باشد.

این هم درست است اما خوب باید راهکاری برای کمک به تیم‌هایی که با باشگاه‌هایی که امثال رونالدو را در اختیار دارند، بازی می‌کنند ارائه داد. آنها نیاز به حمایت دارند؛ هر چند لیگ عربستان ابتدا زیرساخت‌ها را درست کرده و سپس در ادامه به امثال رونالدو رسید، اما ما می‌خواهیم به شکل ضربتی خود را آماده رقابت با آنها کنیم. طبیعی است که در چنین شرایطی حداقل در سال‌های اول محکوم به شکست هستیم. حرف من این است که می‌خواهم بگویم ما هم می‌دانیم که برخی باشگاه‌ها نیاز به تقویت بیشتری دارند. در کل معتقدم بودن این قانون درست بود؛ چراکه باشگاه‌ها را از نظر رقابت به هم نزدیک می‌کرد و نمی‌دانم چرا آن را لغو کردند. به هر حال قانون در اولین سالش طبیعتا با خطاهایی روبه‌رو است اما همچنان معتقدم بودن این قانون لیگ را عادلانه‌تر می‌کرد.

شاید چون شما از طرف سهامداران با محدودیت‌های مالی روبه‌رو هستید با این قانون موافقید، چون می‌دانید اگر این قانون نباشد باز هم نمی‌توانیم بیش از سقف مقرر خرج کنید؟

اتفاقا ما از اینکه سقف مشخصی از سوی سهامداران داریم، ناراحت نیستیم؛ چراکه دریافتی و پرداختی باشگاه به اعضا طبق توافق صورت می‌گیرد. سهامداران ما محاسبه کردند و به این نتیجه رسیدند که اگر تعطیلات مکرر لیگ نبود ما حالا باید در نیم فصل باشیم. از این رو قبل از بازی با سپاهان پروژه پرداخت نیم فصل بازیکنان کلید خورد. سهامداران عمده و سایر سهامداران و مدیران و هیات‌مدیره آنقدر نسبت به تعهدات مالی منظم هستند که بازیکنان قبل از بازی با سپاهان می‌دانستند بر اساس قوانین باشگاه آلومینیوم، در اولین فرصت مبلغ نیم فصل به حساب‌شان واریز می‌شود.

اینطور شنیدیم که به فکر درآمدزایی هستید و باشگاه پرسپولیس برای جذب یکی دو بازیکن از تیم شما مذاکراتی داشته است؟

مذاکره‌ای با باشگاه پرسپولیس نداشتیم و هیچ مکاتبه‌ای صورت نگرفته است. اصلا چیزی در مورد این موضوع نشنیدم بعید می‌دانم صحت داشته باشد.

قوانین جدید در خصوص بازیکنان سرباز می‌تواند به باشگاه‌ها لطمه بزند. به نظر شما اجرای چنین پروژه‌ای آن هم از اواسط فصل راهکار درستی است؟

این قانون را باید از ابتدای فصل و زمانی که هنوز قرارداد نبستیم به ما اعلام می‌کردند، اگر قرار است بازیکن نیم فصل برای ما بازی کند کارکردش برای ما فرق می‌کند و طبیعی است که مبلغ قرارداد او هم تغییر خواهد کرد. از طرفی ممکن است یک مربی بازیکنی را بخواهد که مدتی روی او کار کند و سپس مورد استفاده قرار دهد، اگر این بازیکن در میانه راه سرباز شود دیگر حضورش برای ما چه فایده‌ای دارد. به نظر من باید نیم فصل را رها کنند و برای فصل آینده آن را لحاظ کنیم، اما اگر قرار است قانون اعمال شود لطفا برای همه اعمال شود. از این کارهای عجیب که فلان بازیکن به تیم ملی دعوت شده و هزار بهانه دیگر برای یک سری بازیکن و باشگاه خاص درنیاورند. اگر قرار است قانونی اعمال شود لطفا برای همه اعمال شود.

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

آیا نهادهای نظارتی تاج را بابت تبعات نابودی قانون سقف قراردادها و افزایش چشمگیر قیمت بازیکنان بازخواست خواهند کرد؟

دلال‌ها روی سقف برج می‌سازند

محمدرضا حاجی‌عبدالرزاق
خبرنگار گروه ورزش

درست ۱۱ سال بعد از اینکه در دوران علی کفاشیان، رئیس سابق فدراسیون فوتبال در فوتبال ایران سقف قرارداد تعیین شد و این امر بیشتر از یک فصل دوام نیاورد، این بار در زمان ریاست مهدی تاج بر فدراسیون فوتبال این قانون به شکل دیگری و با بسط آن به هزینه‌های کل تیم با اسم سقف بودجه مصوب و عملیاتی شد. این در حالی است که با اتفاقاتی که در روزهای اخیر رخ داده و با شکسته شدن رای کمیته انضباطی، حالا ضمانت اجرایی قانون جدید حتی به یک فصل هم نرسیده و در همان نیم‌فصل کارایی و التزام خود را از دست داد.

نکته قابل توجه در این بین به صحبت‌های رئیس سابق فدراسیون فوتبال مربوط می‌شود. گویی این ماجرا دوباره بعد از ۱۱ سال تنها با تغییر مدیران و بازیگرانی که در این اتفاق نقش ایفا کرده بودند در برهه زمانی فعلی تکرار شده است. جایی که کفاشیان بعد از این سال‌ها در گفت‌وگویی اذعان می‌دارد: «در همان زمان هم که مدیران باشگاه‌ها برای عقد قرارداد وارد مذاکره می‌شدند، چون به هم اعتماد نداشتند و ضابطه‌ای هم برای اجرایی شدن قانون وجود نداشت و می‌دانستند که می‌توانند از زیر این قانون فرار کنند، یا زیرمیزی می‌دادند و یا قول‌های دیگری به بازیکن می‌دادند و درنهایت هم یک قرارداد صوری می‌بستند.» اتفاقی که در فصل جاری نیز به وضوح درحال رخ دادن است و اگرچه هنوز مستنداتی در خصوص این تخلفات به صورت شفاف منتشر نشده اما پیگیری حواشی فوتبال ایران نشان می‌دهد بعد از ۱۱ سال همچنان با ایجاد قانون سقف بودجه و با تخلفاتی که صورت گرفته است، در به روی همان پاشنه می‌چرخد!

جالب اینکه علی کفاشیان از تایید باشگاه‌ها در این خصوص اظهاراتی را مطرح کرده و عنوان داشته: «با تصمیم همه باشگاه‌ها این قانون گذاشته شد و همه به‌به و چه‌چه کردند اما هیچ‌کدام آن را رعایت و اجرا نکردند. پس وقتی که قانونی اجرا نمی‌شود، شکل بدی پیدا می‌کند.» که در همین پیش فصل جاری نیز دقیقا همین امر رخ داده و این بار هم با تایید و تشویق بسیاری از باشگاه‌ها این امر رقم خورده و این قانون بدون اینکه فکری به حال عواقب آن شود و حتی ضمانت اجرایی داشته باشد به تصویب رسید.

اما حالا و با شکسته شدن رای کمیته انضباطی (به غلط یا درست) ضمانت اجرایی هر قانون دیگری در فدراسیون فوتبال تا حدودی خدشه‌دار شده و از بین رفته تا بار دیگر روسیاهی به زغال بماند. حال اینکه اتفاق اخیر چه تبعاتی می‌تواند داشته باشد برخی از آثار آن مثل جنگ و جدال بی‌فایده‌ای که بین باشگاه‌ها ایجاد شده، فوری و به عینه قابل مشاهده خواهد بود اما برخی دیگر در دراز مدت باعث می‌شود تا نقش اجرای قوانین در رشته پرطرفداری مانند فوتبال رنگ باخته و تازه از اینجا مشکلات فوتبال ایران آغاز خواهد شد.

فوتبال ایران دوباره بهشت دلالان می‌شود

سال‌های سال است که تلاش می‌شود در فوتبال ایران جلوی پدیده دلالیسم گرفته شود. این در صورتی است که هرچقدر در این زمینه تلاش می‌شود تا این امر کمرنگ شده و پای دلالی از فوتبال ایران قطع شود، اما با تصمیمات یک‌شبه‌ای که به عواقب آن فکر نمی‌شود؛ دوباره این بحث شدت گرفته و حالا نیز با از بین رفتن ضمانت اجرایی قانون سقف بودجه و تلاش باشگاه‌ها برای تقویت خود در نیم‌فصل دوم بدون توجه به این قانون، قطعا دوباره پای دلالی به مساله قراردادهای جدید برای بالا بردن قراردادها (بخوانید حق حساب خود) باز شده و باز هم فوتبال ایران بهشت دلالان خواهد شد.

مرگ التزام به قانون

درست از لحظه اعلام رای و در اتفاقی مشکوک، برخی مدیران حقوقی که اتفاقا در فوتبال دستی بر آتش دارند به حمایت همه جانبه از رای کمیته استیناف پرداخته و مدعی شدند که ارجاع هر موضوع و پرونده‌ای به ارکان قضایی با هدف کسر امتیاز، با اصول مسلم حقوقی منافات دارد. کمیته استیناف به دو دلیل واضح رای کمیته بدوی را نقض کرد. اولین دلیل رعایت نشدن اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است و دومین دلیل هم این بود که باید سرنوشت بازی در زمین مسابقه تعیین شود. به همین دلیل رای کمیته استیناف قابل احترام و کاملا مبتنی بر موازین قانونی است. این در حالی است که این دسته از کارشناسان به هیچ وجه به سیاست یک بام و دو هوای ارکان قضایی فدراسیون فوتبال اشاره نکرده و به این موضوع هم نمی‌پردازند که پس کمیته انضباطی بر چه اساسی رای خود درخصوص کسر امتیاز از باشگاه‌ها را صادر کرد تا چند ماه بعد این آرا نقض و باطل شده و این همه سر و صدا به پا شود.

اگر به قول آنها در دستورالعمل نقل و انتقالات، ضمانت اجرای تخطی از قوانین تعیین نشده است پس کمیته انضباطی با استناد بر چه بند و تبصره‌ای امتیازات را کم کرده تا با شکسته شدن آن، کار به جنگ داخلی در فوتبال ایران بکشد! در نهایت هم به نظر نمی‌رسد اینکه ضمانت اجرایی و التزام به پیروی از قانون با حکم جدید در کمیته استیناف فدراسیون فوتبال از بین رفته نیز برای این دسته از مدیران حقوقی اهمیتی داشته باشد که در اظهارات خود به آن نپرداخته و کاری به این مساله مهم نداشته‌اند؛ هرچند که به نظر می‌رسد با این وضعیت، هر نوع قانونگذاری در فوتبال ایران نیز منتفی شده باشد.

گران شدن بازیکنان معمولی

فدراسیون فوتبال در فصل جاری با کم کردن تعداد سهمیه بزرگسالان، تقریبا در جهت کیفی شدن لیگ برتر گام برداشته و اتفاقا این موضوع نیز مورد توجه کارشناسان قرار گرفته و بسیاری از آنها جذاب‌تر شدن رقابت در صدر جدول را با این موضوع مرتبط دانستند.

این در حالی است که با شکسته شدن حکم کمیته انضباطی، باشگاه‌ها برای تقویت خود دوباره شاید مجبور به استفاده از همان بازیکنان معمولی شوند که یک نیم‌فصل از لیگ برتر دور مانده‌اند با این تفاوت که رقم این دسته از بازیکنان در بازار هیجانی فوتبال ایران قطعا افزایش پیدا کرده و حالا با این وضعیت باید شاهد گران شدن بازیکنان معمولی و البته دست‌نیافتنی شدن بازیکنان گران‌قیمت باشیم.

افزایش بدهی سرخابی‌ها

در فصل جاری سرخابی‌های پایتخت در حالی تیم‌های خود را مهیای حضور در میدان کردند که تا خرخره زیر بدهی قرار داشته و در همان ابتدای فصل بارها کار دو تیم به اعتصاب کشیده شد. نکته جالب اینکه با این وضعیت هر دو باشگاه مدعی بودند که با ایجاد سقف بودجه، کلاه گشادی بر سرشان رفته اما هیچ وقت به این موضوع نپرداختند که اگر سقفی وجود نداشت، تامین هزینه‌های بیشتر برای بستن تیمی مقتدرتر با وجود بدهی‌های سرسام‌آور چطور محقق می‌شد.

با همه این تفاسیر و بدون توجه به این بدهی‌ها، حالا به نظر می‌رسد با وجود تهدیدهای هر دو باشگاه در خصوص جذب بازیکنان جدید بدون توجه به قانون سقف بودجه، در صورت تحقق این امر، میزان بدهی سرخابی‌ها برای نیم‌فصل دوم افزایش پیدا کرده و به صورت مشخص و به صورت کلی در حالی که درآمد جدیدی به منابع درآمدی باشگاه‌ها اضافه نمی‌شود، با دور زدن قانون و دیگر بدون توجه سقف بودجه، بدهی کل فوتبال ایران نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

همه اینها در حالی است که قنبرزاده، عضو کارگروه تعیین سقف بودجه باشگاه‌های لیگ برتری معتقد است قانون سقف بودجه شکست نخورده اما واضح است که این قانون ترکی اساسی برداشته و شکستن آن در آینده‌ای نزدیک حتمی خواهد بود.

اکبر احدی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: بوکس ایران به مربی خارجی نیاز داشت

سهمیه المپیک سخت است اما دور از دسترس نیست

با شش ماه و یک سال حضور نمی‌توان توقعات غیرمعقول از مربی خارجی داشت

مهدی منصرف
خبرنگار

به دنبال نتایج ضعیف تیم ملی بوکس در مسابقات جهانی ۲۰۲۳ و بعد از آن بازی‌های آسیایی هانگژو، مسئولان فدراسیون بوکس چاره را در انتخاب سرمربی خارجی برای تیم ملی دیدند. در اولین گام نیز رینالدو فونتس مربی ۵۰ ساله کوبایی به کشورمان آمد اما در ادامه گفته شد که گزینه اصلی هدایت تیم ملی، فونتانا سرمربی نامدار کوبایی است. مربی ۷۰ ساله‌ای که سابقه نتایج درخشان با تیم ملی تایلند را در دهه ۹۰ میلادی دارد و با توجه به بالا رفتن سنش در سالیان اخیر با تیم‌های بانوان تایلند و مکزیک همکاری داشته است. از طرفی در شرایطی که مرحله نخست گزینشی جهانی المپیک پاریس در ابتدای اسفند ماه برگزار می‌شود، هنوز خبری از حضور فونتانا در ایران نیست و طبق گفته مدیر تیم‌های ملی قرار است تا اواخر این ماه به تهران بیاید. اکبر احدی، سرمربی سابق تیم ملی بوکس در گفت‌وگو با روزنامه «فرهیختگان» درخصوص حضور مربیان کوبایی، شرایط کسب سهمیه المپیک برای بوکس ایران و چشم‌انداز بوکس با حضور مربیان کوبایی صحبت کرد که در ادامه می‌خوانید.

حضور رینالدو فونتس کوبایی را در ایران چطور می‌بینید؟

بوکس ایران به حضور یک مربی خارجی از کوبا، روسیه، قزاقستان یا ازبکستان نیاز داشت. این موضوع خواسته جامعه بوکس و علاقه‌مندان این رشته بود که سرمربی تیم ملی ایرانی نباشد و خارجی باشد. امیدوارم با حضور این مربی خارجی نتایج خوبی بگیریم.

شناختی از این مربی دارید؟

شناختی از این مربی ندارم و او را نمی‌شناسم. ما مربیان خوبی در کشور داریم اما به خاطر نتایجی که در این مدت گرفته شده، جامعه بوکس دوست داشت سرمربی تیم ملی خارجی باشد. هرکسی را به عنوان سرمربی می‌گذاشتند، همه اعتراض می‌کردند. فکر می‌کنم فدراسیون بوکس با حضور مربی خارجی بهترین تصمیم را گرفت. با حضور این مربی شاید خیلی از حواشی برطرف شود و دیگر شاهد سر و صدایی نباشیم. خواسته ورزشکاران نیز این بوده که یک مربی خارجی بیاورند و به نظرم در این شرایط تصمیم بدی نیست.

فکر می‌کنید مسئولان و جامعه بوکس آنقدر صبور باشند که زمان کافی را در اختیار این مربی خارجی قرار دهند؟

مسئولان فدراسیون و تصمیم‌گیرندگانی که در راس قرار گرفته‌اند، خودشان قهرمان بودند و می‌دانند با یک ماه، شش ماه و یک سال مربی نمی‌تواند نتیجه بگیرد. باید به این مربی زمان و امکانات بدهند و بعد از آن نتیجه بخواهند. اینکه در یک سال سهمیه المپیک بخواهیم یا توقع داشته باشیم که قهرمان المپیک به ما تحویل بدهد، غیرمعقول است. باید به این مربی زمان بدهند و چهار سال بعد در بازی‌های آسیایی، قهرمانی جهان و قهرمانی آسیا نتیجه بخواهند و عجله نکنند.

بسیاری از کارشناسان از جمله علی مظاهری اعتقاد دارند که چه با فونتس و چه با حضور فونتانا در ایران، باید تیم ملی با مربی داخلی در مسابقات گزینشی المپیک شرکت کند؟

علی مظاهری از قهرمانان بزرگ این مملکت است و خودش مربی و کارشناس خوبی است و بیراه نیز نمی‌گوید. در این یکی، دو ماهی که تا مرحله نخست مسابقات گزینشی المپیک در ایتالیا زمان داریم، مربیان خارجی هیچ شناختی از ورزشکاران ندارد و به نظر من بهتر بود با مربی ایرانی جلو می‌رفتند و این مربیان نیز در کنار، کمک می‌کردند. در حال حاضر نیز مربیان داخلی در کنار فونتس هستند و می‌توانند به او کمک کنند. فعلا اینکه این تصمیم اشتباه بوده یا نبوده را به کنار بگذاریم و به این مربی کمک کنیم.

با توجه به پتانسیل بوکس ایران، به نظر شما کسب سهمیه المپیک در دو مرحله مسابقات گزینشی جهانی که تنها مدال‌آوران موفق به کسب سهمیه خواهند شد، برای بوکس ایران قابل دستیابی است؟

احتمال دارد بچه‌ها در همین مسابقات ایتالیا سهمیه بگیرند اما در واقعیت کار بسیار سخت است ولی دور از دسترس نیست. ما در تیم ملی در حال حاضر مدال‌آور جهانی داریم و کسب سهمیه المپیک نیز دور از دسترس نیست اما همان‌طور که گفتم اصلا نباید به فکر سهمیه المپیک باشیم و باید فدراسیون یک چشم‌انداز بلندمدت با حضور مربی خارجی داشته باشد و به فکر این باشد که در دوره آینده بازی‌های آسیایی نتیجه بگیرد.

هنوز مشخص نیست که قرار است تیم ملی با فونتس در مسابقات کسب سهمیه شرکت کند یا فونتانا. از طرفی با توجه به شرایط سنی فونتانا و دستمزد سنگین او آیا فدراسیون امکان یک برنامه‌ریزی بلندمدت با حضور او را خواهد داشت یا خیر؟

اینها را باید فدراسیون پیش‌بینی کند و اگر قصد دارد از فونتانا استفاده کند از قبل منابع مالی آن را تامین کند و بودجه آن را کنار بگذارد. فونتانا را خیلی خوب می‌شناسم و ارتباط خیلی خوبی با او دارم. فونتانا مربی بسیار بزرگی بوده و می‌تواند طراح، برنامه‌ریز و مدرس بسیار خوبی برای فدراسیون بوکس باشد.

با توجه به اینکه فونتانا ۷۰ ساله است، آیا می‌تواند سرمربی خوبی نیز برای طولانی مدت باشد؟

او می‌تواند برنامه‌ریزی کند و دستیارانش برنامه‌های او را اجرا کنند و فونتانا نیز نظارت داشته باشد. ترکیب حضور فونتانا و فونتس خیلی می‌تواند به بوکس ما کمک کند. فونتانا تجربیات بسیار زیاد و کارنامه بسیار درخشانی دارد و در بحث آموزش خیلی می‌تواند به مربیان ما کمک کند.

در صورت حضور فونتانا آیا حاضر هستید در کادر او حضور داشته باشید؟

کنار آدمی بزرگی مانند فونتانا نه تنها برای من بلکه برای هر مربی ایرانی می‌تواند یک افتخار باشد. فونتانا را به خوبی می‌شناسم. او زمانی که سرمربی تیم ملی تایلند بود به خاطر ۵۰ گرم باعث حذف من از مسابقات آسیایی شد. در وزن‌کشی‌ها خیلی وقت‌ها ۱۰۰ گرم بالای وزن را نیز قبول می‌کردند اما زمانی که با بوکسور تایلند بازی داشتم، پشت باسکول ایستاد و ۵۰ گرم بالاتر بودن وزن من را قبول نکرد و درنهایت به خاطر اینکه زمانی برای کم کردن وزن باقی نمانده بود از مسابقات حذف شدم. بعد از آن ارتباط خیلی نزدیکی با هم گرفتیم و دوست شدیم. می‌دانم مربی خیلی بزرگی است و کارنامه او درخشان است. من از خدایم است که فونتانا به ایران بیاید و در کنار او کار کنم.

تمام نیازهای نکونام برای نیم‌فصل استقلال

۴ بازیکن برای ۴ پست

نیم‌فصل اول رقابت‌های لیگ برتر در حالی هفته آینده به پایان می‌رسد که تکاپوی تیم‌ها برای تقویت خود در نیم‌فصل از مدت‌ها قبل آغاز شد و به طور حتم با باز شدن پنجره زمستانی نقل‌وانتقالات شاهد اتفاقات جذابی در این ارتباط خواهیم بود. نکته قابل توجه در این خصوص اینکه استقلالی‌ها نیز برای آن که از قافله عقب نمانند، از روزهای گذشته با شناخت ضعف‌های خود، کار خود را در جهت اقدام برای تقویت این تیم در نیم‌فصل دوم آغاز کرده و رایزنی‌های خود را نیز به همین منظور آغاز کرده‌اند. این در حالی است که جواد نکونام در آخرین مصاحبه مطبوعاتی خود به‌وضوح به جذب چند بازیکن بزرگسال برای برطرف کردن نقاط ضعف تیمش اشاره کرده و با وجود آن که اسمی از این افراد مطرح نشد اما به نظر می‌رسد برای باقی ماندن آبی‌ها در کورس قهرمانی، احتمالا جذب برخی از این نفرات برای تیم نکونام به‌منظور همراهی آنها در نیم‌فصل دوم، از نان شب هم واجب‌تر باشد. بر همین اساس از اردوی استقلال خبر می‌رسد کادرفنی این تیم برنامه‌ریزی‌های لازم برای جذب چهار بازیکن در چهار پست را آغاز کرده که در این بین نام بازیکنان خارجی هم دیده می‌شود. در واقع با تشخیص مربیان استقلال در نیم‌فصل اول این تیم در چهار پست دفاع میانی، هافبک طراح، وینگر و نوک حمله با مشکلات عدیده‌ای مواجه بوده که باید در جهت برطرف کردن آنها اقدامات لازم به عمل بیاید.

اعتراض پرسپولیس به رفتار دوگانه فدراسیون و سازمان لیگ

پشت‌پرده صدور مجوز برای ۶ بازیکن سپاهان چه بود؟

کمیته انضباطی فدراسیون فوتبال روز گذشته اعلام کرد که باشگاه سپاهان تا زمانی که قرارداد ۶ بازیکن خود شامل پیام نیازمند، هادی محمدی، کاوه رضایی، رضا اسدی، رضا شکاری و احسان پهلوان را اصلاح نکند نمی‌تواند از آنها در ادامه بازی‌های لیگ برتر استفاده کند. این درحالی است که این کمیته در رای اولیه خود که در ۲۲ شهریور امسال علیه باشگاه سپاهان صادر کرد نیز همین بازیکنان را تا زمان اصلاح قراردادشان محروم کرده بود. در این رابطه یکی از اعضای کارگروه نظارت بر سقف قرارداد باشگاه‌ها به «فرهیختگان» گفت: «واقعیت این است که این بازیکنان قرارداد سال دوم‌شان به‌طرز عجیبی به ۵۰ میلیارد تومان برای یک فصل هم رسیده بود که ما آنها را به کمیته انضباطی گزارش کردیم و این کمیته در رای خود آورد که حتما باید قراردادشان اصلاح شود. اما مدیران باشگاه با رایزنی‌هایی که داشتند توانستند مجوز بازی آنها را تا صدور رای نهایی از سوی کمیته استیناف بگیرند. حالا این وسط چطور این مجوز صادرشده فدراسیون باید پاسخگو باشد؟» با توجه به این مساله حالا باشگاه پرسپولیس به این مساله اعتراض دارد که چرا این مجوز برای گئورگی گولسیانی صادر نشده است؟ یکی از مسئولان اجرایی این باشگاه در گفت‌وگو با «فرهیختگان» در این زمینه گفت: «زمانی که کمیته انضباطی به کسر امتیاز از پرسپولیس به‌خاطر قرارداد گولسیانی رای داد، اعلام کرد که این بازیکن تا زمان اصلاح قراردادش اجازه بازی ندارد. در همان مقطع هم دو مدافع‌مان در اردوی تیم ملی بودند و دو شب قبل از بازی به اردو اضافه می‌شدند که حتی پورعلی‌گنجی هم دچار مصدومیت شدید شد. به این خاطر سرمربی تیم خواست هر طوری که شده قرارداد گولسیانی را اصلاح کنیم، چون سازمان لیگ هم نامه داده بود که او نمی‌تواند مقابل پیکان بازی کند. نماینده باشگاه روز بازی برگه قرارداد گولسیانی را نزد او برد تا راضی شود اصلاحاتی در قراردادش انجام شود که در ابتدا خیلی ناراحت شد و بعد با اصرار این کار را انجام داد. در این شرایط چطور سازمان لیگ در مورد گولسیانی تا این حد سختگیری کرد اما در مورد قرارداد ۶ بازیکن سپاهان این اتفاق رخ نداد و این باشگاه در حدود ۱۰ بازی از این نفرات استفاده کرد؟!»

اولویت آبی‌ها تقویت در فاز تهاجمی است

اورونوف جدیدترین ازبک استقلالی؟

استقلال برای نیم‌فصل به دنبال تقویت تیم خود است و در این بین و درخصوص گزینه خط دفاعی به نظر می‌رسد با سیگنالی که استقلال و رافائل سیلوا برای هم ارسال کرده‌اند بازگشت بازیکن برزیلی به تهران تا حدودی تحقق پیدا کرده به خصوص اینکه با این اتفاق، استقلالی‌ها از رای فیفا درباره پرونده مطالبات سیلوا نیز رهایی پیدا کرده و این بازگشت از هر جهت به سود آبی‌ها خواهد بود. همچنین به جز سیلوا، از منتظر محمد عراقی نیز به عنوان دیگر بازیکن خارجی نام برده می‌شود که احتمال بازگشت وی به استقلال وجود خواهد داشت هرچند اولویت نکونام برای تقویت تیمش در فاز هجومی خواهد بود؛ جایی که او یک وینگر و یک مهاجم نوک را مدنظر قرار داده است. در این خصوص شنیده می‌شود اوستون اورونوف ازبکستانی با ۲۳ سال سن که در پست هافبک هجومی و وینگر برای باشگاه فوتبال نوبهار بازی می‌کند نیز مورد توجه کادر استقلال قرار گرفته است. این بازیکن تا پایان ماه جاری میلادی با تیم ازبک قرارداد داشته و درصورت توافق با استقلال، منعی برای پیوستن به این باشگاه نخواهد داشت. پیش از این سرور جباروف و عزیزبک آمانوف ازبکستانی سابقه پوشیدن پیراهن استقلال را در سوابق دوران بازیگری خود به ثبت رسانده‌اند.

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مجموع فروش فیلم‌های سینمایی در ۲۰۲۳ نسبت به ۲ سال اخیر رشد کرد ولی به قبل از کرونا نرسید

سینمای جهان از رکود فرار کرد

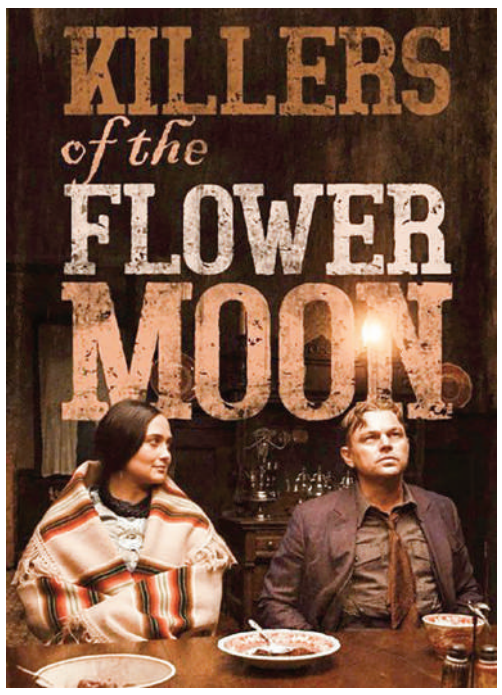

میلاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

سال ۲۰۲۳ برای سینمای جهان چگونه بود؟ بحث مستوفایی در سال‌های اخیر شکل گرفته که اساس آن به افت کیفیت کلی سینما و بی‌رمق شدن ایده‌ها و قصه‌ها اشاره دارد. این بحث‌ها را کنار بگذاریم تا بتوانیم سال ۲۰۲۳ میلادی را به لحاظ سینمایی بررسی کنیم. ما در مطالب متعددی به این پرداختیم که سینمای جهان در قرن بیست و یکم چه سرنوشتی از سر گذراند. از چرخش ساختار جمهوری‌خواه سینمای آمریکا به سمت دموکرات‌ها که روی داستان و ساختار و سوژه فیلم‌ها هم اثر گذاشت تا تاثیری که مخاطبان چینی روی نوع فیلمسازی آمریکایی‌ها گذاشتند و هزار و یک مساله دیگر را در پرونده‌های جداگانه‌ای بررسی کرده‌ایم که این بررسی‌ها می‌تواند ادامه داشته باشد اما اینجا درباره آنچه که بر سر سینما در ۲۰۲۳ میلادی گذشت و چشم‌اندازی که برای ۲۰۲۴ پیش‌بینی می‌شود، حرف زده‌ایم.

در سال ۲۰۲۳ میلادی، فروش تخمینی کل سینمای جهان ۳۳٫۴ میلیارد دلار بود. این رقم در مقایسه با ۲۵٫۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ و ۲۱٫۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ یک رشد محسوس را نشان می‌دهد، یعنی درآمد سال ۲۰۲۳ نسبت به سال گذشته ۲۹ درصد افزایش داشت؛ اما اگر این ارقام را با سال قبل از همه‌گیری ویروس کرونا مقایسه کنیم، همچنان فاصله‌ای محسوس به چشم می‌آید. سینمای جهان قبل از ورود به پاندمی کرونا، در سال ۲۰۱۹ میلادی مجموعا ۴۲٫۳ میلیارد دلار فروش داشت. یعنی درآمد جهانی سال ۲۰۲۳ همچنان بین ۲۱ تا ۲۲ درصد از سال ۲۰۱۹ عقب‌تر است.

با توجه به رشدی که از ۲۰۲۱ به این سو در رقم‌های فروش کلی سینما دیده شد، به نظر می‌رسید که این صنعت سرگرمی در ۲۰۲۴، مجددا به آمارهای سال ۲۰۱۹ برگردد اما چنین نیست. سال آینده می‌تواند اولین بار بعد از دوران تمام شدن همه‌گیری کرونا باشد که درآمد باکس آفیس جهانی نسبت به سال گذشته کاهش پیدا می‌کند. بر اساس پیش‌بینی سالانه یک شرکت مستقر در لندن، به نام Gower Street، پیش‌بینی می‌شود که در سال آینده فروش بلیت فیلم در سراسر جهان به ۳۱٫۵ میلیارد دلار برسد که پنج درصد کاهش نسبت به تخمینی ۳۳٫۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۳ است.

گزارش Gower Street نباید برای صنعت فیلم جهانی تعجب‌آور باشد؛ چراکه اعتصابات دوقلوی بازیگران و نویسندگان هالیوود باعث شد تعداد زیادی فیلم از سال ۲۰۲۴ تا ۲۰۲۵ به تعویق بیفتند. این مساله به گفته برخی می‌تواند منجر به زیان دو میلیارد دلاری به کل صنعت فیلم شود. تحقیقات شرکت گوور استریت این رکود را به از دست دادن ۵۰ درصد زمان تولید به دلیل اعتصابات و در مقابل بی‌علاقگی مصرف‌کنندگان به رفتن به سینما نسبت می‌دهد. این تابستان تنها به لطف پدیده‌ای که با عنوان «باربنهایمر» شناخته می‌شود، یعنی اکران همزمان دو فیلم متناقض باربی و اوپنهایمر که جنجالی بزرگ پدید آورد، توانست به وضعیت پیش از همه‌گیری کرونا دست پیدا کند. البته دیمیتریوس میتسینیکوس، مدیر اجرایی Gower Street می‌افزاید: «بر اساس تولیدات در حال حاضر در رادار ما، انتظار داریم سال ۲۰۲۵ سال بسیار خوبی در باکس آفیس جهانی باشد و امیدواریم روند مثبتی برای نیمه دوم این دهه رقم بزنند.»

البته وضعیت مخاطبان سینما در آمریکای شمالی و سایر نقاط دنیا یکسان نیست. پیش‌بینی می‌شود باکس آفیس خارجی سینمای آمریکا در سال ۲۰۲۴، به استثنای چین، با حدود ۱۵٫۶ میلیارد دلار به پایان برسد. با این حال، این هنوز ۲۱ درصد کمتر از میانگین ۲۰۱۹-۲۰۱۷ است.

در چین، انتظار می‌رود که درآمد باکس آفیس در سال ۲۰۲۴ به رشد متوسط پنج درصدی نسبت به سال گذشته دست یابد. درآمد باکس آفیس داخلی چین در ۲۰۲۳ میلادی ۷٫۶ میلیارد دلار بود و انتظار می‌رود درآمد سال آینده به ۷٫۹ میلیارد دلار برسد. توماس بران، تحلیلگر ارشد Gower Street می‌گوید: «بازار بین‌المللی در مقایسه با بازار داخلی آمریکا کمتر تحت تأثیر تقویم انتشار محدود فیلم‌هاست که بر اثر اعتصاب هالیوودی‌ها پدید آمد.»

برای اولین بار در دوران همه‌گیری پاندمی کرونا بود که باکس آفیس فیلم‌های چینی توانست از سینمای آمریکا پیشی بگیرد و در صدر جهان بایستد. پس از اتمام پاندمی آمریکا دوباره به صدر جدول برگشت اما دیگر نمی‌شد چین را از فهرست ۱۰ فیلم پرفروش دنیا بیرون کرد و در ۲۰۲۳ هم فیلم‌های هفتم و هشتم پرفروش دنیا چینی بودند. با توجه به رکودی که برای صنعت هالیوود در ۲۰۲۴ به وجود خواهد آمد، می‌شود پیش‌بینی کرد که چین باز هم جهشی در این زمینه داشته باشد و جای پایش را محکم‌تر کند. البته مشکل چینی‌ها این است که فیلم‌هایشان را فقط خودشان می‌پسندند؛ برای مخاطب جهانی کار نمی‌سازند. در ادامه مروری بر فیلم‌های مهم سال ۲۰۲۳ میلادی داشته‌ایم که البته برای بعضی از آنها در شماره‌های پیشین پرونده‌های مستقل و مفصلی تهیه و منتشر شده است.

سالی آلوده به نفرین باربی

هومن جعفری
خبرنگار

۲۰۲۳ به پایان خود رسیده و حالا طبق سنت همیشگی و جهانی رسانه‌ها باید بررسی و کالبدشکافی‌اش کنیم. طبیعتا هرکسی نظری دارد و سلیقه‌ای. این هم نگاه سرسری من به سالی که گذشت؛ سالی که امیدوارم با «باربی» به خاطر سپرده نشود.

باربی نماینده امسال نیست

آیا باید به سالی که پرفروش‌ترین فیلمش باربی بوده، احترام گذاشت و آن را جدی گرفت یا اینکه به همین دلیل، به آن بی‌توجه بود و از جدی گرفتنش پرهیز کرد؟ هر دو سوال، از منظر من غلط است. باربی شاید پرچمدار فروش در سالی بود که پشت سر گذاشتیم اما نباید نماینده و پرچمدار سینما در این سال تلقی شود. باربی فیلم نیست. یک هشتگ است. یک محصول پرفروش است و تمام می‌شود. در یاد نمی‌ماند. نقش ماندگاری نیست. من ۲۰۲۳ را شاید با «جان ویک» و «ماموریت غیرممکن» به خاطر بسپارم اما با باربی نه.

سالی برای سرمست شدن اکشن‌بازها

امسال برای عاشقان اکشن عجب سالی بود. خاصه برای دنباله‌های اسم و رسم دار. «جان ویک ۴» و ماموریت غیرممکن را داشتیم و «استخراج ۲» را، جان ویک به دنیای سریال هم کشیده شد. هر سه فیلم قطعا دنباله سینمایی هم دارند. «ایکس سریع» از یادتان نرود. یازدهمین قسمت از ماجراهای گروه سریع و خشن که ارتشی از ستاره‌های اکشن‌کار هالیوود را دور خود جمع کرد و نزدیک به ۹۰۰ میلیون دلار فروخت. «ترانسفورمرزها» یا «تغییردهندگان» نیز امسال یک فیلم بی‌سروته دیگر را روانه بازار کردند که نزدیک به ۴۲۰ میلیون دلار فروخت و سودش را درآورد اما سروتهی نداشت. امید که این مجموعه را تمامش کنند. «نگهبانان کهکشان» قست سومش را اکران کرد و ۸۴۰ میلیون دلار به جیب زد.

خبر بد سال اینکه «ایندیانا جونز» به آخرین قسمت خودش رسید و از نظر من پایانی شایسته با این فرنچایز را تقدیم به هواداران وفادارش کرد. «اکولایزر سه» از یادتان نرود. دنزل واشنگتن در ایتالیا هم بلد است ترتیب آدم بدها را بدهد. یک قسمت دیگر از مجموعه فراموش‌شده «بازی‌های گرسنگی» نیز به‌تازگی اکران شده که تا امروز ۲۵۸ میلیون دلار فروش کرده و نمایشش ادامه دارد.

«مگ ۲» هم آمد. ادامه داستان ابرکوسه‌های سهمگین و جیسون استاتهام حاضر و آماده که شکارشان می‌کند. این اما همه کار نبود. «هواپیما» با بازی جرالد باتلر ایده خوبی داشت، «کرید ۳» ادامه قصه بوکسور جوان و سیاهپوست بود، «خرس کوکائینی» نزدیک به دوبرابر و نیم هزینه تولیدش را درآورد و به سود خوبی رسید که باورکردنی نبود و «بوکسون را بکشید» واقعا یکی از بهترین اکشن‌های سینمای کره و جهان در سال ۲۰۲۳ بود. برای اکشن‌بازها سال خوبی بود. تازه بماند که نزدیک به دست‌کم ۵۰ بی‌مووی اکشن تر و تمیز را نادیده گرفتیم.

«شب خاموش» جان وو هم هست که در بخش بعدی معرفی‌اش می‌کنیم.

جایی برای پیرمردها هست

برای عشاق کارگردان‌های بزرگ هم امسال سال پرفروغی بود. اسکورسیزی با «قاتلان ماه گل» بسیار درخشید. دیوید فینچر تریلر «قاتل» را بیرون داد که خیلی‌ها از آن خوش‌شان نیامد و خیلی‌ها هم مثل بنده سرافکنده عاشقش شدند. ریدلی اسکات کهنه‌کار با «ناپلئون» به میدان آمد. جان ووی کهنه‌کار امسال با «شب خاموش» دوباره ما را به دو، سه دهه قبل برگرداند. فیلمی دقیقا با همان مشخصات اکشن‌هایی که از این کهنه‌کار درجه۱ سراغ داریم. او استاد ساختن فیلم‌هایی با موضوع انتقام است و این یکی هم همین تم را دارد. ریچارد لینکتیر معروف هم فیلم کمدی پلیسی چرندی به نام «آدمکش» روانه بازار کرد که حقیقتا از تماشا کردن تیزر تبلیغاتی‌اش حس بدی به شما دست می‌دهد. انگار استاد هم آخر عمری دچار کمبود پول شده! به هرحال تنها حسن ساخت این فیلم این بود که ایشان را هم به جمع اسم و رسم دارهای فیلمساز در ۲۰۲۳ اضافه می‌کنیم. جیمز منگولد هم امسال آخرین قسمت ایندیانا جونز را روانه بازار کرد. «اوپنهایمر» از نولان هم یکی از پیشروان امسال بود.

اسم کن لوچ را با «بلوط پیر» و «جاماندگان» از الکساندر پین یادتان نرود و صدالبته ویم وندرس و «روزهای عالی» اش که در ژاپن ساخته! یکی از غافلگیری‌های امسال است. برای طرفداران کارگردان‌های بزرگ هم سال بدی نبود. کلینت ایستوود مشغول ساختن فیلم جدیدش است، حتی مایکل مان هم دنبال ساختن فیلم «مخمصه۲» است و کارهای پیش‌تولیدش را آغاز کرده.

برای پیرمردها هم سال بدی نبود.

از انیمیشن‌ها چه خبر؟!

انیمیشن‌بازها امسال باید راضی باشند. حکایت سریال‌های انیمه که اصلا جداست و آنقدر فیلم و سریال انیمه هست که تا آخر دنیا هم وقت نکنید تماشایشان کنید. اما برای آنهایی که انیمیشن‌های کارتون‌طور را دوست دارند سال خوبی بود. قسمت دوم «فرار مرغی» بعد از دو دهه اکران شد و اتفاقا بازخوردهای مثبتی هم داشت. کارتون «مهاجرت» اگرچه در گیشه شکست خورد اما نمایش بامزه‌ای در مورد مهاجرت گروهی از پرندگان به شهر بود. اشاره مستقیم به اینکه انسان چه بلایی سر طبیعت آورده! انیمیشن بامزه «سوپرماریو» نیز امسال فروش نیم‌میلیارد دلاری را به‌دست آورد و اولین انیمیشن پرفروش دنیا شد. مقام دوم به «اسپایدرمن» رسید. اما عمده انیمیشن‌های بزرگ امسال از مجموعه‌های فرانچایز بودند.

«مرد عنکبوتی: بر فراز شبکه عنکبوتی» هفت‌برابر هزینه ساختش را در گیشه درآورد! «لاکپشت‌های نینجا» امسال با ۷۰ میلیون دلار هزینه وارد بازی اکران شدند و با ۱۸۰ میلیون دلار فروش بازی را ترک کردند. انیمیشن «گشت پنجه‌ای» داستان گروهی از سگ‌های ابرقهرمان را روایت کرد که باید همان کاری را انجام بدهند که از سگ‌های ابرقهرمان انتظار می‌رود. ۳۰ میلیون دلار هزینه ساخت این انیمیشن شد و ۱۹۰ میلیون دلار فروش پایان خوبی برای آنها بود. «نیمونا» انیمیشن ساخت نتفلیکس بود که منتشر شد و یکی از برترین‌های سال ۲۰۲۳.

دیگران هم بودند: «لیگ عدالت: جنگ جهانی» (که خیلی دوست داشتم)، «رزیدنت اویل: جزیره مرگ» (دیدم ولی خیلی چیز خاصی نبود)، «لوگو اونجرز: کد سرخ» و چند مورد دیگر. سرشناس‌ترین‌ها همین‌ها بودند.

اینها را جدی بگیرید

می‌شود ۲۰۲۳ را از ۱۰۰ زاویه دیگر بررسی کرد. فیلم‌های کمدی، فیلم‌های پلیسی جنایی، فیلم‌های ترسناک، فیلم‌های غیرآمریکایی اثرگذار و مولفه‌های مشابه. با این همه به همین اندک بسنده می‌کنیم. امسال فیلم‌های دیگری هم سروصدا کردند که در اسکار رقابت سنگینی دارند. اوپنهایمر و باربی درگیر رقابت معروف و تبلیغاتی «باربنهایمر» شدند اما درکنار این دو فیلم پرفروش در گیشه، به سینمای اجتماعی هم باید نگاهی انداخت. از بلوط پیر کن لوچ سرسری نگذرید. جاماندگان استاد الکساندر پین هم هست.

«زندگی‌های گذشته» از سایین سانگ، «بیچارگان» از یورگوس لانتیموس، «کالبدشکافی یک سقوط» از ژوستین تریه (برنده نخل طلای امسال)، «منطقه موردعلاقه» از جاناتان گلیزر (برنده جایزه فیبرشی)، روزهای عالی از ویم وندرس، «خدایا اونجایی؟ منم مارگارت» از کلی فرمون کریگ و «استاد» از برادلی کوپر که این یکی نقدهای منفی زیادی را به‌دست آورده.

نگاهی به ۱۲ فیلم از سینمای ۲۰۲۳

مهران زارعیان
منتقد

نوشتن درباره تمام فیلم‌های مهم نمایش‌داده‌شده در سال پر رونق ۲۰۲۳ در این مختصر گزارش ممکن نیست و احتمالا شما هم با من موافق هستید که امسال برای سینمای جهان اتفاقات خوبی رقم خورد. از بین فیلم‌های شاخصی که در لیست زیر فرصت نشد جزئیاتی بیان کنم می‌توان به ناپلئون (ریدلی اسکات)، کاخ (رومن پولانسکی)، هیت من (ریچارد لینکلیتر)، الکنده (پابلو لارین)، می دسامبر (تاد هینز)، جاماندگان (الکساندر پین)، زندگی‌های گذشته (سلین سونگ)، برگ‌های افتاده (آکی کوریسماکی)، آتشین (کریستین پتزولد)، روزهای عالی (ویم وندرس)، روی علف‌های خشک (نوری بیگله جیلان)، استروئید سیتی (وس اندرسون)، درس (آلیس تروتون)، زندگی شگفت‌انگیز هنری شوگر (وس اندرسون)، اصل (آوا دوورنی) و همچنین انیمیشن‌های المنتال و قسمت دوم فرار مرغی اشاره کرد.

اوپنهایمر

نخستین فیلمی که در این فهرست به سراغش می‌روم، تازه‌ترین اثر کریستوفر نولان است که خود او اخیرا این فیلم را موفقیت‌آمیزترین فیلم کارنامه‌اش دانسته است! منظور نولان البته ناظر به وجه صنعتی سینماست، زیرا با توجه به درجه سنی R و فیلمبرداری سیاه و سفید در بخش‌های زیادی از فیلم، فروش یک میلیارد دلاری «اوپنهایمر» (۱۰ برابر بیش از بودجه) به معنای دستیابی به یک کامروایی بزرگ است. البته همزمانی اکران این فیلم با فیلم تجاری «باربی» را نمی‌توان در رسیدن به این فروش بالا نادیده گرفت، اما به هر حال هر فیلم جدید از نولان، یک اتفاق در سال سینمایی انتشارش بوده است.

اوپنهایمر به لحاظ هنری و ارزش‌های سینمایی نیز واجد امتیازات قابل توجه است و در فصل جوایز هم تاکنون موفقیت‌هایی فراتر از عملکرد معمول آثار نولان داشته است؛ به طوری که نامزد شدن نولان در بخش کارگردانی اسکار امسال را می‌توان قطعی دانست و احتمال اینکه بالاخره مجسمه طلایی را در دستان این فیلمساز مهم سینمای امروز ببینیم، کم نیست.

«اوپنهایمر» فیلمی زندگی‌نامه‌ای با بازی درخشان کیلین مورفی است که ماجرای ساخته شدن نخستین بمب اتمی تاریخ را روایت می‌کند و تمرکز اصلی‌اش بر ابعاد روان‌شناختی و ذهنی کاراکتر جی. رابرت اوپنهایمر است.

قاتلان ماه گل

مارتین اسکورسیزی همچنان پس از نیم قرن فیلمسازی، به عنوان یک وزنه عظیم در سینمای جهان توانسته حضورش را تثبیت کند به طوری که فیلم‌های اخیرش هم همگی در سطح مطرح‌ترین عناوین سال بوده‌اند. «قاتلان ماه گل» نیز از این قاعده مستثنی نیست. فیلمی که علی‌رغم زمان طولانی بیش از سه ساعته‌اش، مخاطب را درگیر داستان جنایی قدرتمندش می‌کند و روایتی استادانه دارد.

در قاتلان ماه گل همزمان دو ستاره اصلی سینمای اسکورسیزی حضور دارند؛ رابرت دنیرو و لئوناردو دی‌کاپریو. دنیرو در آثار شاخص اسکورسیزی پیش از قرن ۲۱ همواره حضور داشت و دی‌کاپریو ستاره اصلی سینمای اسکورسیزی در قرن جدید بود به طوری که شاید بتوان ادعا کرد هر دوی این بازیگران برجسته، بدون حضور در آثار اسکورسیزی ممکن بود به جایگاه دست‌نیافتنی امروز خود نرسند.

قاتلان ماه گل روایتی است از قتل‌های مرموز سرخ‌پوستان قبیله اوسیج در ایالت اوکلاهما که در اوایل قرن بیستم رخ می‌داد و بعدها مشخص شد که به دلیل طمع سفیدپوستان در تصاحب منابع نفتی آن منطقه بوده است. یک وسترن افشاگرانه که به نوعی احساس عذاب وجدان تاریخی اسکورسیزی نسبت به بومیان آمریکایی است و از نظر سبک روایی، کاملا امضای اسکورسیزی را در خود دارد.

بلوط پیر

کن لوچ را به عنوان یک فیلمساز دغدغه‌مند سوسیالیسم می‌شناسیم که به عنوان یک کارگردان پیشکسوت بریتانیایی، آثار دردمندانه فراوانی را به حافظه جمعی سینمادوستان جهان هدیه داده است و دو بار جایزه نخل طلای کن را برده است که از این حیث جزء رکورددارانِ این جشنواره محسوب می‌شود. فیلم بلوط پیر تازه‌ترین فیلم کن لوچ است که در جشنواره کن ۲۰۲۳ منتشر شد و با روایتی آرام و متین به سراغ موضوع مهاجران در کشورهای غربی می‌رود و تصویری همدلانه و شرافتمندانه از مهاجران ارائه می‌دهد.

در فیلم بلوط پیر نیز مثل دیگر آثار کن لوچ، ستارگان مشهور حضور ندارند و هنر فیلمساز باعث خلق شخصیت‌های همدلی‌برانگیز برای پیشبرد داستان ساده اما زیبا با تمی صلح‌طلبانه شده است.

قاتل

دیوید فینچر پس از تجربه کلاسیک و زندگی‌نامه‌ای فیلم «منک»، دوباره به سینمای جنایی همیشگی‌اش بازگشت و فیلم شخصیت‌محور «قاتل» را با بازی مایکل فاسبندر مقابل دوربین برد که در جشنواره ونیز ۲۰۲۳ منتشر شد. قاتل البته به قوت آثار همیشگی فینچر نبود و بازخورد چندان مثبتی نگرفته است. مراحل توسعه اقتباس از رمان قاتل از سال ۲۰۰۷ در پارامونت پیکچرز آغاز شد. فینچر به عنوان کارگردان و آلساندرو کامون به عنوان فیلمنامه‌نویس به کار گرفته شدند. فینچر در سال ۲۰۲۱ پروژه را به نتفلیکس منتقل کرد و اندرو کوین واکر جایگزین کامون شد.

آناتومی یک سقوط

در سال ۲۰۲۳ فیلمی به نام «آناتومی یک سقوط» از سینمای فرانسه، برنده نخل طلای کن شد. آناتومی یک سقوط توسط فیلمساز زن جوانی به نام ژوستین تریه ساخته شده و داستانی دلهره‌آور دارد. فیلم ماجرای یک نویسنده زن را روایت می‌کند که به جرم قتل دستگیر شده و سعی می‌کند بی‌گناهی خود را اثبات کند. حال و هوای برفی فیلم، در نگاه اول شاید «فورس ماژور» محصول ۲۰۱۴ را به یاد بیاورد اما فیلم به طور کلی به درام دادگاهی نزدیک می‌شود. آناتومی یک سقوط در بخش‌های اصلی گلدن گلوب از جمله بهترین فیلم درام، بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر زن نقش اصلی نامزد شده است اما جالب است که فرانسه این فیلم را برای جوایز اسکار نفرستاده است.

منطقه موردعلاقه

جاناتان گلیزر با فیلم «زیر پوست» با بازی اسکارلت جوهانسون شناخته می‌شود. او در تازه‌ترین تجربه خود به سراغ اقتباس از یک رمان تاریخی به قلم مارتین آرمیس رفته است. «منطقه مورد علاقه» یک فیلم درام تاریخی است که با تم هولوکاست در اردوگاه آشویتس فیلمبرداری شده است.

منطقه مورد علاقه در جشنواره کن امسال رونمایی شد و همان جا جایزه

ادامه در صفحه ۱۳

ناامیدی بزرگ

محمدسجاد حمیدیه
منتقد

لیست فیلم‌های مورد انتظار برای سال ۲۰۲۳، هر سینه‌فیلی را به هیجان می‌آورد؛ سالی که هنرمندانی پرآوازه، از پیرمردهایی چون مارتین اسکورسیزی و رومن پولانسکی تا فیلمسازانی جوان‌تر مانند گرتا گرویگ و یورگوس لانتیموس، آثاری پر سروصدا را به سینما عرضه کردند. اما تمام این هیجان و اشتیاق، با ناامیدی دلسردکننده‌ای مواجه شد. شاید شش ماه قبل تصور نمی‌کردم با چنین نام‌های بزرگی، سالی به این کم‌باری در انتظار سینما باشد. سالی که ریدلی اسکات در ادامه افولش در دوران سالخوردگی یک شکست تجاری دیگر را با «ناپلئون» تجربه کرد و رومن پولانسکی با «کاخ» توسط منتقدان تحقیر شد. مورد انتظارترین فیلم‌های سال، به‌خصوص برای مخاطبان نسل جوان، باربی و اوپنهایمر بودند. کمپانی‌ها با زیرکی توانستند یک دوقطبی میان این دو فیلم ایجاد کنند و می‌دانیم که دوقطبی، آمار کل را بالا می‌برد. این کمپین تبلیغاتی هوشمندانه برای «باربنهایمر» توانست درمجموع فروشی نزدیک به ۲٫۵ میلیارد دلاری را نصیب کمپانی‌ها کند. با چنین آماری، تهیه‌کنندگان هالیوودی اکنون شامپاین باز می‌کنند و جشن می‌گیرند اما آنچه در این میان مغفول مانده، هنر است. باربی کلاژی خوشرنگ‌ولعاب از انواع شعارهای مد روز بود و تمام تلاش خود را برای راضی کردن همه گروه‌ها انجام داد؛ از فمینیست‌ها گرفته تا حامیان حقوق مردان و حتی اگزیستانسیالیست‌ها! این شعارها حتی اندکی به زبان سینمایی ترجمه نشده بودند و در فقر فیلمنامه و کارگرانی، باربی همچون یک مقاله زرد می‌نمود. اوپنهایمر، دیگر اثر پرسروصدای سال نیز چندان کمی در شعار دادن نداشت. فیلم در جهت توجیه ساخت بمب اتم و شستن گناه اوپنهایمر حرکت می‌کرد. نولان نیز در ادامه ناتوانی‌اش در شخصیت‌پردازی، موفقیتی در ترسیم هنری شخصیت پیچیده و متناقض اوپنهایمر به دست نیاورد. دیوید فینچر دیگر کارگردان محبوبی بود که با آخرین اثرش «آدم‌کش»، هواداران خود را ناامید کرد. فیلم نه‌تنها در نزدیک شدن به کاراکتر آدم‌کش و روایت منحنی شخصیتی‌اش ناتوان بود، بلکه حتی داستان جذابی نیز نداشت تا حداقل به‌عنوان یک فیلم سرگرم‌کننده، قابل دیدن باشد. در اروپا نیز وضعیت چندان تفاوتی نداشت. «آناتومی یک سقوط» برنده جشنواره کن، فیلمنامه‌ای مهندسی‌شده داشت که با حذف عمدی برخی اطلاعات، سعی در پرداختن به مساله سوبژکتیویسم کرد. درواقع خلاصه فیلم همان است که کاراکتر مارج برگر به دنیل می‌گوید: «باید واقعیت را انتخاب کرد.» چنین فیلمنامه‌ای مانع برقراری ارتباط حسی با اثر و در عوض درگیری ذهنی و نظری مخاطب با «پیام» فیلم شده است. درنهایت فیلم به غیر از چند لحظه‌ی خوب، در انتقال مفهوم مورد نظرش ناتوان است. دیگر فیلمساز اروپایی که اثری ناامیدکننده را خلق کرد، کن لوچ بود. او که از بهترین فیلمسازان معاصر است، در آخرین اثر دوران سینمایی‌اش «بلوط پیر» به سراغ مهاجران سوری رفت تا راوی تنش‌های موجود در ارتباط با مهاجران باشد. اما لوچ نتوانست روند درخشان فیلمسازی‌اش در سال‌های اخیر را که با «اینجانب، دنیل بلیک» و «متاسفیم، خانه نبودید» به اوج رسیده بود، ادامه دهد. او در این فیلم به میزان شناخت لازم از سوژه نرسیده لذا نمی‌تواند کاراکتری عمیق خلق کند، اثرش در سطح می‌ماند و به دام شعاردادن می‌افتد. شاید مورد انتظارترین فیلم سال، «قاتلان ماه کامل» اثر مارتین اسکورسیزی با بازی لئوناردو دی‌کاپریو و رابرت دنیرو بود. اسکورسیزی بار دیگر به سراغ داستانی از تاریخ معاصر آمریکا رفت و راوی قتل‌های دهه ۱۹۲۰ در بین مردم قبیله اوسیج شد. فیلم به خوبی موفق شده است شخصیت جمعی مردم اوسیج را ترسیم کند و تماشاگر را به آنها نزدیک کند. همچنین کاراکترهای فیلم کم‌وبیش خوب معرفی شده‌اند و تماشاگر با روایت زندگی آنها همراه می‌شود. برای مثال کاراکتر مالی با بازی خوب لیلی گلدستون به خوبی ساخته شده و به‌شدت سمپاتیک است. همچنین فیلمساز به خوبی از پس ترسیم تناقض‌های درونی کاراکتر ارنست برآمده است. البته فیلم بی‌نقص نیست و در مواردی از ضعف پرداخت و مشکلات فیلمنامه‌ای رنج می‌برد. برای مثال پیچ نهایی کاراکتر ارنست مخدوش است و انگیزه ارنست برای شهادت دادن به خوبی ساخته نمی‌شود. این حفره به دلیل نپرداختن به رابطه ارنست با فرزندانش شکل گرفته است. همچنین برخی خرده‌پیرنگ‌ها در فیلم اضافی هستند و نه‌تنها به طور ناقص پرداخت شده و رهاشده باقی مانده‌اند، بلکه به کلیت داستان نیز کمکی نمی‌کنند. چنین مواردی باعث طولانی شدن بی‌دلیل فیلم شده است که حوصله مخاطب کم صبر امروزی را سر می‌برد. با این اوصاف، اسکورسیزی نتوانست یک شاهکار ارائه کند اما همچنان در بین فیلم‌های نحیف امسال، اثر او بهترین فیلم سال است. در میان این آثار پر سر و صدا، بعضی فیلم‌های کوچک‌تر اما شایسته توجه نیز اکران شدند. برای مثال فیلم «ایر» تازه‌ترین محصول همکاری مجدد زوج مت دیمون و بن افلک، فیلمی بود که برای یک بار مخاطب را سرگرم می‌کند. فیلم به قرارداد تاریخی شرکت نایکی با مایکل جوردن می‌پردازد و تا حد خوبی از پس تصویر کردن دشواری‌های انعقاد این قرارداد برمی‌آید. یا فیلم «جاماندگان» دیگر فیلم ساده و قابل دیدن امسال بود که یک موقعیت جذاب را دستمایه قرار داده است. البته هنوز تعدادی از آثار مهم سینمایی هستند که به دست مخاطبان ایرانی نرسیده‌اند. برای مثال فیلم‌های «هیولا» اثر هیروکازو کورئیدا، «بیچارگان» اثر یورگوس لانتیموس و حتی انیمه «پسر و مرغ ماهی‌خوار» اثر هایائو میازاکی، آثاری هستند که سینه‌فیل‌ها در ایران برای دیدن‌شان انتظار می‌کشند. درمجموع برنده سال سینمایی اخیر، تهیه‌کننده‌ها، کمپانی‌ها و صاحبان سالن‌های سینما بودند. آنها توانستند با اکران فیلم‌های سینمایی و حتی غیرسینمایی، مانند فیلم کنسرت تیلور سوئیفت ستاره موسیقی، درآمد هنگفتی کسب کنند. به نظر می‌رسد رکودی که از زمان انتشار ویروس کرونا در سینما به وجود آمده بود، با فروش‌های چشمگیر دو سال اخیر تا حد خوبی به فراموشی سپرده شده است. اما بازنده سال اخیر، هنر بود؛ هنری که در بین رنگ و زرق و برق فیلم‌ها و اسامی بزرگ و مرعوب‌کننده ستاره‌ها گم شد. اینکه در سالی که چندین اسم بزرگ در لیست بلندبالای آثار مورد انتظار سال خودنمایی می‌کردند، عاشقان سینما مجبور باشند با ذره‌بین دنبال اثر هنری بگردند، بسیار ناامیدکننده است. اگر در عصر طلایی هالیوود، کمپانی‌ها برای رسیدن به فروش بیشتر، اهمیت بسیاری به هنری بودن آثارشان می‌دادند، سرمایه‌داران امروزی، راهی بسیار آسان‌تر را برای کسب درآمد انتخاب کرده‌اند: کاهش سطح استاندارد سلیقه مخاطب، با بهادادن به جمله زرد «هر سلیقه‌ای محترم است» و از پس آن، فروختن هر اثر ناچیز برک‌شده‌ای به آنها. چنین روندی سال به سال بیشتر هنر را به حاشیه می‌برد و نفس سینما را می‌ستاند.

سال پربار سینما

ایمان عظیمی
منتقد

سال ۲۰۲۳ برای سینمادوستان در سراسر دنیا، سال پرباری بود و فیلم‌ها توانستند بار کیفی خود را به رخ بینندگان بکشند و برخی از آنها نیز در صدر لیست علاقه‌مندی‌های سینه‌فیل‌ها و مخاطبان جدی‌تر این صنعت-هنر قرار بگیرند. البته باید این نکته را نیز یادآور شد که سال سینمایی برخلاف سال میلادی هنوز به اتمام نرسیده و آثار کارگردانان بزرگی همچون نوری بیلگه جیلان، مایکل مان، ریدلی اسکات و آکی کوریسماکی در نوبت هستند تا مورد قضاوت مخاطبان و سینمایی‌نویس‌ها قرار بگیرند. اما داشته‌های ما برای قضاوت و بررسی موردی فیلم‌های اکران شده در سال جاری آنقدر هست که دستمان خالی نباشد و به‌واسطه آن بتوانیم پرونده آنچه گذشت را ببندیم و به انتظار تماشای فیلم‌های بعدی در سال آتی بنشینیم. امسال هم مارتین اسکورسیزی فیلم داشت و هم جان کارنی، روایتی دیگر از موسیقی و رابطه آن با بطن زندگی را به بیننده ارائه داد. آری آستر دردسرهای تمام‌ناشدنی «بو» را به تصویر کشید و کلی رایکارد به همراه جاناتان ریموند زیست فراموش‌شده انسان در عصر تکنیک را به وی یادآوری کرد. دیوید فینچر با «آدم‌کش» سرد و بی‌روحش تعداد زیادی از خوره‌های فیلم را از خود و سینمایش دلسرد کرد و تاد هینز هم با ساخت «می دسامبر» یکی از فیلم‌های مهم سال را به مخاطبانش عرضه کرد. «شعله‌ور» کریستین پتزولد نیز توانست با نگاهی آزاد و نسبتا خودانگیخته به سینمای اریک رومر طرفداران سینمای اروپا را راضی نگه دارد. اما به‌زعم نگارنده این «جاماندگان» الکساندر پین بود که با طرحی ساده و تکراری توانست رضایت جمیع سینمادوستان را به‌دست بیاورد و در اغلب نظرخواهی‌ها پرچم خویش را روی قله قرار دهد.

جاماندگان؛ جامانده‌ای از دهه ۷۰

سینمای الکساندر پین در خلال مفاهیمی که مطرح می‌کند به داستان آدم‌های تیپاخورده و دورافتاده از اصل خویش نیز به‌خوبی گرایش نشان می‌دهد. آدم‌های روایت‌های مورد علاقه الکساندر پین از دل سیاهی و تباهی راه‌شان را به سمت باریکه‌ای از نور باز می‌کنند و می‌توانند به دلخوشی‌های کوچکی که انتظارشان را می‌کشد دل خوش کنند. جاماندگان نیز ساختمان درامش را بر این اساس بنا می‌کند و دقیقا ما را با جهانی که پین علاقه‌مند به آن است مواجه می‌سازد. یک آشپز، یک معلم سخت‌گیر و یک دانش‌آموز سر به هوا مجبور می‌شوند که در طول مدت تعطیلات به هر نحوی که شده یکدیگر را تحمل کرده و راهی برای سرگرم شدنشان پیدا کنند؛ قرارگرفتن در چنین موقعیتی موجب می‌شود تا آنها رابطه‌شان با هم ترمیم شود و به شناخت بهتری نسبت به موقعیت و جایگاه‌شان دست یابند. گرمی و صمیمیتی در فیلم موجود است که رفته‌رفته تحمل مصائب زندگی را برای آدم‌های قصه تحمل‌پذیر جلوه می‌دهد و می‌تواند مخاطب را با ماجراهای خود همراه و همگام سازد. فیلم از کست بسیاری خوبی برخوردار است به‌گونه‌ای که در فصل جوایز می‌تواند لااقل حساب ویژه‌ای بر روی پل جیاماتی و دواین رندالف باز کند. جاماندگان می‌تواند رفته‌رفته جای خود را در میان مخاطبان جدی‌تر سینما به‌سبب مود و لحنی که ایشان را یاد سینمای سال‌های دهه ۷۰ میلادی می‌اندازد باز کند و تا سال‌ها در اذهان باقی بماند.

قاتلان ماه گل؛ داستان آمریکا

مارتین اسکورسیزی نامی نیست که بتوان آن را انکار کرد و جایگاه وی را در میان سینماگران برجسته دنیا به هیچ گرفت. «قاتلان ماه گل» فیلم مهمی است ولی نمی‌توان ضعف‌های آن را به بهانه اسم فیلمساز و ستاره‌هایی که در آن حضور دارند، نادیده گرفت. فیلم شروعی طوفانی، میانه‌ای خوب و پایانی ضعیف و دلسردکننده دارد و عملا سرانجام خود را به فینالی که از منظر دراماتیک هیچ نسبتی با کلیت اثر برقرار نمی‌کند گره می‌زند. آنچه در طول شکل‌گیری آمریکا صورت پذیرفته آن چیزی نیست که اسکورسیزی و طیف غالب سینمای هالیوود به آن باور دارند و این باور نداشتن را ما نیز در ردگیری آدم‌های داستان به‌وضوح مشاهده می‌کنیم. فیلمساز به‌وضوح مخاطبش را به سمپاتی با سفیدهای جنایتکار فرامی‌خواند و روایت پرغصه زیست اوسیج‌ها را در کنار جانیانی که یکی پس از دیگری آنها را حذف می‌کنند به حاشیه‌ای دور می‌برد و حماقت این قوم را پررنگ می‌کند. یکی از بدمن‌های ماجرا که نقشش را لئوناردو دی‌کاپریو بازی می‌کند در ترسیم موقعیت اسفباری که نقش در آن قرار دارد موفق عمل می‌کند و بیننده را همراه با خویش به درون مغاک می‌برد اما این همه ماجرا نیست و دیگر اجزا نمی‌توانند به همین خوبی عمل کنند و نقطه پایانی را در ست در جایی که بدان اختصاص دارد، قرار دهند. فیلم البته یکی از شانس‌های اسکار است ولی به خوبی آثار گذشته اسکورسیزی نیست؛ هرچند باید جایزه لیلی گلدستون را به‌واسطه سیاست‌های جشنواره‌ها و جشن‌های سینمایی در این سال‌ها برای وی کنار گذاشت و هیچ اعتراضی هم نسبت به آن روا نداشت، به هرحال سیاستگذاران کار خود را می‌کنند و گوششان به این حرف‌ها هم بدهکار نیست.

فلورا و پسرش؛ جعبه گوش‌نواز موسیقی

جان کارنی، واله و شیدای موسیقی است، کار چندان سختی نیست و با مروری بر آثار وی می‌توان رد پررنگ نت‌ها را جست‌وجو کرد. فیلم داستان به‌غایت ساده‌ای دارد و کلید موفقیتش هم در همین مساله نهفته است. فلورا بی‌هیچ هدفی روز را به شب می‌رساند و زندگی‌اش از هیچ فراز و فرود قابل توجهی هم برخوردار نیست، اما در یکی از پرسه‌زنی‌هایش گیتاری را پیدا می‌کند که زندگی‌اش را با تغییراتی گسترده مواجه می‌سازد. او کم‌کم یاد می‌گیرد که روابط خود با فرزندش را سر و سامان دهد و با بهره‌مندی از هدفی مشخص به آینده نگاه کند. البته باید به این نکته هم اشاره کرد که فیلم دچار مضمون‌زدگی و ساده‌انگاری نمی‌شود و اتمسفر جاری در میان روابط شخصیت‌ها و لحن فیلم، اثر را از تبدیل شدن به فیلمی معمولی و فراموش‌شدنی نجات می‌دهد. بازی ایو هیوسن در نقش فلورا روایت را سرپا نگه می‌دارد و بیننده را به پیگیری سرانجام وی در پیرنگ علاقه‌مند می‌کند. البته نمی‌توان به موفقیت اثر در فصل جوایز امیدی بست چون هیچ‌کدام از پارامترهای کسب جایزه را با خود به‌همراه ندارد و این آن چیزی نیست که نظر تصمیم‌گیران را به خود جلب کند. اما جای نگرانی نیست زیرا فلورا و پسرش می‌توانند به زیست خود ورای جوایز ریز و درشت سینمایی ادامه دهد و همچون دیگر آثار جان کارنی مخاطب خود را به‌دست بیاورد.

بلوط کهن؛ همچنان دود از کنده بلند می‌شود

در خبرها آمد که کن لوچ قصد دارد چهارگوشه میدان را ببوسد و با عالم فیلمسازی برای همیشه خداحافظی کند. خبر تلخی است ولی باید برای او خوشحال بود که توانست در تمام این سال‌ها دغدغه انسان را برای بهره‌مندی از یک زندگی عادلانه‌تر روی پرده سینما بازنمایی کند و بی‌هیچ شعاری، تنها به دراماتیزه کردن اهداف و آمال والای خود بپردازد. «بلوط کهن» بهترین فیلم او در این سال‌ها نیست اما می‌توان درک کرد که لوچ همچنان دغدغه انسان را دارد و می‌تواند به درستی آن را منعکس کند. فیلم روی موضوع اساسی سال‌های اخیر اروپا یعنی بحران حضور پناهجویان در جوامع غربی انگشت می‌گذارد و با برخورداری از یک خط روایی آشنا به زندگی یکایک مهاجران و جامعه میزبان نزدیک می‌شود. در ادامه بهتر است بگوییم که منتقدان در برخورد با بلوط کهن به دو دسته تقسیم شدند؛ عده‌ای مضمون فیلم و بازی کاراکترهای اصلی اثر را ستودند و برخی به شعارها و پایان دور از تصور فیلم تاختند. اثر اما در میانه این نظرات می‌ایستد و حرف ساده‌اش را موجز بیان می‌کند؛ خالی از شعار هم نیست ولی چون این شعارها صادقانه طرح و در متن فیلم اعمال می‌شود لاجرم بر دل می‌نشیند. کن لوچ باز هم توانایی‌اش را در بازی گرفتن از معمولی‌ها و غیرستاره‌ها به رخ می‌کشد و بی‌نیاز از هرگونه آزمایش اتمی اثری را می‌سازد که در انتقال مفهومش به مخاطب بالنسبه موفق عمل می‌کند.

بزرگ و جایزه فیپرشی را کسب کرد. هنوز نسخه خانگی فیلم منتشر نشده و نمی‌دانیم «منطقه مورد علاقه» تا چه اندازه به خاطر سوژه و مضمونش مورد توجه قرار گرفته، اما به هر نحو این فیلم یکی از شانس‌های اصلی در بخش بهترین فیلم خارجی‌زبان در جوایز اسکار است که همین الان هم در بخش‌های اصلی جوایز گلدن گلوب مثل بهترین فیلم درام نامزد شده است.

بیچارگان

یورگوس لانتیموس، فیلمساز جوان یونانی، خیلی زود توانست خودش را در سطح یکی از فیلمسازان مهم جهان جا بیندازد به طوری که هر فیلم جدیدی از او، کنجکاوی‌های فراوانی برمی‌انگیزد. لانتیموس را بیشتر به خاطر فیلم «خرچنگ» می‌شناسند که یکی از بهترین فیلمنامه‌های سال ۲۰۱۵ را داشت، اما فیلم‌های دیگری مثل «دندان نیش» و «کشتن گوزن مقدس» نیز دارد که تجربه‌هایی بس غنی و عمیق از حیث دراماتیک و نمادین هستند. «بیچارگان» یک فیلم کمدی سیاه فانتزی است که داستان زنی در دوران ویکتوریا را روایت می‌کند که پس از خودکشی توسط یک دانشمند دیوانه زنده می‌شود و به سفری ماجراجویانه می‌رود. لانتیموس این بار فیلمنامه اثرش را خودش ننوشته و از فیلمنامه اقتباسی تونی مک‌نامارا برای ساخت فیلم استفاده کرده است. اما استون که در «سوگلی» لانتیموس نیز بازی شاخصی داشت در نقش اصلی فیلم بیچارگان بازی کرده و چهره‌های دیگری مثل ویلم دفو و مارک رافلو نیز در این فیلم حضور دارند. نسخه خانگی بیچارگان هنوز منتشر نشده و سینمادوستان ایرانی مثل من فیلم را ندیده‌اند.

باربی

ترجیح می‌دادم نام این فیلم را در فهرست آثار مطرح ۲۰۲۳ قرار ندهم. باربی یک فیلم کمدی فانتزی تجاری است که در تابستان امسال همزمان با اوپنهایمر اکران شد و فروش خیره‌کننده‌ای تجربه کرد و تبدیل به پرفروش‌ترین فیلم سال شد. طبیعتا اهمیت این فیلم چه به لحاظ تجاری و چه به لحاظ فرهنگی و اجتماعی بالاست، اما چندان دل خوشی ندارم که چنین فیلمی تا این حد لااقل در محافل سینمایی و فصل جوایز مورد توجه قرار گرفته است. گرتا گرویگ فیلمساز زن جوانی است که با فیلم ساده و زیبای «لیدی برد» به شهرت رسید. او و همسرش نوآ بامباک معمولا فیلمنامه‌هایشان را مشترکا می‌نویسند و استعداد زیادی هم از خودشان نشان داده‌اند. با این حال باربی به گواهی خیلی از سینمادوستان فیلم معمول پیش‌پا افتاده‌ای است که از جذابیت‌های نوستالژیک و زیبایی‌شناختی عروسک باربی بهره گرفته و با بازی با کلیشه‌های برعکس، ذهنیتی فمینیستی را بازتاب می‌دهد. اینگونه که به نظر می‌رسد، باربی جزء شانس‌های اصلی فصل جوایز محسوب می‌شود که با سیاست‌های عجیب آکادمی اسکار در سال‌های اخیر، اصلا تعجب نخواهیم کرد اگر عنوان بهترین فیلم سال نصیب این فیلم متوسط شود.

ماموریت غیرممکن: روزشمار مرگ قسمت اول

شاید در کمتر فهرستی این فیلم قرار داده شود. با این حال به عنوان یک طرفدار پر و پا قرص سری «ماموریت غیرممکن» که تمامی قسمت‌های آن را چندین بار دیده‌ام، نمی‌توانم قسمت جدید این مجموعه را در لیست فیلم‌های مطرح سال قرار ندهم. «ماموریت غیر ممکن ۷» علاوه بر اهمیت تجاری‌اش در سال ۲۰۲۳ به نظرم فیلم درخشانی محسوب می‌شود که آنطور که شایسته بود مورد توجه قرار نگرفت. علی‌رغم آنکه معمولا فیلم‌های دنباله‌دار به تکرار و ضعف دراماتیک می‌افتند، ماموریت غیر ممکن ۷ حتی بهتر از قسمت‌های قدیمی‌اش شده و به جرات یکی از سه قسمت برتر این مجموعه است. کریستوفر مک‌کوری فیلمنامه‌نویس مطرحی است که به خاطر نوشتن «مظنونین همیشگی» اسکار گرفت و از سال ۲۰۱۵ با «ماموریت غیر ممکن ۵» یا همان «ملت یاغی» به مجموعه اضافه شد. کارگردانی دو قسمت اخیر ماموریت غیرممکن را نیز همین کریستوفر مک‌کوری برعهده داشته است که هر دو جزء بهترین قسمت‌ها بوده‌اند. قرار است ادامه داستان قسمت ۷ را هم سال آینده ببینیم و احتمالا پرونده این فرنچایز محبوب برای همیشه بسته خواهد شد. ویژگی برجسته ماموریت غیرممکن ۷ این بود که به سراغ موضوع هوش مصنوعی رفته و نگرانی‌های امنیتی و سیاسی نسبتا تازه‌ای که با پیشرفت فناوری هوش مصنوعی به وجود آمده در این فیلم به صورت جدی مطرح شده است. این داستان قطعا هر مخاطبی را میخکوب می‌کند و تام کروز، این ستاره بلامنازع سینمای اکشن هم کماکان حتی در ۶۰ سالگی، می‌درخشد و آمادگی بدنی‌اش همه را شگفت‌زده می‌کند.

مایسترو

بردلی کوپر در چند سال اخیر به کارگردانی علاقه نشان داده و فیلم «ستاره‌ای متولد شده است» را در سال ۲۰۱۸ ساخت که مورد توجه قرار گرفت. او در تجربه جدیدش به سراغ زندگی آهنگساز بزرگی به نام لئونارد برنستاین رفته است. «مایسترو» در جشنواره ونیز رونمایی شد و آنجا نامزدی جایزه بهترین شیر طلایی را تجربه کرد. تاکنون نیز بازخوردهای مثبتی درباره این درام زندگی‌نامه‌ای ثبت شده که تا نسخه خانگی‌اش در دسترس قرار نگیرد نمی‌توانیم درباره آن قضاوتی بکنیم. خود بردلی کوپر و کری مولیگان ستارگان مایسترو هستند و به نظر می‌رسد که تمرکز فیلم بر داستان ازدواج برنستاین است. هم‌اکنون مایسترو در بخش‌های اصلی جوایز گلدن گلوب از جمله بهترین فیلم درام، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر مرد نقش اصلی و بهترین بازیگر زن نقش اصلی، نامزد شده است. شاید این نکته هم کنجکاوی برانگیز باشد که استیون اسپیلبرگ و مارتین اسکورسیزی هم جزء تهیه‌کنندگان فیلم هستند.

فراری

فیلم جدید مایکل مان در جشنواره ونیز امسال رونمایی شد. مایکل مان یکی از فیلمسازان پیشکسوت سینمای اکشن است که به خاطر فیلم درخشان «مخمصه» شهرت دارد. «فراری» یک فیلم زندگی‌نامه‌ای دلهره‌آور ورزشی است که به زندگی انزو فراری (بنیان‌گذار ایتالیایی خودروهای فراری) می‌پردازد و ماجرای مسابقات میلی میگلیا در سال ۱۹۵۷ را نمایش می‌دهد. ابتدا قرار بود کریستین بیل در نقش انزو فراری بازی کند، سپس هیو جکمن برای این نقش وارد مذاکره شد اما نهایتا قرعه به نام آدام درایور افتاد که در این فیلم به همراه پنه‌لوپه کروز و شیلین وودلی بازی کرده است. فراری در همین روزها قرار است اکران شود و نسخه خانگی آن هم طبیعتا چند ماه دیگر در دسترس قرار خواهد گرفت، با این حال دیدن چنین فیلمی قاعدتا کنجکاوی برانگیز خواهد بود، حتی اگر در فصل جوایز به آن توجه نشود.

پریسیلا

سوفیا کوپولا دختر فرانسیس فورد کوپولای معروف، دست‌کم دو دهه فعالیت حرفه‌ای در عرصه فیلمسازی دارد که فیلم «گمشده در ترجمه» با بازی اسکارلت جوهانسون، بیش از دیگر آثارش مورد توجه واقع شده است. سوفیا کوپولا امسال فیلم «پریسیلا» را منتشر کرد که درباره زندگی پریسیلا پریسلی با موسیقی‌دان و چهره مطرح پاپ در دهه ۷۰ میلادی، الویس پریسلی است.
طبیعتا پریسیلا هم یک فیلم زندگی‌نامه‌ای است که مثل دیگر آثار زندگی‌نامه‌ای این سال‌ها، از روی یک رمان اقتباس شده است. پریسیلا نیز در جشنواره ونیز رونمایی شد و بازخوردهای مثبتی هم گرفت و بازیگر زن نقش اصلی آن (کیلی اسپینی) در همان جشنواره جایزه گرفت. این فیلم نیز هنوز نسخه خانگی‌اش نیامده و نمی‌دانیم تا چه اندازه تجربه درخشانی از آب درآمده است اما به هر حال نامش به عنوان یکی از فیلم‌های مطرح ۲۰۲۳ مطرح شده است.

۴۰ درصد از مردم دنیا چه سینمایی را دوست دارند

مریم فضائلی
خبرنگار

در سال‌های فراگیری کرونا به دلیل بسته شدن سالن‌های سینما، فروش جهانی فیلم‌ها با ضرر میلیارد دلاری مواجه شد. بسیاری از فیلم‌های پرفروش که در ابتدا قرار بود تا اواسط مارس ۲۰۲۰ اکران شوند، در سراسر جهان به تعویق افتاد یا لغو شدند و تولید فیلم نیز متوقف شد. در گزارش پیش‌رو سراغ دو کشور مهم در سینمای جهان رفتیم؛ سینمای هند و سینمای چین که نمونه‌های موفقی در صنعت سینما برای بازگشت به روزهای اوج خودشان هستند. ضمن اینکه هرکدام از این دو صنعت سینما در کشورهای جهانی با فرم و شمایل خاص خودشان شناخته می‌شوند. علاوه بر این چین و هندوستان ۳۶ درصد از جمعیت جهان را دارند و این تاثیر بسیاری روی گیشه فیلم‌ها می‌گذارد.

کلید موفقیت با ژانر اکشن

وقتی به آمارهای فروش و میزان مخاطبان سینمای هند نگاه می‌کنیم متوجه خواهیم شد که سینمای بالیوود همچنان برای هوادارانش جذاب است. پس از دو سال فراگیری کرونا و رکود سالن‌های سینما، که بالیوود هم در وضعیت خوبی به سر نمی‌برد، هندی‌ها موفق شدند با فیلم‌هایی همچون «سرباز»، «پاتان»، «حیوان»، «شورش۲» و... تماشاگران را به سالن‌های سینما بیاورند. فیلم سینمایی سرباز داستان مردی است که با انگیزه انتقام شخصی به دنبال اصلاح جامعه است. نقش اصلی این فیلم را شاهرخ خان بازی می‌کند و می‌توان گفت که حضور این سوپراستار بالیوود باعث فروش بیشتر این فیلم شده است. «پاتان» در ژانر اکشن و درام داستان اختلاف بین هند و پاکستان است و نشان می‌دهد که این جدال تاریخی دو کشور، همچنان برای هندی‌ها جذابیت خاص خودش را دارد. فیلم سینمایی حیوان و شورش۲، به ترتیب سومین و چهارمین فیلم‌های اکشن در این سینما هستند که در هند به فروش بالایی رسیده‌اند. سینمای هند در سال ۲۰۲۳، به فروش بیش از ۱۰ هزار کرور روپیه در سال رسید و رشد چشمگیری نسبت به سال قبلش را تجربه کرد. گیشه سینمای هند در سال ۲۰۲۲، توانست ۲ هزار کرور روپیه به دست بیاورد و این رشدی چهاربرابری نسبت به سال قبل است.

نقطه‌عطف چینی

چین که مبدأ پیدایش کرونا در دنیا شناخته می‌شود، توانست با سرعت نسبتا زیادی، بعد از دو سال سینمای خودش را به نقطه مطلوبی برساند. باکس‌آفیس چین به نقطه‌عطف ۵۳ میلیارد یوان (۷ میلیارد و ۴۷۰ میلیون دلار) رسید و به قبل از دوران کرونا بازگشت. با دور شدن از روزهای فراگیری کرونا در چین و در اوایل ژانویه سال جاری، بازار فیلم چین شروع خوبی داشت و این روند صعودی فروش در سال نو چینی ادامه یافت. در ۳۱ ژانویه امسال، درآمد باکس‌آفیس در سراسر کشور چین از ۱۰ میلیارد یوان گذشت که سریع‌ترین صعود به این نقطه‌عطف در تاریخ بازار فیلم چین محسوب می‌شود. بنا به گزارشی که اخیرا منتشر شده، تا ۱۷ اکتبر، تعداد تخمینی تماشاگران چینی در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۷۰ میلیون نفر بوده است. پیش‌بینی می‌شود تا پایان سال این رقم از مجموع ۵۳۰ میلیون سال ۲۰۱۹ فراتر رود. همانطور که داده‌های پایگاه داده فیلم چین نشان می‌دهد، درآمد ۵۵ فیلم در سال ۲۰۲۳ از ۱۰۰ میلیون یوان فراتر رفته است که ۳۷ فیلم تولید داخلی بوده است. از فیلم‌های پرطرفدار سینمای چین در سال ۲۰۲۳ می‌توان، به فیلم سینمایی «زمین سرگردان۲» اشاره کرد. این فیلم در گونه علمی‌تخیلی تعریف می‌شود و در گیشه جهانی به فروش ۵۷۲ میلیون دلاری رسیده است. تریلر جاسوسی «شمشیر پنهان» هم در رتبه دوم فیلم‌های پرفروش امسال چین قرار دارد. داستان این فیلم مربوط به جنگ جهانی دوم است و رشد چین تحت نظر رهبری حزب کمونیست چین را روایت می‌کند.

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

ادامه از صفحه ۱۲

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

حسین درودیان و محمدرضا یزدی‌زاده از دلایل رشد نامتعارف قیمت مسکن می‌گویند

حقوقی‌ها زمین می‌خرند خانه گران می‌شود

مهدی عبداللهی- پانیذ رحیمی
گروه اقتصاد

بیش از دو سال از تصویب قانون جهش تولید مسکن می‌گذرد. در این قانون، مجلس به دولت تکلیف کرده بود زمینه ساخت سالانه یک میلیون واحد مسکن را فراهم کند. همچنین طبق تکلیف قانون مذکور، بانک‌ها نیز برای تامین مالی آن باید حدود ۲۰ درصد از تسهیلات خود را به بخش مسکن اختصاص می‌دادند. گرچه آمار رسمی دقیق از میزان پیشرفت ساخت‌وسازهای نهضت ملی مسکن قابل دسترس نیست، اما گزارش‌های بانک مرکزی از وضعیت تسهیلات‌دهی برای نهضت ملی مسکن یک واقعیت تلخ را نشان می‌دهد. درحالی‌که مجلس سهم ۲۰ درصدی را برای تسهیلات‌دهی به بخش مسکن تعیین کرده بود اما در دو سال اخیر این مقدار به بالاتر از ۵٫۵ درصد نرسیده است. اینکه چرا نهضت ملی مسکن تا امروز نتوانسته به اهداف خود برسد موضوعی است که کارشناسان اقتصادی از ابتدا نسبت به آن هشدار دادند. در همین خصوص «فرهیختگان» در گفت‌وگوی مفصل خود با حسین درودیان، اقتصاددان و مدرس دانشگاه و محمدرضا یزدی‌زاده، اقتصاددان به این سوال پاسخ می‌دهد که نوع و نحوه مواجهه دولت با موضوع مسکن چگونه باید باشد. همچنین مهم‌ترین معضل در بخش مسکن چیست؟ آیا مسکن از تورم عمومی تبعیت می‌کند یا نرخ ارز؟ اگر قرار باشد دولت به مهم‌ترین شاخص در حوزه مسکن بپردازد، آن شاخص اثرگذار کدام است. آن‌طور که این دو کارشناس می‌گویند، در چهار سال اخیر در کشور اتفاق بی‌سابقه‌ای رخ داده و این امر افزایش قیمت دلاری مسکن در دوره جهش ارز است. به عبارتی، درحالی‌که در دوره‌های قبلی جهش ارزی مثل سال‌های ۷۲ تا ۷۴ یا سال‌های ۹۱ و ۹۲، زمانی که رشد نرخ دلار بالا بود قیمت دلاری مسکن پایین می‌آمد، اما طی چهار سال اخیر قیمت دلاری مسکن به بالاترین مقدار ۱۳ سال اخیر رسیده است. کارشناسان می‌گویند این اضافه پرش، از ناحیه زمین اتفاق افتاده است، موضوعی که حتی باعث شده احتکار زمین به ساخت مسکن بچربد.

آقای درودیان، مسکن‌سازی دولت (طرح زمین صفر مثل مسکن مهر، اقدام ملی مسکن و نهضت ملی مسکن) چه مشکلی دارد؟ چرا دولت به‌رغم تلاش‌هایی که داشته نتوانسته پاسخ مناسبی به مساله تقاضای مسکن بدهد؟

حسین درودیان مساله اصلی حوزه مسکن در کشور افزایش شدید قیمت است. اثر این موضوع در هزینه اجاره بها در املاک تجاری و مسکونی بیشتر خود را نشان می‌دهد به‌طوری‌که به یک موتور فشار هزینه بسیار قوی تبدیل می‌شود و قیمت تمام‌شده همه چیز را با توجه به نقش و اهمیتی که دارد، تحت تاثیر قرار می‌دهد. در نهایت این مهم بر زندگی مردم تاثیر می‌گذارد. بخشی از افزایش قیمت مسکن به‌دلیل افزایش قیمت ارز است. در اقتصاد کشور، قیمت ارز در نهایت کم و بیش تمام قیمت‌ها را با خود حرکت می‌دهد. عموم قیمت‌ها از قیمت ارز تبعیت می‌کنند صرف‌نظر از اینکه تقاضا دارند یا ندارند. به عبارتی بدون اینکه قانون و قاعده‌ای رسمی برای دلاری‌سازی وجود داشته باشد، این موضوع به‌صورت کاملا نانوشته و عرفی در ذهن مردم جاافتاده که مرجع تعیین قیمت‌ها قیمت ارز و دلار است. در ایران بالغ بر ۱۰ سال است که با افت و خیز شدید و تنش ارزی جدی روبه‌رو هستیم. در ۴ سال اخیر در کشور اتفاق بی‌سابقه‌ای رخ داده و این امر افزایش قیمت دلاری مسکن در دوره جهش ارز است. در دوره‌های قبلی جهش ارزی مثل سال‌های ۷۲ تا ۷۴ یا سال‌های ۹۱ و ۹۲، زمانی که رشد نرخ دلار بالا بود قیمت دلاری مسکن پایین می‌آید. یعنی قیمت مسکن از ارز در آن مقطع جا می‌ماند چون تنش ارزی داریم و قیمت ارز شدید بالا می‌رود و قیمت مسکن متناسب با آن افزایش پیدا نمی‌کرد. در سال‌هایی که قیمت ارز ثابت است مثل دهه ۸۰، قیمت مسکن به‌واسطه تورم عمومی و افزایش قیمت مصالح افزایش می‌یابد. بعد از سال ۹۷ در عین تنش ارزی و جهش نرخ ارز، قیمت دلاری مسکن بالا رفته یعنی قیمت مسکن از قیمت ارز پیشی گرفته است. پس صرفا نمی‌توان گفت چون ارز گران شده این اتفاق افتاده است. قیمت مسکن بیش از ارز افزایش یافته است. قصه در اصل، به افزایش قیمت زمین بازمی‌گردد. یک نظریه در حوزه اقتصاد مسکن می‌گوید قیمت زمین در کلانشهرها با توجه به کاهش موجودی زمین با نرخ فزاینده افزایش پیدا می‌کند. درواقع با گذشت زمان تعداد خانه‌های کلنگی و قدیمی کاهش پیدا می‌کند و با درنظر داشتن نرخ کاهنده موجودی زمین و افزایش تقاضا در نهایت به افزایش قیمت منجر می‌شود. لذا شما هیچ چاره‌ای ندارید جز اینکه در درجه اول اقدامی برای سمت عرضه انجام دهید.

با فرض اینکه تقاضا ثابت باشد که اینطور نیست و متغیرهایی مانند نقدینگی، جمعیت و... روند صعودی دارند، موجودی زمین کلانشهر محدود و رو به کاهش است. این موضوع منجر به افزایش شدید قیمت مسکن می‌شود. براساس آمار نرخ رشد زمین در سال‌های اخیر از رشد قیمت مسکن پیشی گرفته است. مرکز آمار و بانک مرکزی طی اعلام یک شاخص قیمت هزینه ساخت یک متر مربع مسکن را اعلام می‌کند، اگر این عدد را در صورت و قیمت مسکن را در مخرج بگذارید، می‌توانید سهم هزینه ساخت در قیمت هر متر مسکن در ایران را محاسبه کنید. بر این اساس قیمت هر متر مسکن در ایران به‌صورت میانگین ۸۰ میلیون تومان است که ۱۰ درصد از هزینه مسکن مربوط به هزینه ساخت است. این عدد در سال ۷۱ حدود ۲۲ درصد، در سال ۷۷ حدود ۲۷ درصد و در دهه ۸۰ حدود ۱۸ درصد بوده است. اکنون ۱۰ درصد از قیمت یک واحد مسکونی را می‌توان با هزینه ساخت توضیح داد. پیش از این گفته می‌شد افزایش قیمت مسکن به نرخ سیمان، فولاد و... در بورس کالا مربوط می‌شود. مگر این مصالح چقدر تاثیرگذار هستند؟ سهم آنها چقدر است؟ ۹۰ درصد هزینه ساخت یک واحد مسکونی به هزینه‌هایی غیر از مصالح مربوط می‌شود. کلانشهرها پیشران‌هایی در قیمت دارند که در اقتصاد، شاخص مرجع نامیده می‌شود. در حوزه مسکن، تهران مرجعیت دارد؛ یعنی جایی که بیشترین فشار کاهش موجودی زمین را شاهد است. از سوی دیگر نیز باید عوامل کنترل تقاضا علی‌الخصوص در زمینه سفته‌بازی داشته باشیم. نیاز است برای عرضه زمین اقداماتی صورت گیرد. منظور من از عرضه زمین، عرضه بافت مسکونی جدید است.

اکنون تورم عمومی اختلاف ۳۰ درصدی با رشد قیمت بخش مسکن دارد. گفتید اضافه پرش از مواردی همچون قیمت زمین است. سفته‌بازی هم در بازار مسکن داریم. این امر از کجا نشأت می‌گیرد؟

شاخص تورم قیمت مسکن، مربوط به اجاره‌بهای مسکن است. تورم تغییرات شاخص کالا و خدمات مصرفی رانگاه می‌کند و وجه مصرفی مسکن اجاره‌بها و اجاره‌نشینی است. قیمت خرید و فروش مسکن در تورم محاسبه نمی‌شود. در ایران طی سال‌های اخیر به‌واسطه افزایش شدید قیمت مسکن، اجاره‌بها با تاخیر افزایش پیدا کرده است، چون اجاره به درآمد مردم بستگی دارد ولی قیمت خرید و فروش مسکن وجه سفته‌بازانه دارد و به ثروت آدم‌های ثروتمند وابسته است. اجاره‌بها باید به نحوی باشد که کارگر بتواند اجاره پرداخت کند، در نتیجه نمی‌تواند در یک دوره کوتاه جهش چندانی پیدا کند. اکنون می‌توان گفت اثر افزایش قیمت مسکن بر اجاره‌بها تخلیه نشده است، در یک سال اخیر تورم اجاره‌بهای مسکن حدود ۸۰ درصد است. اگر قیمت مسکن در ایران تا دو سال آینده متوقف شود، همچنان شاهد افزایش قابل توجه در اجاره‌بها و در نتیجه تورم خواهیم بود.

آقای دکتر یزدی‌زاده، بسیاری از کارشناسان مساله زمین را عامل فشار در حوزه مسکن می‌دانند. طرح دولت نیز در زمینه عرضه زمین بود. به‌نظر شما چرا دولت در نهضت ملی مسکن به‌رغم زحمات زیاد، نتوانسته به اهداف اولیه طرح برسد؟

محمدرضا یزدی‌زاده بحث زمین به‌عنوان یکی از علل افزایش ملک خود معلول یک فرآیند دیگر است. اکنون با پدیده افزایش قیمت مسکن مواجه شده‌ایم. علت این موضوع عدم‌تناسب میان عرضه و تقاضا عنوان می‌شود. در تئوری‌های اقتصاد گفته می‌شود مهم‌ترین عامل موثر بر تقاضا، قیمت است. من به این موضوع معتقد نیستم. تقاضا تابع قدرت خرید است. یعنی شرط لازم تحقق تقاضا درآمد است، نه قیمت! قیمت باعث انتخاب می‌شود. من تا پولی در جیب نداشته باشم در بازار نمی‌روم که خرید کنم ولی وقتی پول در جیبم بود و به بازار رفتم، قیمت تعیین می‌کند کدام را بخرم. قیمت شرط کافی است، شرط لازم نیست. مهم‌ترین عامل در تقاضا قیمت نیست، بلکه درآمد یا قدرت خرید است. ملک هم همین‌طور است، اگر با این دید به این نگاه کنیم آیا قدرت خرید مردم بالا رفته که قیمت ملک بالا رفته و تقاضا افزایش یافته است یا دلایل دیگری وجود دارد؟ در اجزای تقاضا برای ملک، چند نوع تقاضا وجود دارد. یک نوع تقاضای ضروری است. ضرورتا من وارد بازار ملک می‌شوم چون نیاز دارم یا باید اجاره کنم یا باید منابع مالی خود را جمع کنم و ملکی را خریداری کنم. این بخشی از تقاضا است. آیا این بخش از تقاضا می‌تواند چنین افزایش قیمت‌هایی را ایجاد کند؟ قطعا اینچنین نیست چون قدرت خرید مردم آنقدر افزایش پیدا نکرده که بتواند چنین تحرکی را در تقاضا ایجاد کند که یک پیامد رشد قیمتی ۸۰ درصدی برای ما داشته باشد یا رشد هزار برابری در ۲۰ سال اخیر داشته باشد. مسلما اینچنین نیست و قدرت خرید مردم چنین رشدی را هیچ‌گاه نداشته است.

علل رشد قیمت، متاثر از تقاضاهای سرمایه‌گذاری، بورس‌بازی، لوکس‌گرایی و... است که باعث این افزایش شده است. این تقاضا از کجا ناشی می‌شود؟ این تقاضا از یک دهک جامعه نه، بلکه از نیم دهک جامعه حادث می‌شود. یعنی نیم دهک جامعه پول مازاد دارد، در ملک سرمایه‌گذاری می‌کند، قیمت ملک را بالا می‌برد و باعث تورم کلی می‌شود. درنتیجه قیمت زمین نیز به تبع آن بالا می‌رود. زمین ساخته نشده یا خانه‌های کلنگی، موارد بسیار مناسب برای سرمایه‌گذاری هستند پس مشکل از اینجا حادث می‌شود. مساله عرضه نیز مهم است اما عرضه می‌تواند تاثیر بسیار بلندمدت و زیرساخت‌های خاصی را داشته باشد. برای حل مساله تقاضا در بازار مسکن باید اجزای این تقاضا را شناسایی، تفکیک، برخورد و آن را مدیریت کنیم تا درنهایت قیمت‌ها کاهش پیدا کند.

چرا قیمت ملک بیش از ارز افزایش پیدا می‌کند؟ دلیل کاملا روشن است. چون سرمایه‌گذاری از طریق خرید ملک بدون کنترل دولت است. من عامل دیگر را ساختار قوانین اقتصادی می‌دانم. فرضا امروز ملک را می‌خرم، آیا ورود سرمایه من به حوزه ملک به معنای تخصیص سرمایه من به این بخش است؟ خیر. من همین ملک را بلافاصله در رهن بانک می‌گذارم و به قیمتی که خریداری کردم به بانک می‌دهم و اگر قدری ارتباط داشته باشم می‌توانم ۱٫۵ تا ۲ برابر قیمت بگذارم و به بانک بدهم. یعنی ۷۰ درصد، دو برابر پولی که دادم از بانک بگیرم. با این کار اولا با سرمایه‌گذاری، سرمایه خود را به ملک تبدیل کرده و سپس بهره بانکی ۲۵ درصد دریافت کرده‌ام. مطمئنا قیمت ملک من بیش از ۲۵ درصد افزایش قیمت خواهد داشت. این موضوع منجر به افزایش تقاضا و احتکار ملک و مسکن که مختص ۵ درصد جامعه است، می‌شود. طی این فرآیند، فرد سرمایه‌گذار، دردسر ساخت‌وساز را هم تحمل نمی‌کند. با در نظر داشتن این مهم که هزینه ساخت به ۱۰ درصد رسیده، ساخت‌وساز معقول نیست. با سرمایه‌گذاری در خرید مسکن، عملا در کالایی سرمایه‌گذاری کردید که سرمایه شما را قفل نمی‌کند، می‌توانید بلافاصله پول خود را بازگردانید و در بخش دیگری هزینه کنید، ریسک صفر و سود معاف از مالیات و سود بسیار بالاتر از مواقع و کالاهای دیگر دارد. این جذابیت سبب می‌شود ۵ درصد جامعه که درآمد مازاد و ثروت دارند، پول خود را به این بازار سوق دهند. فرید من مبحثی را درباره تابع تقاضا مطرح می‌کند. تقاضای پول یا نقدینگی به یک سری کالاها اختصاص دارد، یعنی من پولم را بین یک سری دارایی تقسیم می‌کنم. این دارایی‌ها را به‌گونه‌ای در اینها تخصیص می‌دهم که بازدهی دارایی‌ها یکسان شود و تا زمانی که این میزان یکسان نشده به آن بخشی که بازدهی بیشتری دارد، پول بیشتر اختصاص می‌دهم. وقتی در بخش ملک وارد می‌شوید، حد یقف ندارد. یعنی هرچه تقاضا بیشتر وارد می‌شود چون محدودیت عرضه دارید، قیمت بالاتر می‌رود و جذب نقدینگی را بیشتر می‌کند. بنابراین پدیده‌ای که ملک با آن مواجه است تقاضای سرمایه‌گذاری، تقاضای بورس‌بازی، تقاضای امثالهم در این بازار است که روزبه‌روز این را تشدید می‌کند.

شما نمی‌توانید این موضوع را با افزایش عرضه از طریق توسعه محدوده شهری حل کنید. چقدر می‌خواهید عرضه دهید که این حجم نقدینگی که در این بازار وارد شده - امروز بحث این است که می‌گوییم ۵ برابر سرمایه‌ای که کشور برای خلاص شدن از خام‌فروشی نیاز دارد، در ملک اضافه آمده است و تراکم کرده- را کنترل کنید؟ نمی‌توانیم این کار را کنیم. از طرف دیگر توجه بفرمایید ماهیت کالاهای سرمایه‌ای با کالای مصرفی و کالای ضروری کاملا متفاوت است. تقاضای کالای سرمایه‌ای را می‌توان در وهله اول با کاهش امتیازات و بازدهی آن کاهش داد و در وهله دوم با تداوم این سیاست‌ها، تقاضاهای صورت‌گرفته قبلی که منجر به احتکار ملک شده‌اند، خود به عرضه تبدیل می‌شوند. ما متاسفانه در سیاست‌های مسکن اشتباهات زیادی داشته‌ایم برای مثال مسکن مهر را برای قشر خاصی می‌سازیم ولی به آنها اجازه فروش می‌دهیم. فرد ملک را می‌خرد و بلافاصله به صاحب سرمایه می‌فروشد. درنتیجه بخشی که قرار بود افزایش قیمت نداشته باشد و دولت به آن زمین رایگان اختصاص داده بود دچار رانت می‌شود. اگر مسکن مهر یا مسکن ملی می‌سازم باید بگویم این مسکن را به شما می‌دهم که در آن سکونت کنید. اگر خواستید بفروشید باید به کسی که شرایطی مانند شما دارد بفروشید و آن فرد متقاضی را من تعیین و تایید می‌کنم. بنابراین اگر ما بخواهیم مشکل را حل کنیم، چه زمین و چه مسکن ساخته شده، می‌بایست ابتدا در زمینه تقاضا اقدام کنیم و این تقاضاها را از هم جدا کنیم. نیاز است در فاز اول تقاضاهای غیرضروری را تحدید کنیم، در فاز دوم تقاضای لوکس‌گرایی که به سمت خانه‌های بزرگ می‌رود را تحدید کنیم تا بتوانیم مشکل بازار مسکن را حل کنیم. یعنی بازار مسکن را برای کسانی بگذاریم که متقاضی واقعی هستند و برای سرمایه‌گذاری وارد آن نشده‌اند. در این صورت مشکل مسکن حل می‌شود.

ابزار این کار چیست؟

محمدرضا یزدی‌زاده دولت حتی اگر مدعی است که نمی‌تواند بخش خصوصی را کنترل کند، ساختار خود را که می‌تواند کنترل کند. زور دولت به بخش خصوصی نمی‌رسد یا زور دولت به خودش هم نمی‌رسد؟ دولت می‌تواند اعلام کند بانک‌ها حق ندارند در یک برنامه زمان‌بندی‌شده ملک مسکونی را به‌عنوان وثیقه قبول کنند. همین اقدام تاثیر مهمی در حوزه تقاضای ملک می‌گذارد و می‌تواند مالیات عایدی بالا بر املاک مسکونی متعلق به شرکت‌های بخش عمومی (دولتی، بنیادها، صندوق‌ها و شرکت‌های بانک‌ها) را اجرایی کند.

مشکل زمین هم وجود دارد.

محمدرضا یزدی‌زاده بله، شما به‌عنوان دولت می‌توانید بگویید کسانی که به‌عنوان وثیقه ملک گذاشته‌اند، یک سال فرصت دارند تسویه و وثیقه‌های دیگری را جایگزین کنند. با این اقدام یک تقاضای عمده ملک حذف می‌شود. دومین اقدام این است که برای زمین خالی در اراضی شهری یا خانه‌های ویلایی که در محدوده شهرهای بزرگ وجود دارد مالیات بر عایدی سرمایه سنگین تعیین شود، درنتیجه این اقدامات کسی بعد از این احتکار نمی‌کند یا باید بسازد یا باید بفروشد. موقع فروش هم مشکل دارد، چون هر کسی ملک او را خریداری نمی‌کند.

از آنجا که تورم بلندمدت در ایران بالاست و مالیات عایدی سرمایه همیشه یک سقف مشخص زمانی دارد، اگر کسی خواست ملک و زمین را بلندمدت نگه دارد چه کنیم؟

محمدرضا یزدی‌زاده هر آنچه نصیب شما شود باید ۹۰ درصد آن را به‌عنوان مالیات پرداخت کنید.

ادامه در صفحه ۱۵

می‌توانند ۱۵-۱۰ سال نگه دارند و مشمول نشوند؟

محمدرضا یزدی‌زاده شما به اشتباه بزرگ در طراحی مالیات بر عایدی سرمایه درباره مل، اشاره کردید. مجلس توجه نکرد که مشکل ملک خرید و فروش مکرر آن نیست، مشکل احتکار ملک است و در نظام صحیح، اگر کسی ۱۰ سال نگه دارد، روزی که فرد قصد فروش داشت باید ۹۰ درصد را به‌عنوان مالیات پرداخت کند. هیچ سرمایه‌گذاری این ملک را نگهداری نمی‌کند.

در دنیا این مالیات وجود دارد و در ایران هم می‌گذارند ولی هرچه مدت زمان طولانی‌تر باشد نرخ پایین‌تر می‌آید. منظورم این است پایه دقیق‌تر می‌تواند مالیات بر ملاکی باشد.

محمدرضا یزدی‌زاده متاسفانه این طرح به نفع ملاکان شد و قرار نبود این‌طور باشد. در مجلس تلاش زیادی شد تا مالیات عایدی سرمایه را اخته و ابتر کنند و کردند. مشکل ملک نگهداری و احتکار است، سفته‌بازی نیست. مشکل ملک مثل مشکل خودرو نیست. مجلس می‌گوید هرچه بیشتر ملک را نگه دارید مالیات کمتر از شما دریافت می‌کنم. همچنین می‌گوید نرخ مالیات عایدی سرمایه معادل فعالیت تولیدی است و بعد می‌گوید چراکه آمریکا هم ۲۵ درصد است، همه چیز ما شبیه آمریکاست و فقط همین مورد باقی مانده است. باید توجه داشته باشید که ۲۵ درصد در آمریکا مالیات مازاد بر حداکثر نرخ مالیات بر درآمدی است که ۵۰ درصد است، یعنی ۷۵ درصد است. از قبل کل درآمدی که در آمریکا مشمول عایدی می‌شده، مشمول مالیات هستند. مگر می‌شود در آمریکا درآمدی داشته باشید که مشمول مالیات نشود؟ از ابتدا بوده است. می‌گوید همه اینها مشمول درآمد ۵۰ درصد تا ۶۰ درصد هستند، جدای از این اگر روی این سه، چهار کالا رفته باشید ۲۵ درصد دیگر هم می‌گیرم. بعد مجلس ما می‌گوید اینها ۲۵ درصد می‌گیرند و ما هم باید ۲۵ درصد قرار دهیم. اینها ناشی از نادانی نیست، یعنی نمی‌توانید بگویید اینها ناشی از نادانی است، اینها منافع شخصی، منافع گروهی، منافع پدرخواندگی است که کار را به اینجا می‌رساند. زور دولت به شرکت و بانک دولتی که می‌رسد. به بانک‌ها بگویید هرچه اموال دارید و شرکت‌های بخش عمومی هرچه اموال مسکونی دارند مشمول عایدی ۹۰ درصد می‌شود. چه حجم عظیمی از املاک وارد بازار می‌شود؟ قیمت ملک می‌تواند بالا بماند؟

بخش زیادی برای بخش خصوصی است.

محمدرضا یزدی‌زاده بخش خصوصی هرچه دارد پول آن را دریافت کرده و سند را به وثیقه گذاشته است. کافی است اعلام شود یک‌سال فرصت دارید این وثیقه را جایگزین کنید. نه به‌صورت تدریجی، بلکه سال اول ۵۰ درصد و سال دوم ۵۰ درصد باقی‌مانده را باید جابه‌جا کنید. نیاز است اعلام شود شرکت‌های بخش عمومی، دولت، شهرداری‌ها و... اموال مسکونی تحت هر عنوانی که دارند از الان در ترازنامه مشمول ۹۰ درصد عایدی می‌شود. من ملک را می‌خرم، چون می‌توانیم وثیقه بگذارم و پول آن را بگیرم. اگر این اجازه را نداشته باشم، دست نگه می‌دارم. در اقتصاد متاسفانه دو دیدگاه داریم که یک عده می‌گویند بازار رها باشد و اسم آن را لیبرالیسم گذاشته‌اند که هر کسی هر کاری کرد، مشکلی نیست و یک عده می‌گویند دولت باید قیمت‌گذاری کند. این دو روش، هر دو اشتباه است. آنچه باید در اقتصاد اتفاق بیفتد، این است که اگر در یک بخش پدیده تورم بخشی وجود دارد، باید عرضه و تقاضا مدیریت شوند. حذف تقاضای غیرضروری از بازار ملک سبب تغییر قیمت‌ها می‌شود. مشکل مسکن با قانون دولت و مجلس حل نمی‌شود. ما قانون گذاشتیم که یک‌میلیون مسکن بسازیم، باید افرادی که خلاف قانون عمل کرده‌اند و موجب عدم تحقق ساخت یک‌میلیون واحد مسکن شده‌اند شناسایی شوند. چرا دولت اجازه می‌دهد شرکت‌های بخش عمومی در احتکار ملک نقش داشته باشند؟ اگر دل‌تان برای مردم می‌سوزد صبح یک مالیات عایدی سرمایه در شورای سران قوا تصویب کنید. این شرکت‌ها دولتی است و یک درصد سهام دولتی هم داشته باشد باید مالیات عایدی سرمایه پرداخت کند. ملک ویلایی در شهرهای بزرگ، بالای ۲۵۰ هزار متر مشمول عایدی سرمایه سنگین است. فرد این ملک را نگهداری نمی‌کند. در تهران خانه‌های بالای پنج‌هزار متر بسیاری وجود دارد. چرا مالک این ملک را نگه داشته است؟ اگر به پول نیاز داشته باشد وثیقه می‌گذارد و وام دریافت می‌کند. قیمت ملک او هم افزایش پیدا می‌کند.

درزمان فروش می‌توان مالیات عایدی سرمایه را دریافت کرد؟ بسیاری معتقدند ما باید سالیانه مالیات املاک را بدون درنظر داشتن زمان فروش در راستای جلوگیری از احتکار (مالیات سالانه بر ملاکی) دریافت کنیم.

محمدرضا یزدی‌زاده این موضوع مربوط به مالیات عایدی بر فروش است.

پس من می‌توانم ملک خود را نگه دارم؟

محمدرضا یزدی‌زاده نگه دارید. سرمایه‌گذاری و احتکار ملک، بازده کنونی را نخواهد داشت و این تغییر رفتار، ایجاد می‌کند.

چون می‌توانم تعداد بسیار ملک بخرم و ۱۰ تا ۲۰ سال نگهداری کنم؟

محمدرضا یزدی‌زاده نگهداری کنید. نباید نرخ کاهنده داشته باشد، بلکه باید نرخ افزاینده داشته باشد. مالیات عایدی بر سرمایه برای ملک اضافی و مازاد بر سکونت است. مجلس می‌گوید چهار ملک هم معاف از مالیات است. ملک محل سکونت اصلی مشمول مالیات نیست، ملک محل سکونت می‌تواند آپارتمان ۵۰ متری یا ویلای پنج‌هزار متری باشد. پیامد این موضوع تغییر الگوی ساختمان و آپارتمان است. وقتی این حرف را بیان می‌کنید باید منتظر تغییر الگوی ساخت به‌سمت آپارتمان‌های تریپلکس بالای هزار متر باشید. درنتیجه نیاز است چهارچوب مشخصی برای محل سکونت وجود داشته باشد. ثروتمندان باید سرمایه را وارد بخش تولید کنند. این کشور ثروتمندترین کشور فقیر دنیاست. حدود پنج برابر سرمایه‌ای که کشور برای فرار از خام‌فروشی نیاز دارد فقط در حوزه ملک وجود دارد. این مساله درنتیجه سیاستگذاری‌های غلط به‌وجود آمده است.

دولت با درک این موضوع که زمین مساله اصلی است سراغ طرح‌هایی همچون مسکن مهر، اقدام ملی مسکن و نهضت ملی مسکن رفت اما این اقدام در دوره‌های احمدی‌نژاد و روحانی به نتیجه مطلوبی نرسید و در دولت سیزدهم نیز این طرح دنبال شد. آمارها نشان می‌دهد این اقدامات خیلی موفق نبوده است. این نوع ورود دولت به مسکن درست است یا خیر؟

حسین دروديان برای حل مساله مسکن برای عرضه و تقاضا برنامه داشته باشیم. فرمایش‌های دکتر یزدی‌زاده متمرکز بر عامل تقاضا به‌عنوان یک عامل مهم است. تمام املاک در کشور باید شناسنامه داشته باشد، چون در غیر این صورت معاملاتی با جنبه غیررسمی انجام می‌شود. در روستاها یا شهرهای کوچک زمین‌های بسیاری وجود دارند که محل ثبت‌شان مشخص نیست. در ذهن اغلب ایرانی‌ها این‌گونه جاافتاده که راه حفظ ارزش سرمایه خرید زمین است. من حفظ شدن سرمایه را قبول ندارم، چون قیمت مسکن از سال ۹۰ تا مهر امسال ۳۵ برابر و سطح عمومی قیمت‌ها ۲۰ برابر شده است، حتی دلار هم در شرایط بسیار عجیب‌وغریبی از سال ۹۰ از قیمت هزاروخرده‌ای به ۵۰ هزار تومان رسیده که جهش غیرقابل‌تصوری داشته است، بااین‌حال حتی قیمت دلار هم از نظر میزان افزایش به مسکن نمی‌رسد. آنچه در مستغلات می‌بینیم سود بردن واقعی است و این فقط جنبه توزیعی دارد، وجه تولیدی ندارد. زمین خریدن برای اقتصاد ارزش افزوده و آورده‌ای ندارد. مشکل طرح‌های مسکنی که در کشور اجرا می‌شود، عبارت است از طراحی پروژه بی‌کیفیت و باورناپذیر. چنین طرحی باید یک طرح باورپذیر باشد که می‌خواهد تصویری از یک زیست شهری با حداقلی از کیفیت ارائه کند. طرح کنونی موفق نشده چنین تصویری را به مردم ارائه کند، درنتیجه آنان هم برای چنین طرحی هزینه نمی‌کنند. یک طرح باورپذیر شامل اطلاعات دقیقی از سرانه و مدرسه، معابر و... است. واحدهای شهرک اکباتان چندسال است خرید و فروش می‌شود و همچنان مردم در آن زندگی می‌کنند. موضوع این است که به آن استانداردهای درست نرسیده‌ایم، یعنی شما اگر می‌خواهید تجلی تمدن ایرانی و اسلامی فراتر از حرف و شعار باشید، اصل آن در شهرسازی و محل زیست معنا پیدا می‌کند. یک وعده مبهم و غیرجذاب را روی میز می‌گذارید و کسی بابت آن پول نمی‌دهد. دولت از بودجه، مالیات، بانک، اعتبارات بانکی، صندوق توسعه و... استفاده می‌کند یا از بورس کالا کاهش قیمت سیمان و... را تقاضا می‌کند. در این طرح زمین شبه‌رایگان و عملا رایگان است. افراد زیادی حاضرند یک یا دومیلیارد تومان برای خرید مسکن در یک طرح خوب هزینه کنند. چرا ما این افراد را هدف‌گذاری نمی‌کنیم؟ اقتصاد ما منبع‌محور است و کالاهایی که در مسکن استفاده می‌شوند به‌نوعی مبتنی‌بر منابع طبیعی هستند و هم وجوه تمدنی و هم جنبه پروپاگاندا و حسن شهرت دارند. مردم می‌گویند شاه ۵۰ سال پیش شهرک اکباتان را ساخت، شما چرا نمی‌توانید چنین نمونه‌ای بسازید؟ همان مسکن مهر بی‌کیفیت را ببینید برای آقای احمدی‌نژاد تا الان حسن شهرت داشته و مردم می‌گویند خدا پدرش را بیامرزد که لااقل همان مسکن مهر را برای مردم ساخت. به موقعیت مسکن مهر در پردیس نگاه کنید، واقعا جای زندگی نیست، یعنی زیست شهری باکیفیت ارائه نشده است. این درحالی است که از طراحی و مهندسی بگیر تا زمین، سیمان و همه‌چیز در ایران وجود دارد. بالای ۹۰ درصد مقاوم دربرابر تحریم است.

آیا می‌توان با ابزار کردن زمین برای طبقه خیلی خاصی مثلا دهک یک مسکن ساخت؟ به‌عبارتی دولت در قبال زمینی که می‌دهد، سهم‌بری می‌کند و سهم خود را به یک‌سری از اقشار خاص اختصاص می‌دهد؟

حسین دروديان این پروژه‌هایی که بیان کردم همه می‌تواند ترکیبی باشد، یعنی مخاطبان آنها می‌توانند متنوع باشند. از نظر من یک طرح مسکن در ایران نه‌تنها بودجه و منابع بانکی نیاز ندارد، بلکه می‌تواند از منابع موجود در بازار مسکن استفاده کند و سوآور باشد. می‌تواند از پول دست مردم استفاده کند. بخشی از آن واحدهای مسکونی با شرایط خیلی خاص و خوب به قشری که شما مدنظر دارید عرضه شود، یعنی مخاطبان آن پروژه لاجرم می‌توانند مخاطبان متنوع و متکثر باشند ولی اگر بگوییم صرفا می‌خواهیم مسکن برای آن کسانی عرضه کنیم که پول ندارند، در عمل خیلی‌ها پول دارند، یعنی حداقل به اندازه‌ای که هزینه تولید آن را بتوانند تامین کنند. منتها بحث این است که حاضر نیستند هزینه کنند. پروژه‌های خوب و باکیفیت مسکونی را نگاه کنید، افراد نسبت به پیش‌خرید اقدام می‌کنند و بسیاری نیز در اثر کلاهبرداری سرمایه خود را از دست می‌دهند.

جنابعالی در ریشه‌یابی مشکل زمین و مسکن، عمدتا سمت تقاضا را مدنظر داشتید، این بدین معناست که ما در بحث عرضه مشکلی نداریم یا فکر می‌کنید مشکل بزرگ‌تر عمدتا سمت تقاضاست؟

محمدرضا یزدی‌زاده خیر. وقتی درباره کالای سرمایه‌ای صحبت می‌کنید تقاضا و عرضه تقریبا یک طرف هم می‌توانند قرار بگیرند، چون تحدید تقاضا به معنای تشدید عرضه است. درباره کالاهای سرمایه‌ای تفکیک تقاضا و عرضه به‌صورت دو پدیده مجزا مطرح نیستند چون کالا سرمایه‌ای است و مصرفی نیست. مالیات عایدی سرمایه یک مالیات هدایتگر و مالیات تغییردهنده رفتار است. در رابطه با فعالیت‌های غیرمولد اگر شما قائل به این هستید که باید عایدی تورم‌زدایی شود چطور انتظار دارید که وقتی تولیدکننده تولید می‌کند و از او و درآمد او تورم‌زدایی نمی‌کنید، به تولید ادامه دهد؟ اصولا ما در مالیات چیزی به نام تورم‌زدایی نداریم. اگر قرار باشد درآمد و عایدی خاصی، استحقاق تورم‌زدایی را داشته باشد مهم‌ترین آن حقوق کارگر، و عایدی ناشی از تولید است، نه فعالیت غیرمولد! وقتی می‌گویید محل سکونت اصلی معاف از مالیات است، یعنی محل دوم را برای سرمایه‌گذاری خریداری کردید در نتیجه باید مالیات پرداخت کنید. من اعتقاد دارم نرخ این باید به‌مراتب از تولیدی بالاتر باشد؛ چراکه فعالیت تولیدی با ریسک همراه است، اگر می‌خواهید تغییر رفتار ایجاد کنید نه‌تنها نباید از ملک دوم تورم‌زدایی کنید بلکه نرخ مالیاتی باید به‌مراتب بالاتر از فعالیت پرریسک و تولیدی و ضروری باشد، یعنی تغییر رفتار ایجاد کند.

حسین دروديان این عایدی سرمایه نمی‌خواهد. می‌توان گفت هرکس خواست ملک دوم یا سوم خریداری کند دولت درصدی از آن را دریافت کند. این اقدام سبب ایجاد یک نوع محدودیت و ممنوعیت می‌شود.

محمدرضا یزدی‌زاده درست است. این هم یک نوع است ولی آن نوع شناخت‌شده مالیات عایدی سرمایه است که باید بشود و بحث تورم‌زدایی را باید عنایت کنید که صاحب‌نظر اقتصادی هستید و در جاهای مختلف صحبت می‌کنید.

حسین دروديان در مالیات تورم‌زدایی داریم.

محمدرضا یزدی‌زاده اصلا نداریم. یک نمونه را برای من بیان کنید.

حسین دروديان در بخشی از کتاب اقتصادهای تورم‌های بالاآمده است بحث تورم‌زدایی یا عدم تورم‌زدایی از مالیات ستانی در آمریکای لاتین است؛ در این کتاب مروری می‌شود بر تجربه کشورهایی که نسبت به این امر اقدام کردند و بخش‌هایی که اقدام نکردند.

محمدرضا یزدی‌زاده این یک مورد خاص است. یک زمانی تورم مثل تورم شیلی می‌شود که در آن شرایط دولت برای یک‌سال به‌طور خاص و به‌صورت یکسان اقدام می‌کند. نه فعالیت غیرمولد را بگوید معاف باشید و تورم‌زدایی حق توست چون مربوط به طبقه خاص جامعه هستید و مازاد مصرف هستید و سرمایه‌ای غیرضروری هستید اما تولیدکننده نباید باشد. این‌طور نیست.

حسین دروديان چطور از تولیدکننده مالیات دریافت می‌کنیم؟ از قیمت فروش اسمی مالیات دریافت می‌شود.

محمدرضا یزدی‌زاده احسنت. بنابراین تورم‌زدایی نمی‌کنیم.

حسین دروديان قبل از این از فروش اسمی مالیات دریافت می‌کنیم.

محمدرضا یزدی‌زاده برای مثال من الان یک جنس تولید می‌کنم که تا پایان سال ۴۰ تا ۴۵ درصد سود می‌کند. چه میزان از این سود ناشی از تورم بوده است؟ ۳۵ درصد آن به تورم بازمی‌گردد اما ما از تولیدکننده مالیات دریافت می‌کنیم. شما اگر می‌خواهید تغییر رفتار بدهید این تغییر رفتار ملزومات و منطقی دارد. شما نمی‌توانید مردم را با وجود ریسک فراوان به سمت تولید سوق بدهید و بعد بگوییم مالیات هم باید بدهید! بهره بانکی چطور؟ از شما هم بهره بانکی می‌گیرد. بیمه چطور؟ آن هم گرفتار هستید. اگر منصرف شدم و خواستم این سرمایه را بفروشم چطور؟ سوله را اگر توانستید به‌صورت آهن‌قراضه بفروشید و زمین هم برای خود شماست و درنهایت یک چیز ناچیزی گیر شما می‌آید. چقدر سود می‌برم؟ خیلی زرنگ باشید سود شما معادل تورم است و یک انتخاب دیگر جلوی طرف گذاشتید. خرید ملک، ارز و طلا، که اولا ابزار مناسب برای پولشویی هستند. ثانیا ریسک آن صفر است، و نه‌تنها قابلیت نقدشوندگی بسیار بالا دارند، حتی می‌توانید مستقیما از آنها به‌عنوان وسیله مبادله استفاده کنید. مالیات ندارد و درصورت نیاز به نقدینگی نیز می‌توان آن را در بانک وثیقه گذاشت و تسهیلات دریافت کرد و بخشی از هزینه بهره پرداختی را هم به‌عنوان هزینه قابل قبول مالیاتی از دولت بگیری و... چنین شرایطی پیامدهایی نیز به همراه دارد و قطعا منجر به حرکت سرمایه‌ها به سمت تولید نمی‌شود. منجر به تولید نمی‌شود.

حسین دروديان تولید تشکیلات، تجهیزات، ماشین‌آلات، زمین و... دارد. این عوامل با مسکن قابل مقایسه هستند، سود تولید با اصل مسکن قابل مقایسه نیست، با اجاره مسکن قابل مقایسه است. ما یک اجاره داریم که بازدهی روی دارایی است.

محمدرضا یزدی‌زاده ملک محل سکونت اصلی شما با کارخانه قابل مقایسه نیست ولی اگر پول مازاد دارید و خانه خریداری کردید، خانه دوم سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. شما یک تصمیم اقتصادی می‌گیرید و یک خانه اضافه می‌خرید که برای شما سودآوری دارد. اگر عایدی دارد چرا فکر می‌کنید یک کارگر که سلامتی خود را می‌فروشد باید مالیات بابت عایدی خود بدهد ولی شما بابت مازاد پول خود نباید مالیات بدهید؟ نباید بابت سرمایه‌گذاری مازاد خود هزینه پرداخت کنید؟ چون تورم باعث افزایش ارزش آن شده است؟ شما نمی‌توانید از سرمایه‌گذاری بدون ریسک با نقدشوندگی بسیار زیاد را تورم‌زدایی کنید اما این شرایط شامل حال تولیدکنندگان نشود. در این صورت ارزش دفتری دارایی‌های آن صفر می‌شود و حاشیه سود آنها افزایش پیدا می‌کند. یعنی ماشین‌آلاتی که تولیدکننده پنج سال پیش به قیمت یک میلیون تومان خریداری کرده است و امروز صفر شده نباید در هزینه‌ها ذکر شود.

حسین دروديان هزینه استهلاک را در ایران درست محاسبه نمی‌کنیم.

محمدرضا یزدی‌زاده در بحث فعالیت غیرمولد می‌گویید خیر! بنابراین این تفکر در مجلس سبب ایجاد توهم پیشبرد عایدی سرمایه به سمت ابتر شدن شد کاملا غیرقابل دفاع است. این حرف عوام‌فریبانه است که من نباید برای تورمی که دولت ایجاد کرده است مالیات پرداخت کنم. وقتی از تولیدکنندگان و کارگر مالیات تورم را دریافت می‌کنم چطور انتظار دارید از این حوزه مالیات تورم دریافت نکنم؟ چطور نمایندگان مجلس می‌خواهند در آخرت جواب دهند که این را تصویب کردند؟

حسین دروديان همه ما ملک داریم و وقتی قانون مصوب می‌کنیم برای خود قانون وضع می‌کنیم.

محمدرضا یزدی‌زاده بله، متاسفانه همین‌طور است. همه هم سرمایه مازاد داریم؛ چون همه از رجال الصدقوا هستیم و به خاطر آن تصمیم‌گیری می‌کنیم.

آقای دکتر دروديان شما بیشتر از سمت عرضه صحبت کردید؛ در سمت تقاضا باید چه اقداماتی شود؟ با صحبت‌های آقای یزدی‌زاده موافق هستید یا خیر؟

حسین دروديان اوج تولید مسکن ما در کشور به سال ۹۲ با ۸۳۴ هزار واحد تولید بازمی‌گردد، این عدد در سال ۹۱ حدود ۷۵۰ هزار واحد و در سال ۹۳ حدود ۷۲۰ هزار واحد بود. سال‌های قبل‌تر این عدد حدود ۶۰۰ هزار واحد بوده است. اکنون در سال ۱۴۰۰، حدود ۴۰۰ هزار واحد ساخته شده که این عدد به معنای ساخت تقریبا نصف میزان تولیدی که در سال ۹۲ داشته‌ایم است. در ۱۴۰۱ رشد چهار درصدی داشته‌ایم که همان حدود هزار واحد بوده است، یعنی میزان تولید مسکن در کشور ما کاهش کاملا چشمگیری داشته است. هر چقدر وضعیت سفته‌بازی روی زمین شدیدتر باشد قیمت زمین با شدت بالا برود این در تولید اثرگذاری بیشتری دارد، یعنی تولید را کاهش می‌دهد. بنابراین نمی‌توانیم عرضه و تقاضا را تفکیک کنیم. عاملی که تقاضای مازاد ایجاد می‌کند با وقفه‌ای عرضه را تنزل می‌دهد. در حال حاضر وضعیت رشد قیمت زمین به نحوی است که صرفه ساخت‌وساز را در کشور از بین برده است. تقاضای ملک سنتی در ایران بالا و به‌شدت تابع انتظارات تورمی است. وقتی انتظارات تورمی از بین برود و افراد احساس کنند ورود به بازار عایدی ندارد، تقاضای واقعی بازار را راکد خواهد کرد. ما باید محدودیت‌هایی برای تملک‌های چندگانه داشته باشیم که این محدودیت‌ها می‌تواند به‌صورت مالیات باشد.

یعنی مالیات سالیانه دریافت شود؟

حسین دروديان این پایه مالیاتی در بخش مسکن و مالیات بر ارزش زمین (LVT) در بخش زمین.

یعنی نگهداری ملک و زمین برای فرد هزینه دارد؟

حسین دروديان ابزارهای مالیاتی در دنیا بسیار زیاد است. شما باید یک نظام اجرایی قوی با یک شناسایی خیلی دقیق از املاک و انواع آن داشته باشید. سازمان ثبت اسناد و املاک را نگاه کنید که چطور فعالیت می‌کند. سیستم نفتی است. این بخش‌ها نیازمند انقلاب هستند تا این اتفاقات را رقم بزنند. این حرف به معنای رها کردن کار نیست. طرح کاداستر و طرح‌هایی از این دست باید انجام شود و به ثمر برسند وگرنه بازارهای رسمی به سمت غیررسمی شدن حرکت می‌کنند. اساسا باید شبه‌محدودیت و شبه‌ممنوعیت برای تملک‌های چندگانه برای افرادی که می‌خواهند چندین خانه داشته باشند وضع کنیم. نهایتا خانه دوم معاف از مالیات باشد. داشتن خانه بیش از این عدد به معنای این است که خرید ملک کسب‌وکار شخص است. البته اجاره‌دهندگان در کشور ما افرادی هستند که ملک مازاد دارند. زمانی گفته می‌شد در آمریکا هر کسی بخواهد سرمایه‌گذاری کند سهام خریداری می‌کند ولی زمانی بود که پایان‌نامه می‌نوشتم یک آماری دیدم در مقاله‌ای که می‌گفت بالای ۶۰ درصد ثروت مردم در قالب مسکن، ملک و مستغلات است. این آمار مربوط به کشوری است که بازار مالی بالغی دارد حال آنکه شرایط اقتصادی ما این‌گونه نیست. ما براساس تفکرات سنتی خود سرمایه خود را صرف خرید زمین و ملک می‌کنیم. حتما مالیات‌های تنظیمی درمورد آن باید اجرا شود، محل نگرانی اصلی من این است که اجاره‌داری در ایران ریشه‌کن نشود، یعنی اگر یک عده می‌خواهند خانه اضافه داشته باشند که اجاره بدهند از این کار پشیمان نشوند، چون اگر بنا باشد این اتفاق بیفتد و هیچ کس ملک مازادی نداشته باشد دیگر ملکی برای ارائه به افراد اجاره‌نشین باقی نخواهد ماند مگر اینکه طرح‌های توسعه مسکن دولتی به‌عنوان جایگزین وارد چرخه شود. عوامل طرف تقاضا و طرف عرضه هر دو اهمیت دارد منتها طرف عرضه یک مزایایی بیش از کنترل قیمت مسکن دارد، یعنی مزایای تحرک اقتصاد کلانی و بحث تقویت تولید و عرضه در کنار وجوه تمدنی به‌ویژه جنبه سیاسی قضیه و جنبه حسن شهرت و فروختن یک دستاورد روی زمین به افکار عمومی است. این چیزی که عموم مردم تصور می‌کنند این است که این دولت، کننده نیست. یک جایی باید این را نشان بدهید. من می‌گویم بهترین جا برای نشان دادن اراده دولت برای حل مشکل مسکن، طراحی و ایجاد چند بافت مسکونی است، اصلا یک میلیون و ۵۰۰ هزار واحد نمی‌خواهد، اینها شوخی است. بلکه ۱۰ هزار واحد تا ۲۰ هزار واحد پایلوت اجرا شود. یک محله را مانند شهرک اکباتان به‌صورت نوین در اطراف تهران به مردم ارائه کنید تا مطالبه عمومی به این سمت حرکت کند و توسعه اتفاق بیفتد. این اقدام علاوه‌بر تاثیرات اقتصادی، منجر به ایجاد اعتماد‌به‌نفس برای نظام سیاسی کشور می‌شود. تاکید من بر سمت عرضه آن هم در این ابعاد جنبه کنترل قیمت مسکن ندارد. چون اگر عرضه مسکن بخواهد تاثیرات جدی بر قیمت بگذارد باید ابعاد آن خوب و قابل توجه باشد که حداقل در دو تا سه سال اول فقط می‌توانیم به آن مقدمات پایلوت برسیم. لذا راهکار کوتاه‌مدت و فوری و آن چیزی که بگوییم الان قیمت مسکن را کاهش دهد، به نظر من عوامل طرف تقاضاست.

این صحبت شما بیشتر ما را به سمت مجموعه‌های شهری و شهرک‌های مسکونی می‌برد. برخی معتقدند محدوده شهر را بزرگ‌تر کنیم، آنها می‌گویند جمعیت شهرهای ما زیاد شده اما دولت و شهرداری اصرار دارند لباس کودکی را تن شهرها بدهند.

حسین دروديان ببینید در شهرهای کوچک و روستاها که مشکل زمین نیست. آنجا همواره محمل زمین‌بازی است.

محمدرضا یزدی‌زاده طرح پیشنهادی ما به مجلس درباره عایدی سرمایه همین بود که اگر تخفیفی برای ملک دوم قائل هستیم، فقط برای ملک اجاره‌ای است؛ به بیان بهتر اگر من ملک دومی دارم آن را اجاره دهم سالی پنج درصد معافیت عایدی دارم، اگر ۲۰ سال اجاره دهم چون مشمول نمی‌شوم چون ۲۰ سال این ملک اجاره داده شده و سرمایه‌گذاری مازاد نبوده است یعنی تخفیف سالی پنج درصد مالیات عایدی را برای املاک اجاره‌ای پیش‌بینی کرده بودیم که این هم محقق نشد. مثلا ملکی که سکونت دارید را می‌توانید جایگزین کنید این ملک اجاره‌ای هم باید بتوانید جایگزین کنید.

اینجا بحث به دو صورت مطرح شد. اول اینکه تاکید شما روی شهرک‌های مسکونی است و تاکید برخی از کارشناسان روی افزایش محدوده شهرها.

حسین دروديان بله، البته اینها را در منافات با هم نمی‌بینم. محدوده شهر باید بزرگ شود. یا باید محدوده شهر تهران یا کلانشهرهایی همچون تهران بزرگ شود یا باید شهرهای اقماری اطراف تهران و کلانشهرها را با حمل و نقل کیفی و خوب به کلانشهر وصل کنیم که تا حدی جایگزینی برای زیست درون کلانشهر به‌وجود می‌آورند. باید یکی از این دو اتفاق صورت گیرد یا ترکیبی از این دو رقم بخورد. اینکه من می‌گویم محدوده شهر باید بزرگ شود، مخصوصا محدوده تهران را با کلانشهرهای دیگر در دنیا مقایسه می‌کنیم محدوده کوچکی است ولی این بزرگ شدن محدوده باید قالب داشته باشد. شهرک اکباتان در گذشته خارج از تهران بود، طرح‌های توسعه شهری باید در نقاطی اطراف شهر باشند. شما به این سبک و سیاق محدوده شهر را افزایش می‌دهید. توسعه شهری ما باید به شکل عرضه بافت‌های شهری جدید باشد.

محمدرضا یزدی‌زاده با دسترسی مناسب و سیستم حمل و نقل سریع.

حسین دروديان بله، در شهر مسافت زمانی مطرح است و مسافت کیلومتری اهمیت ندارد. الان می‌توانید یک ساعته به پرند بروید، حمل و نقل پرسرعت قم نیز ممکن است یک ساعته باشد. لذا روی کاغذ تفاوتی بین قم و پرند وجود نخواهد داشت، چون عملا فاصله زمانی آنها یکی است. بحث این است که توسعه شهر و حریم آن باید به شکل اجرای تدریجی و برنامه‌ریزی شده، محله‌های جدید و بافت مسکونی نو به‌صورت یکپارچه در قالب یک بسته مسکونی در شرق، جنوب و... باشد، نه به‌صورت نامنظم، پراکنده و فروش خرد. در این صورت محلات جدید معرفی می‌شوند. این اقدام در عین حال هم عرضه زمین و هم عرضه مسکن است. خیلی‌ها هستند که الان نقدینگی دارند ولی سرمایه آنها به خرید یک خانه ۴۰ یا ۵۰ متری در تهران نمی‌رسد. آن پول کاملا پاسخگوی هزینه‌های ساخت آن بافت شهری و... خواهد بود.

آقای یزدی‌زاده، یک جمع‌بندی بفرمایید.

محمدرضا یزدی‌زاده حل مشکل مسکن در کشور نیاز به بسته سیاستی دارد که این بسته، جدای از بحث افزایش عرضه موجود می‌بایست روی تقاضا متمرکز باشد. با توجه به اینکه درباره کالای سرمایه‌ای صحبت می‌کنیم، تهدید تقاضا به معنای افزایش عرضه خواهد بود؛ چون مشکل ما در تقاضای این کالا تقاضای احتکار و بورس‌بازی است. دولت باید از اقمار خود شروع کند. تمام شرکت‌های بخش دولتی و عمومی اعم از شرکت‌های وابسته به تامین اجتماعی، شهرداری‌ها و... باید از نگهداری املاک مسکونی منع شوند. این کار با دستور بخشنامه به نتیجه نمی‌رسد بلکه نیازمند وضع مالیات ۹۰ درصد عایدی است. بانک‌ها باید از قبول ملک مسکونی به‌عنوان وثیقه منع شوند تا تقاضایی که پشت این بورس‌بازی برای ملک مسکونی وجود دارد از بین برود. در کنار این بحثی که آقای دکتر دروديان درباره گسترش شهری داشتند، بحث بسیار مهمی است. یکی از مشکلاتی که باعث افزایش قیمت زمین شده همین امر است. این موضوع همانند بدنی است که بزرگ شده ولی لباس بچگانه بر تن دارد. ما هم هر چه زمین نداریم تراکم را اضافه کردیم و فروختیم و این امر نیز منجر به افزایش قیمت زمین شد. در طرح‌های قبل از انقلاب یا اوایل انقلاب افراد در بسیاری از مناطق دو طبقه اجازه ساخت داشتند و قیمت زمین نیز رشد نمی‌کرد. چون کسی می‌خواست بسازد، دو طبقه اجازه ساخت داشت، ولی وقتی این را آزاد گذاشتید که آقای کرباسچی شروع و آقای قالیباف دامن زد و با هم طی عملیات باشکوهی شهر را ترکاندند، این بود که پول بدهید و هرچقدر خواستید بسازید. این موضوع باعث افزایش قیمت زمین و تورم شد. به‌جای این کار باید مساحت شهر را توسعه بدهیم اما لزومی ندارد حاشیه‌نشینی افزایش پیدا کند. اگر بتوانیم زیرساخت‌های حمل‌ونقلی را توسعه و افزایش دهیم، می‌توانیم بهترین زندگی‌ها را در خانه‌های ویلایی کوچک در خارج از شهر ایجاد کنیم.

جمعیت روز و شب ۹۰ درصد شهرهای بزرگ در دنیا ۱۰ برابر با هم فرق می‌کند، چون در صبح همه از خانه بیرون می‌آیند و به‌موقع هم می‌رسند، چون حمل‌ونقل باکیفیت و خوب دارند و شب نیز به‌راحتی به خانه خود بازمی‌گردند و مشکلی هم ایجاد نمی‌شود. ما باید چنین ساختاری را ایجاد کنیم. به قول دکتر دروديان شرایطی را مطرح کنیم توسعه‌های شهری که در کشور امارات و در دبی انجام می‌شود دقیقا همینطور است یعنی اول زیرساخت‌ها را درست می‌کنند بعد ماکت می‌سازند و ملت در صف می‌ایستند و پول پرداخت می‌کنند و وسط بیابان را می‌سازند. تردد از قبل مشخص شده است. قبل از شروع ساخت شهرک جاده‌ها و پل‌ها ساخته شده است. اگر بتوانیم منابع اقتصادی خود را توزیع و پخش کنیم، فشار جمعیت قابل کنترل است. اگر می‌خواهیم در کوتاه‌مدت کاری کنیم اساسی‌ترین کار این است که تقاضای واقعی را در بازار، جدا و حمایت کنیم و تقاضای بورس‌بازی و احتکار را به‌شدت تحدید کنیم. حجم خانه‌های خالی و سرمایه‌هایی که وجود دارد و به‌عنوان سرمایه باقی مانده بسیار زیاد است. مسئولان دولتی می‌گویند یک بانک دولتی چندین هزار واحد ملک مسکونی خالی دارد! این را باید به چه کسی گفت؟ به‌جای جریمه کردن بانک که منابع هم ندارد هر چند به آن تکلیف کردید بیشتر فشار وارد کنیم تا زودتر ورشکسته شویم، بگوییم چرا این ملک را نگه داشته است؟ ملک را بفروشند. اگر نگه دارند ۹۰ درصد مشمول عایدی سرمایه است. ارز و طلا هم همینطور است. اگر می‌خواهید مشکل ارز و طلا را حل کنید به شرکت‌های بخش عمومی و دولتی بخشنامه ابلاغ کنید که اگر در دارایی‌ها ارز و طلا نگه دارید ۹۰ درصد مشمول عایدی سرمایه می‌شود. به‌نظر من اراده کافی در این زمینه وجود ندارد. اگر اراده وجود داشته باشد مسائل خیلی راحت‌تر حل می‌شود.

آقای دکتر دروديان، شما هم جمع‌بندی داشته باشید.

حسین دروديان وضعیت بخش مسکن در کشور بحرانی است، مساله از آنجا ناراحت‌کننده‌تر می‌شود که در مسکن با یک کالایی روبه‌رو هستیم که درجه درون‌زایی بسیار بالایی دارد؛ یعنی نهاده‌هایی که برای تولید مسکن نیاز است از انواع متریال و مصالح تا اصل زمین و جنبه نیروی کار و مهندسی، در کشور وجود دارد و ارتباطی با تحریم ندارد. مساله ما مساله طراحی و ایجاد اتصال میان این حلقه‌های جداافتاده است. هر آنچه می‌توانیم انجام دهیم تا قیمت مسکن سطح تغییراتی متناسب با تورم عمومی داشته باشد، داشته‌هایی است که در ایران وجود دارد. به‌علاوه مسکن کنترل‌پذیری بیشتری دارد و برخلاف ارز و طلا که می‌تواند به‌صورت غیررسمی مبادله شود، مسکن اینطور نیست یعنی حتما یک جا باید ثبت شود و گذر همه در نهایت به مراکز دولتی و رسمی می‌افتد. اگر بگویند خانه‌ای سند ندارد کسی رغبت به آن نشان نمی‌دهد. در نتیجه امکان کنترل از سوی دولت وجود دارد. همه چیز مهیا و فراهم است و در عین حال یک موتور محرکه برای اقتصاد هم به‌شمار می‌رود. یک ظرفیت بالقوه‌ای است که الان تبدیل به تهدید خیلی بزرگ شده است. این اهمیت قضیه را بیش از هر چیزی نشان می‌دهد.

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

ادامه از صفحه۱۴

فرهیختگان

ایده حکمرانی
[نقد و بررسی اندیشه‌ها]

پنجشنبه ۷ دی ۱۴۰۲
شماره ۴۰۴۳
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

درآمدی بر مردمی‌سازی به عنوان یک ساختار حکمرانی جدید

نگاه ابزاری یا اصیل به مردم؟

محمدصادق تراب‌زاده‌جهرمی
پژوهشگر هسته عدالت اجتماعی مرکز رشد دانشگاه امام صادق(ع)

مشارکت مردم در اداره و پیشبرد امور جامعه، نه با نگاهی «ابزارگونه» به مردم بلکه با نگاهی «اصیل» به مردمی بودن اداره درست جامعه، نیازمند بازتعریف است. برخی مردم را فقط جیب می‌بینند تا در موقع لزوم، از آن پولی استخراج کنند و برخی آنان را سیاهی لشکر برای مواقعی خاص. در این نگاه، مردم به عنوان جیب و سیاهی لشکر در خدمت سلسله مراتب حاکمیت یا هر عامل دیگری که قصد اعمال اراده و قدرت دارد قرار می‌گیرد و مشارکت بیش از آن را به دلایل مختلفی ردمی‌کنند؛ چنانکه در دوگانه بروکراسی-دموکراسی، برخی دموکراسی و پاسخگویی (اتصال به مردم) را مخل و مانع کارایی و بروکراسی می فهمند. این در حالی است که زمانی می‌توان از مشارکت حقیقی مردم سخن گفت که نسخه درست جامعه‌سازی را صرفا در ماهیت مردمی و سازوکارهای مردمی اداره جامعه ببینیم؛ یعنی پردازش و ساخت درست جامعه را وابسته به حضور موثر و حداکثری مردم ببینیم؛ والا شاهد همان نگاه ابزاری خواهیم بود. نگاه اصیل به مردم را اینچنین در بیان رهبران انقلاب اسلامی می‌توان مشاهده کرد: «بار اصلی برپایی حکومت عدل بر عهده مردم است و انبیاء نیامده‌اند که خود، حکومتی تشکیل دهند بلکه از دل این امت و با اراده عمومی و همیشگی آنان، حکومت عدل را برقرار سازند. حکومت عدل، مستظهر به تایید، پشتیبانی و شرکت فعالانه همه ملت است. علاوه بر این، اساسا مردم، قوه اقامه عدل هستند. پس حکومت در خدمت مردم و با مردم تعریف می‌شود.» (سرآبادانی و همکاران، ۱۳۹۹، ۸۲) مردمی بودن در اندیشه حضرت امام خمینی (ره) را چنین می‌توان مشاهده کرد: «تنها با استقرار حکومت عدل اسلامی مورد تایید و پشتیبانی مردم و با شرکت فعالانه همه ملت است که می‌توان خرابی‌های عظیم فرهنگی و اقتصادی و کشاورزی را که رژیم فاسد شاه به وجود آورده است جبران نموده و نوسازی مملکت را به نفع طبقات زحمتکش و مستضعف آغاز نمود.» (خمینی، ۱۳۶۸، ج۵: ۴۲۷) «ما باید اقامه عدل بکنیم. عذر نیست که ما قوه نداریم؛ این ملت قوه ماست. این ملتی بود که با مشت جلوی تانک و توپ را گرفت؛ کشته هم داد.» (خمینی، ۱۳۶۸، ج۶: ۳۴)

«یکی از اشکالات مهمی که ما داریم، این است که روی راه‌های مشارکت مردم فکر نکرده‌ایم. من همین جا به مسئولان محترم، به صاحبنظران اقتصادی، به کسانی که علاقه‌مند به سرنوشت کشورند توصیه می‌کنم بنشینند راه‌های مشارکت عموم مردم در مسائل اقتصادی را پیدا کنند. هر جا مردم وارد شده‌اند ما پیشرفت کرده‌ایم. در دفاع مقدس مردم وارد شدند، ما پیروز شدیم؛ در مسائل سیاسی کشور مردم هر جا وارد شدند ما پیروز شدیم؛ در مسائل اقتصادی هم همین جور است؛ [اگر] مردم وارد بشوند، آحاد مردم وارد بشوند، ما پیروز خواهیم شد، موفق خواهیم شد؛ منتها مردم چجور وارد بشوند؟ باید نقشه ورود مردم در حوزه اقتصادی را به مردم نشان داد.»[1] برای پاسخ به سوال نقشه مردمی‌سازی، اول باید مراد از مردم را بدانیم و سپس در مورد شیوه حضور مردم در اداره جامعه یا به تعبیر بهتر، حکمرانی مردمی سخن بگوییم. بدین منظور در این نوشتار، ابتدا تلقی‌های مختلف از مردم و برداشت‌های مختلف از حکمرانی را عرضه کرده و با عبور از انگاره‌های رایج، مردم و حکمرانی مردمی را صورت‌بندی جدیدی خواهیم کرد.

کدام مردم؟

علاوه بر چالش اصالت-ابزار، بحث مردمی‌سازی با یک چالش دیگر نیز مواجه است: تکثر و تعارض تلقی‌ها از معنا و مفهوم مردمی‌سازی. سالیانی است که واژه مردمی‌سازی بر سر زبان‌هاست و تلقی‌های مختلفی از آن ارائه می‌شود که ریشه در معنای «مردم» و گستره مشارکت آن دارد:

۱ بنگاه به مثابه مردم: برخی به دلیل اینکه صرفا بنگاه‌های خصوصی را مردم می‌دانند، مردمی‌سازی را نیز خصوصی‌سازی از مسیر واگذاری امور به بنگاه‌های اقتصادی یا بازآفرینی اداره امور عمومی با منطق بخش خصوصی فهم می‌کنند.

۲ توده به مثابه مردم: برخی مردم را بخشی از جامعه در کنار رسانه، بنگاه، دولت، سمن و... می‌بینند که منظورشان از مردم دقیقا آحاد و توده است. در این نگاه، مردمی‌سازی یعنی حرکت توده‌وار آحاد مردم که فاقد هرگونه جهت‌دهی و هدایت یا تشکیلات‌سازی است.

۳ تشکل خودجوش به مثابه مردم: تشکل‌های مردمی به صورت خودجوش و سازمان‌یافته، داوطلبانه، غیرانتفاعی و غیررسمی از آحاد جامعه، حول دغدغه یا اهداف یا منافع مشترکی تشکیل می‌شوند که می‌تواند کمک‌کار ساختار رسمی یا موازی و مقابل ساختار رسمی اداره جامعه باشد.

۴ تشکل‌های حقوقی و غیرانتفاعی اما غیرحاکمیتی به مثابه مردم: سمن‌ها، بنیادها، سازمان‌های ایمان‌محور، سازمان‌های بشردوستانه و موسسات داوطلب غیرانتفاعی با ثبت حقوقی مشخص (داخلی و بین‌المللی) که بیرون از بدنه حاکمیت رسمی تلقی می‌شوند و البته سازمان‌یافته‌تر از تشکل‌های خودجوش هستند نیز به عنوان مردم تلقی می‌شوند. این تشکل‌ها، به جهت رسمی بودن‌شان، محدودیت‌ها و فرصت‌های متفاوتی خواهند داشت. به تبع، مردمی‌سازی در این نگاه، یعنی توسعه بخش سوم در جامعه و توسعه جامعه مدنی از مسیر این تشکل‌ها. این تشکل‌ها عموما توسط طبقات متوسط یا مرفه‌تر جامعه تشکیل می‌شوند. این در حالی است که تشکل‌های خودجوش یا حرکت توده‌ای می‌تواند در طبقات ضعیف نیز جریان یابد. طبیعی است که راه‌اندازی این تشکل‌ها برای افراد دارای سطح اقتصادی-اجتماعی بالاتری معنادار است و اساسا توان راه‌اندازی و اداره آن را دارند.

۵ آحاد و هویت‌های جمعی به مثابه مردم: آحاد مردم با همه تکثرهایشان در کنار هویت‌های جمعی رسمی و غیررسمی با همه تنوع‌شان در قالب ایده «بسیج عمومی» و متناسب با ظرفیت خود. در این نگاه، مردم یعنی همه مردم در همه هویت‌های جمعی‌شان که شامل بنگاه، خانواده، اقوام، توده، رسانه، انواع تشکل‌های داوطلبانه و غیرانتفاعی، دولت (با همه تکثر نهادی‌اش) و... می‌شود. پس مردمی‌سازی نیز یعنی بسیج عمومی همه ظرفیت‌ها برای تحقق امور عمومی جامعه یا تحقق ارزش‌های اجتماعی که کل جامعه را دربرمی‌گیرد. در این نگاه، خلاف تمام مدل‌های حکمرانی، انحصار و دایره بسته‌ای وجود ندارد، بلکه مبتنی بر ایده توازن (عدالت اجتماعی)، هر ظرفیتی در جایگاه متناسب خود به کار گرفته می‌شود و منافع، دائما بین همه هویت‌های جمعی در گردش است. وقتی می‌گوییم هویت اجتماعی و جمعی، لفظ اجتماعی و جمعی را در معنای عام خود به‌کار می‌بریم: خانواده، اصناف شغلی، اقشار فرهنگی، گروه‌های سیاسی، طبقات درآمد و ثروت و... درواقع افراد جامعه در قالب هویت‌های گوناگونی به زیست و حیات خود معنا می‌دهند و کم‌وبیش در هویت‌های مختلف، کنش اجتماعی دارند. این هویت‌ها (سیاسی، اقتصادی و...)، همزمان و متداخل هستند و می‌توانند بر هم اثر بگذارند. لازم به ذکر است که این هویت‌ها باید مشروع باشند. از این جهت، هویت‌هایی چون همجنسگرایان، گروه‌های مذهبی ساختگی یا معارضان سیاسی و نظامی علیه حکومت اسلامی را شامل نمی‌شود.[2]

تلقی‌های شایع از نظام‌های حکمرانی

سوال از حکمرانی سوال از آن است که چه کسی، چگونه و برای تحقق چه چیزی، اعمال قدرت و اراده می‌کند و تبعیت ایجاد می‌کند. این مفهوم با مشارکت و اختیاردهی به طیفی از افراد، گروه‌ها، ایده‌ها، گفتمان‌ها یا سازوکارهای[3] مختلف گره خورده است. مشارکت مردم نیز به همین حیث، با مفهوم حکمرانی در ارتباط است. در برهه‌هایی در جامعه ایرانی خصوصا از اوایل دهه ۱۳۷۰، تصور رایج از مردمی‌سازی و مشارکت مردم، به صورت وثیقی با خصوصی‌سازی یا مشارکت بنگاه‌های خصوصی گره خورد. یکی از ریشه‌های چنین تلقی، ادبیات رایج بین‌المللی حکمرانی در دعوای دولتی- خصوصی بود که برخی دولت را به عنوان ساختار سلسله مراتب بوروکراتیک و حافظ منافع عامه، شایسته حکمرانی می‌دانستند و برخی در نقد دولت با ایده‌های دولت حداقلی، بازار را کاراتر و همراستاکننده منافع شخصی و عمومی تعریف کردند.

این نگاه که به‌شدت در دهه ۷۰ میلادی به‌واسطه قدرت یافتن ریگان در آمریکا و تاچر در انگلستان منتشر شد، با یک تاخیر زمانی به ایران نیز رسید و در عرصه‌های مختلفی چون آموزش، سلامت، خدمات عمومی، اقتصاد و... در قالب دعوای دولتی- غیردولتی بروز و ظهور یافت. گرچه در ایران همچنان این دعوا به صورت جدی وجود دارد، اما دیدگاه‌های دیگری نیز پس از دولت و بازار طرح شده‌اند؛ از قبیل نگاه شبکه‌ای که معتقد است بازیگران مختلفی در جامعه حضور دارند که در یک شبکه روابط پایدار، براساس اعتماد و منافع دو و چندجانبه با یکدیگر وارد تعامل می‌شوند و جامعه را می‌سازند. در این نگاه دولت و بازار در کنار بخش سوم، رسانه و آحاد مردم از جمله بازیگران در عرصه حکمرانی هستند. البته قصد داریم در این یادداشت مدل دیگری از حکمرانی را به عنوان گفتمان رقیب عرضه کنیم که به ایده شبکه نزدیک‌تر است اما با آن متفاوت است. این مدل را با واژگان «مردمی‌سازی» و «بسیج عمومی» معرفی خواهیم کرد که «آحاد مردم و هویت‌های جمعی رسمی و غیررسمی» را حول تعلق‌های اجتماعی و هنجارها، برای اقامه یک امر عمومی بسیج می‌کند.

چرایی ورود دولت و بازار به حکمرانی

گفته می‌شود نهاد دولت به عنوان بازیگری که دارای دو منبع قدرت مهم و حذف نشدنی است، ناگزیر در عرصه حکمرانی حضور جدی دارد: مشروعیت از جانب مردم برای اعمال اراده در عرصه عمومی، زمین و جغرافیا (که حتی گسترش زندگی در فضای مجازی هم نمی‌تواند اصل این منبع قدرت را حذف کند). گاهی ورود دولت، حداکثری و گاهی حداقلی می‌تواند باشد. برخی معتقدند دولت باید صرفا سیاستگذار و تنظیم‌گر باشد و برخی معتقدند که حتی تصدی‌گری و اجرا هم باید به دولت سپرده شود، زیرا به عنوان خادم ملت حافظ منافع عمومی است و درپی تامین منافع شخصی خود نیست. علاوه بر این در مورد تامین حقوق عمومی، توزیع عادلانه منافع اجتماعی (به دلیل وجود آثار خارجی)[4] و انسجام‌بخشی به جامعه هیچ نهادی احساس مسئولیت نکرده و همچون بازار اگر وارد شود، دچار شکست می‌شود. برخی هم به استناد اینکه ارائه خدمت عمومی استاندارد توسط دولت، صرفه به مقیاس بیشتری از تکثر ارائه خدمت توسط سایرین دارد، دولت را کاراتر و کم‌هزینه‌تر می‌دانند.

بازارگرایان در مخالفت با دولت و محدودسازی آن، بازار را کاراتر، کم‌هزینه‌تر، پاسخگوتر، باکیفیت‌تر، توام با رضایت بیشتر مشتری و رعایت‌کننده آزادی انتخاب از مسیر رقابت تصویرپردازی کرده‌اند اما بخش خصوصی چرا باید در عرصه حکمرانی و اداره عمومی جامعه ورود کند؟ سودآوری، پاسخ به کاهش کیفیت خدمات بخش دولتی، پاسخ به تقاضای متنوعی که بخش دولتی به صورت یکسان ارائه می‌کرد و پاسخ به تقاضای اضافی که بخش دولتی توان ارائه آن را نداشت، ازجمله دلایل ورود بخش خصوصی به عرصه عمومی بیان شده است. مخالفان بازارگرایی و حاکمیت بازار بر عرصه عمومی نیز به دلیل ذات بازار در بخش‌بندی مخاطب به مشتری و غیرمشتری (کسی که توان خرید دارد یا ندارد) معتقدند که این ویژگی ذاتی، عرصه عمومی را تخریب کرده و انواعی از محرومیت‌ها را تولید می‌کند. درعین حال با سلطه پول بر سایر روابط سیاست را نیز به چنبره خویش درمی‌آورد تا منافع بیشتری به جیب خویش روانه سازد.

اما در نهایت نه دولت‌گرایان و نه بازارگرایان، درواقعیت نتوانستند سلطه تام یابند و رقیب خویش را حذف کنند. به همین دلیل دیدگاه دیگری مطرح شد که تلاش کرد دایره گسترده‌تری از بازیگران را وارد عرصه حکمرانی کند. آنان ضمن حفظ دولت و بازار، سایر بازیگران را نیز موثر در حکمرانی دانستند که همه آنها تابع روابط پایدار در شبکه و منافع متقابل، برآیندی از نیروها را تولید می‌کنند که درنهایت جهت حرکت جامعه را مشخص می‌کند. پر واضح است که در این مدل حکمرانی نیز به جهت واقعیات میدانی، همه بازیگران قدرت یکسان ندارند یا در جوامع مختلف، شبکه روابط بازیگران یکسان نخواهد بود.

طبیعتا هر مدل حکمرانی بر بستر یک فرهنگ و روابط اجتماعی بنیادی‌تر شکل می‌گیرد و به آن مدل حکمرانی امکان تنفس می‌دهد. به همین دلیل مدل شبکه می‌تواند به جای اینکه یک تعادل قدرت انسجام‌یافته و متعالی شکل دهد، به یک جنگل روابط قدرت تبدیل شود. از این رو است که باید مدل حکمرانی متناسب با جامعه خویش را یافت، طراحی کرد و مستقر ساخت. در جوامع یا اجتماعاتی که بافت عمومی نظم‌پذیر باشد، امکان تنفس سلسله مراتب بیشتر است. در جوامع یا اجتماعاتی که بافت عمومی، فردگرا و منفعت‌طلب باشند، ساختار بازار می‌تواند فعال بماند. در جوامع یا اجتماعاتی که بافت عمومی، جمع‌گروی و تعامل را بپذیرد، ساختار شبکه نیز می‌تواند شکل بگیرد. گرچه این بافت‌ها تناظر کاملی با این ساختارها ندارند اما غرض آن است که هر ساختار حکمرانی یا ترکیبی از آنها می‌تواند در بستر فرهنگی خاص خود شکل بگیرد. این بستر فرهنگی هم کلیت جامعه است و هم فرهنگ اجتماعات محدود.

سلسله‌مراتب مبتنی بر اقتدار و سلطه، حاکمیت روال‌ها و نظارت، روابط استخدامی و رسمیت شکل می‌گیرد و اعمال قدرت می‌کند. طبیعتا میدان‌دار و بازیگر اصلی در این مدل حکمرانی، دولت است. مردم نهایتا می‌توانند در لایه‌هایی، برخی ارکان دولت را انتخاب کنند و در سایر موارد اگر دولت خواست، در محدوده خواست او، مشارکت کنند. پس در بهترین حالت، دولت از ظرفیت مردم استفاده می‌کند اما تابع خواست دولت. اکنون باید دید که مردم در نظام‌ها و مدل‌های حکمرانی تا چه حد می‌توانند حضور داشته باشند یا چقدر ظرفیت مردمی‌سازی در این مدل‌ها وجود دارد. ساختار بازار مبتنی بر تبادل و رقابت، عرضه و تقاضا، سیگنال‌دهی قیمت، نفع شخصی، مشتری‌محوری، قرارداد و حقوق مالکیت و بدگمانی متقابل شکل می‌گیرد. مردم در این ساختار در قامت مشتری می‌توانند تعریف شوند و روابط پولی و بازاری و به‌تبع بنگاه‌های خصوصی میدان‌دار زمین بازی هستند؛ پس یا مشتری هستند یا بنگاه. از این رو در جایی که امکان مشتری شدن یا بازارسازی وجود ندارد یا اینکه بازار، مخرب ارزش‌ها شود این ساختار شکست می‌خورد. ساختار شبکه مبتنی بر همکاری و انسجام، ارزش‌های مشترک، وفاداری و اجماع و اعتماد، روابط، احترام متقابل و دغدغه مشترک، قوت‌های مکمل یکدیگر و منافع دوجانبه شکل می‌گیرد. این ساختار حکمرانی در عین حفظ دولت و بازار، اما کلیت خود را بر تکثر بازیگری قرار داده است. در اینکه چه کشوری توانسته ساختار شبکه را در نظام حکمرانی خویش محقق کند، همچنان ابهام وجود دارد. ایده‌هایی چون حکمرانی فراگیر[5] یا توسعه جامعه مدنی یا ظهور زندگی جدید از مسیر فضای مجازی نیز هنوز نتوانسته‌اند جایی برای ساختار شبکه در دعوای سلسله مراتب بازار باز کنند. شاید ماحصل تلاش مدل شبکه را بتوان نوعی از اصلاح و تعدیل در قدرت سلسله مراتب و بازار دانست. به هر حال ساختار شبکه فارغ از میزان یا نوع تحققش می‌تواند محل نقد و بررسی قرار گیرد و با ایده مردمی‌سازی در مقایسه افتد. عدم توازن قدرت اعضای شبکه، بی‌جهتی شبکه و به‌تبع مصادره آن به نفع برخی بازیگران پرقدرت را به دنبال خواهد داشت. بار مثبت واژه «شبکه»، این غفلت را ایجاد می‌کند که شبکه با ادعای مشارکت حقیقی و گسترده عناصر اجتماع مطرح شده است اما بیشتر به استفاده ابزاری بازیگران قدرتمند از بازیگران ضعیف در یک بازی مشارکتی منجر می‌شود. یا اینکه شبکه دائرمدار منافع بلندمدت شکل گیرد اما لزوما این روابط سالم نیستند. در عین حال پذیرش ساختار شبکه مستلزم پذیرش نوعی نگاه نهادگرا است تا اینکه بخواهد کنشگران را فاعل و فعال نشان دهد. دیدگاه کنشگرمحور می‌پذیرد هر کنشگر در لحظه، تصمیم متفاوت و منفعت‌گرایی بگیرد که با تصمیم بعدی متفاوت است اما دیدگاه نهادگرا این کنش‌های لحظه‌ای را کنار گذاشته و انسان را در طول زمان تحلیل می‌کند. به نظر می‌رسد که نگاه واقع‌بینانه ترکیبی از هر دو است. فلذا مدل حکمرانی شبکه، توان تحلیل کاملی از واقعیت میدانی را ندارد. قاعدتا ساختار مردمی‌سازی ما باید توان تبیین همه این حالات را داشته باشد.[6]

برخی نیز با طرح واژه «فراحکمرانی»[7]، قائل به این هستند که می‌توان هر ساختار حکمرانی را در عرصه‌ای مناسب دید و نیازی نیست با یک مدل به اداره جامعه پرداخت. قاعدتا نمی‌توان جامعه را گسسته اداره کرد. پس لازم است یک مدل حکمرانی مسلط بر این مدل‌ها وجود داشته باشد که تناظر بین هر عرصه و هر مدل حکمرانی را مشخص کند. تلقی ابتدایی از فراحکمرانی از دیدگاه ما مردود است اما فراحکمرانی به عنوان یک مدل حاکم و شامل بر سایر مدل‌ها برای ما همان حکمرانی مردمی است.

مدل حکمرانی ما؟

اجمالا می‌دانیم و می‌خواهیم مدلی از حکمرانی داشته باشیم که مردم (به وسیع‌ترین معنای آن) در آن جایگاهی موثر و جدی داشته باشند. در عین حال نیز بر اساس تجربه تاریخی داخلی و خارجی و نیز آموزه‌های مکتبی می‌توانیم تصریح کنیم که به دنبال یکی از ساختارهای سه‌گانه دولت‌گرایی سلسله مراتبی، بازارگرایی بی‌اخلاق و شبکه بی‌جهت نخواهیم رفت. از این رو واژه مردمی و مردمی‌سازی را اختیار کردیم تا پاسخ خود را ذیل آن بسته‌بندی کنیم. باز هم یادآور می‌شود که نقد این سه رویکرد به معنای رد نهاد دولت، نهاد بازار یا نهاد همکاری درون‌شبکه‌ای نیست بلکه محوریت‌یافتن مدل حکمرانی آنان را جامع یا درست نمی‌دانیم. حال پرسش‌هایی وجود دارد که باید بدان پاسخ گفت. به طور مثال، چه چیزی را می‌خواهیم مردمی کنیم و اساسا موضوع بحث چیست؟ تصمیم‌گیری، نظارت، تامین خدمات، تامین مالی، اداره و مدیریت، اطلاع‌رسانی، مشورت، همراستاسازی نیروها و هماهنگی یا...؟! آیا همه سطوح اداره زندگی، مشمول مردمی شدن هستند یا بخشی از آن؟ آیا موسع کردن معنای مردمی‌سازی به بی‌خاصیت شدنش می‌انجامد یا جهت‌دهی معنایی خاصی برای مفهوم مشارکت ایجاد می‌کند؟

پاسخ اولیه از منظر عدالت اجتماعی در اندیشه اسلامی آن است که:

«در جامعه‌ای که اساس حیات اجتماعی و ساختارهای آن برای رشد دادن و تعالی انسان وضع شده‌اند و از سوی دیگر، انسان مسیر رشدش را باید از مسیر اختیار دنبال کند و برای تجلی اختیارش نمی‌تواند به صورت اختیاری خود را منزوی کرده و اداره زندگی را به دیگری بسپرد، لازم است به صورت حداکثری (با انواع هویت‌های جمعی‌اش) در تمامی شئون زندگی خویش حاضر باشد تا از مسیر زندگی خود به تعالی برسد. این انسان با درک کامل معنای زندگی که خود می‌سازد، می‌تواند رشد کند. پس مشارکتش در عرصه‌های مختلف اداره جامعه، اصیل است (نه ابزاری) و گستردگی آن، به امکان و ظرفیتش بستگی دارد؛ نه محدودیت‌های از پیش تعیین‌شده. هرگاه انسان از اداره زندگی خویش[8] در همه ابعاد و سطوح، فاصله بگیرد به همان میزان از درک معنای زندگی و فرصت رشد نیز بی‌بهره شده است. به‌تبع، هر انسانی که از درک کامل زندگی محروم شود یا داشته‌ها و هویت‌هایش را درگیر نسازد، دیگران را نیز از آن داشته‌ها محروم ساخته یا زمینه سلطه انحصاری و ظالمانه برخی بر برخی را فراهم می‌کند. همان‌گونه که جامعه بستر شکوفایی کمالات انسانی است، حضور حداکثری موثر همه مردم در ساخت جامعه نیز لازمه کمال تلقی می‌شود.»

مردمی‌سازی به‌مثابه بسیج عمومی آحاد و هویت‌های جمعی حول ارزش‌های مشترک برای اقامه امور

در پیام حضرت امام خمینی (ره) به نهضت سوادآموزی (۷ دی ۱۳۵۷)، حکم شورای انقلاب برای تشکیل اداره امر به معروف و نهی از منکر (۱۳۵۸)، پیام به ملت ایران در مورد حساب ۱۰۰ (۲۱ فروردین ۱۳۵۸)، پیام از بیمارستان قلب در خصوص استقبال جوانان از بسیج عمومی (اسفند ۱۳۵۸)، پیام تشکیل جهاد سازندگی (۲۶ خرداد ۱۳۵۸) و... می‌توان شواهد ایده بسیج عمومی و حکمرانی مردمی را مشاهده کرد. تجربه دفاع مقدس نیز یکی از ناب‌ترین تجارب موفق مردمی‌سازی و در مقیاس بزرگ است که انواع آحاد و هویت‌های جمعی را متناسب با ظرفیت خویش، ذیل هدایت حاکمیت اسلامی در امر حیاتی دفاع درگیر می‌کند. این تجربه نافی همه نگاه‌های صرفا توده‌ای، صرفا خصوصی و صرفا تشکل داوطلبانه (خودجوش یا حقوقی) بلکه موید و جامع همه افراد و اجتماعات است که مدیریت جهادی توانست آن را روی زمین محقق کند.

جدول۱: ضعف تلقی‌های مختلف از مردم در موضوع حکمرانی

ردیف	نوع تلقی از مردم	ضعف
۱	بنگاه	انحصار، پول‌محور، بخش‌بندی مخاطب
۲	توده	بی‌انضباط
۳	تشکل خودجوش	خرد و محدود
۴	تشکل‌های حقوقی- غیرانتفاعی اما غیرحاکمیتی	خرد و محدود، طبقاتی
۵	آحاد و هویت‌های جمعی	شکست درصورت ضعف پیوند اجتماعی و نیز کمبود سرمایه اجتماعی برای حاکمیت

مدل حکمرانی باید بتواند کنش‌های سطح خرد و کلان را سازمان‌دهی کند. به همین دلیل، توسعه تشکل‌ها یا بنگاه، نمی‌تواند یک مدل حکمرانی باشد زیرا فاقد طرحی برای عرصه کلان است. محوریت بنگاه نیز به حکمرانی سرمایه‌دارانه منجر می‌شود. حرکت توده نیز در عین اینکه برای سطح کلان، فاقد طرح است، در سطح خرد نیز چالش بی‌انضباطی را شاهد است و بیشتر نماینده یک حرکت کاتوره‌ای خواهد بود. پس این تلقی‌ها از مردمی‌سازی، نمی‌توانند معنای تام آن را تامین کنند. به طور خاص، مردمی‌سازی را در مقابل خصوصی‌سازی مفهوم‌پردازی خواهیم کرد تا ضمن نفی تساوی این دو مفهوم و رویکرد، مردمی‌سازی مدنظر خود را نیز روشن کنیم:

جدول۲: مولفه‌های مردمی‌سازی در مقابل خصوصی‌سازی

مولفه	خصوصی‌سازی	مردمی‌سازی
واحد مشارکت‌کننده	بنگاه	افراد و هویت‌های جمعی
مدخل ورود اولیه	اقتصاد	سیاست و اجتماع
هدف دولت	واگذاری و نظارت	درونی‌سازی مبادلات، اجتماعی‌سازی و توسعه پیوندهای اجتماعی
عنصر سازمان‌ده	سود	هنجار، تعلق اجتماعی و مسئولیت اجتماعی
تاثیر مالی	رشد هزینه‌ها به دلیل افزایش هزینه بر مقیاس	کاهش هزینه‌ها با استفاده از ظرفیت‌های مردمی
موضع نسبت به عدالت	عدم تعادل تربیتی به دلیل کلونی‌سازی و خاص‌گرایی تکاثر	شکوفایی استعداد توازن در تکثر تبادلات بین هویت‌های متکثر

خصوصی‌سازی، واحد ارائه‌دهنده خدمت یا کالا را بنگاه اقتصادی تعریف می‌کند در حالی که مردمی‌سازی، همه افراد و هویت‌های جمعی از جمله بنگاه را گرهی از گره‌های روابط و مبادلات می‌داند. این هویت‌ها متکثر و متداخل هستند، یعنی همزمان فرد می‌تواند در چند هویت جمعی قرار گیرد که صرفا اقتصادی یا سیاسی نیست. گاهی این هویت‌ها رسمی هستند و گاهی غیررسمی. به طور مثال یک کاسب، هم عضوی از اولیای دانش‌آموزان محل است و هم عضوی از نمازگزاران مسجد محل. پس می‌تواند داشته‌های هویت‌های مختلف را به اشتراک بگذارد (البته به تعبیر والزر، شرافت‌های یک عرصه لزوما نباید به شرافت سایر عرصه‌ها منتقل یا مسلط شود و به تعبیر دینی، حدود شرعی این اشتراک‌گذاری باید مشخص شود). وقتی واحد بررسی ما افراد و هویت‌های جمعی هستند، عنصر سازمان‌ده نظام حکمرانی نیز از سود به هنجارها و ارزش‌های اجتماعی تغییر می‌کند. هنجار می‌تواند افراد با هویت‌های متکثر را حول خویش جمع کند. از این رو اگر یک نظام ارزشی فراگیر (نه مبتنی بر تساهل و تسامح) و جذب‌کننده، غالب شود، توان بسیج عمومی بالایی برای اداره امور خواهد داشت. هنجارها، تعلق اجتماعی تولید می‌کنند و تعلق‌ها اگر قوی باشند، به نسبت مسئولیت‌پذیری بالایی را به همراه خواهند داشت. آن‌گاه است که تعهدات و مسئولیت‌پذیری، نیروها را به کمک می‌آورد. این کار به کاهش هزینه نیز منجر می‌شود. در ساختار سلسله مراتب اگر قرار بود برای هر کار جدید، فرد جدیدی استخدام شود و اگر در ساختار بازار اگر قرار بود برای هر کار جدید، قرارداد جدیدی منعقد شود، اکنون بسیاری از کارها در قالب مسئولیت‌پذیری و تعلق اجتماعی می‌تواند با هزینه کمتر یا منصفانه‌تر یا بدون هزینه انجام شود. به صورت ویژه می‌توان شاهد این ساختار در مدرسه باشیم. برخی مدیران هوشمند از ظرفیت‌های مختلف والدین یا محیط یا معلمان و حتی دانش‌آموزان استفاده می‌کنند و بدون قرارداد جدید یا استخدام جدید، کارهای جدیدی را تولید و ارائه می‌کنند که منجر به انسجام بیشتر مدرسه نیز می‌شود. این فضا که در آن به بهانه‌های مختلف اما حول تعلق به مدرسه، داشته‌های متنوعی ارائه و به گردش درمی‌آید زمینه بروز استعدادهای مختلف نیز خواهد بود و همه از هم بهره‌مند می‌شوند. این فضا به بهانه رشد استعداد به عدم تعادل منجر نمی‌شود و به بهانه تعادل، سرکوب استعداد نمی‌کند. پس به جای بخش‌بندی افراد بر اساس تمایزهایشان، تضارب حداکثری بر اساس همان تمایزها ایجاد می‌کند تا به توازن برسد، نه فاصله و شکاف. نهاد دولت و قدرت کجای مردمی‌سازی است؟ به نظر می‌رسد در اندیشه اسلامی، اصل بر مسئولیت حداکثری حاکمیت نسبت به زندگی دنیوی و اخروی مردم و در عین حال، اصل بر عدم ورود مستقیم و اجرایی به زندگی مردم است، مگر اینکه امری، معطل بماند یا نتوان مستقیما به مردم سپرد. از این رو دوگانه‌های دولت حداکثری و حداقلی یا دولت تنظیم‌گر و تصدی‌گر، ناقص هستند. دولت، متولی است و اگر امری بر زمین ماند، تصدی‌گری هم بر عهده او خواهد آمد. به تعبیری دولت، «وارث من لا وارث له» و «ولی من لا ولی له»[9] است. پس اولویت اصلی آن است که امور در قالب «روابط بین مردم» درونی‌سازی شود؛ یعنی تبدیل امور به جزئی از زندگی مردم و طبیعی‌سازی آن. در این صورت حاکمیت نسبت به نتیجه نهایی مسئول است و اگر به هر صورتی نتیجه محقق نشد باید مداخله کند.

اولویت حاکمیت آن است که درونی‌سازی امور در روابط اجتماعی رخ دهد، نه اینکه امور را تماما خودش انجام دهد چون شئون زندگی را از مردم می‌گیرد و معنای زندگی، ناقص می‌شود. پس دولت حتی اگر بخواهد مداخله کند بهتر است تا حد امکان مردم را واسطه قرار دهد (ورودی که پیوندها را تقویت کند نه اینکه درگیری و اصطکاک بین مردم را بالا برد). حاکمیت زمانی ورود می‌کند که مردم نمی‌خواهند یا نمی‌دانند یا نمی‌توانند ورود کنند. پس اول باید فهم، خواست و توانمندی ایجاد شود. برای این کار هم تربیت افراد و ساختارهای متناسب را در کنار هم باید دنبال کرد (تربیت افراد و اجتماعات در کنار ساختارهای تربیتی). حاکمیت اعمال هر ساختاری را مبتنی بر ظرفیت پذیرش پیش می‌برد و پس از هر اعمالی، باید به حکمت آن رهنمون شود تا اعتماد به نهاد اعمال اراده و اقتدار را حفظ و تقویت کند. برای این کار قطعا نیازمند دولتی قوی و هوشمند هستیم تا بتواند درونی‌سازی امور را پی بگیرد و هر جایی ناموفق بود، مداخله و تولی‌گری مستقیم داشته باشد. پس دولت ضعیف نمی‌تواند مردمی‌سازی را محقق سازد. از این رو دوگانه دولت حداکثری- حداقلی به دوگانه درست دولت قوی- ضعیف تبدیل می‌شود.

شروع نرم‌افزاری مردمی‌سازی

پرسش اینجاست که این مردمی‌سازی را از کجا باید آغاز کرد؟ اگر موتور جامعه‌سازی را سه‌گانه قدرت، پیوندهای اجتماعی و اموال بدانیم.[10] شروع مردمی‌سازی حتما از لایه اموال نیست. به عبارت دیگر، هیچ وقت مشارکت و حضور مردم را نباید از پول و ثروت شروع کرده بلکه باید از روابط اجتماعی و قدرت آغاز کرد، زیرا پایه‌ای‌ترین لایه تغییر، پیوندهای اجتماعی است و هر نوع تغییر باید بر بستر پیوندهای اجتماعی رقم بخورد. برای این کار هرچه بتوان پیوندهای اجتماعی را تقویت کرده و مشارکت در ساختار قدرت و تصمیم‌گیری و اداره امور را مردمی‌تر کرد، آنگاه تعلق اجتماعی بیشتر شده و زمینه مردمی‌سازی اقتصادی نیز بیشتر فراهم می‌شود. به تعبیر بهتر، در فضای مشارکت اجتماعی و سیاسی است که می‌توان مردمی‌سازی اقتصادی را معنادار کرد و الا به رشد خصوصی‌سازی و بازارگرایی منجر خواهد شد. از این فرهنگ فردگرایی و منفعت‌محوری، بازار اسلامی برنمی‌خیزد و بازارگرایی سودمحور تولید می‌شود. مردم اول باید خود را موثر در تصمیم‌گیری ببینند و امور را جزئی از زندگی طبیعی خود بدانند که بخواهند در عرصه اموال هم وارد مشارکت شوند. در غیر این صورت مردم، به بخشی از مردم تقلیل می‌یابد که زمینه سلطه و تبعیض و فاصله است. حال برای مردمی‌کردن نهاد اجتماع و سیاست، برخی به اشتباه از سازوکار بازار استفاده می‌کنند، در حالی که اساسا این دو نهاد، محل شکست بازار هستند و ارزش‌های عمومی در آنها مخدوش می‌شود. پس اصل روابط اجتماعی و نهاد قدرت را نباید به بازار سپرد، بلکه بخشی از نهاد قوام مال را می‌توان با ساختار بازاری اداره کرد. اتکای صرف به بنگاه که هدف آن به طور انفرادی سودآوری است، یک فضای سوداگرانه و سرمایه‌دارانه بی‌رحم ایجاد می‌کند؛ در حالی که بنگاه در کنار سایر هویت‌های جمعی می‌تواند پیشران یک اقتصاد سالم باشد. طبیعتا بازاری که در بستر فرهنگ انصاف تنفس می‌کند با بازار سودمحور شخصی، متفاوت است و حتی در سازوکارهای نظارت و... نیز متفاوت عمل می‌کند.

در ادامه باید اشاره کرد با توجه به ضرورت حداکثرسازی تبادلات و مبادلات بین آحاد و هویت‌های جمعی، برای مردمی‌سازی باید از سیستم بسته به سیستم باز حرکت کنیم، یعنی خرده‌سیستم‌های اجتماعی و هویت‌های جمعی را در عین حفظ تمایزات خود، به سیستم بازتری هدایت کرد که تبادلات و تعاملات حداکثری را با محیط خویش دنبال کند. به طور مثال مدرسه‌ای که با محیط خویش تبادل خاصی ندارد، محکوم به گرفتاری در سیستم‌های استبدادی سلسله مراتبی است. از سوی دیگر واگذاری آن به ساختار بازار نیز در عین اینکه مدرسه را به سیستم باز تبدیل می‌کند اما به جهت بخش‌بندی بازار و مخدوش کردن تعادل تربیتی، محتوای تعلیم و تربیت را تخریب می‌کند. پس باید نوعی دیگر از باز کردن سیستم را تعریف کرد. این تحول، قطعا دستوری نیست بلکه در ابتدا مانع‌زدایی از تعامل مدرسه با محیط پیرامونی است که به صورت طبیعی، فضای تبادل و تعامل، مبتنی بر نیازهای طرفینی شکل خواهد گرفت.[11]

به طور مثال می‌توان اختیار برگزاری اردوی درون شهری و بازدید درون شهری را به مدیر مدرسه دهیم. مدیر فقط برگزاری و گزارش اردو را در سامانه دولتی ثبت کرده و در چهارچوب ضوابط محدود، اقدام به برگزاری اردو می‌کند. اطلاعات این سامانه نیز به صورت مداوم توسط تحلیلگران بررسی و مساله‌یابی خواهد شد تا دستورکار نظام سیاستگذاری تولید شود. این فرآیند، مدیر را در معرض فرصت‌های محیطی قرار خواهد داد. در مثال دیگر گروه‌های مشخص داوطلب (تربیتی، جهادی، طلاب و...) که صلاحیت آنان احراز می‌شود، با مسئولیت مدیر امکان فعالیت رایگان در مدرسه دارند و مدیر، گزارش مستمر دوره‌ای می‌دهد. حتی می‌توان پس از صلاحیت‌سنجی، به عنوان مربی و دستیار افتخاری، داوطلب پاره‌وقت جذب کرد (معلم افتخاری؛ خادم امام رضا(ع)). از سوی دیگر ادارات آموزش و پرورش می‌توانند تسهیل‌گری‌هایی را نیز صورت دهند. به طور مثال ظرفیت‌های محیطی اعتبارسنجی شده را می‌توان به مدرسه معرفی و وصل کرد؛ البته در چهارچوب بازاریابی و تبلیغات سالم. یک تفاوت مردمی‌سازی با خصوصی‌سازی آن است که انواع هویت‌های جمعی بتوانند در تعامل با مدرسه قرار گیرند؛ نه صرفا کسب و کارهای خصوصی خدمات آموزشی. هدف مردمی‌سازی، اجتماع و اجتماعی‌سازی مبتنی بر قابلیت و تدریج است. این الگو در عین تمرکززدایی، دولت‌زدایی نمی‌کند و به خصوصی‌سازی و بازارگرایی نیز منجر نمی‌شود.

برای استقرار ساختار حکمرانی اجتماعی یا مردمی، باید متوجه بود که این کار با هدایت دولت اما حول نظام هنجاری در بافت‌های اجتماعی محقق می‌شود. اقتضای این کار، سرایت اختیارات و توانمندسازی در لایه مدیران عملیاتی محلی است. از سوی دیگر چون در ساختار حکمرانی اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای عمومی پیشران و سازمان‌ده هستند، جریان مردمی‌سازی نیاز به دال‌های مرکزی گفتمانی دارد تا آن را راهبری کند. به طور مثال اقتصاد دانش‌بنیان و اقتصاد مقاومتی تاکنون نتوانسته‌اند دال مرکزی قوی‌ای برای مردمی‌سازی اقتصاد ارائه کنند، لذا در مردمی‌سازی ناموفق بوده‌اند، زیرا بافت اجتماعی را بسیج نمی‌کنند. در شرایط فعلی، اساسا مردم خود را مخاطب تحول اقتصادی نمی‌بینند که بخواهند با آن ارتباط بگیرند. پس باید اندیشید که چگونه می‌توان ادراک عمومی را به سوی احساس مسئولیت ناظر به تحول اقتصادی متوجه و بلکه بسیج کرد! شاید علت را باید در این جست‌وجو کرد که هنوز نهاد قدرت و دولتی که بتواند مردم را فرابخواند وجود ندارد.

گستره مردمی‌سازی

پس از تبدیل شدن حکمرانی‌های خرد و کلان به سیستم باز، باید جایگاه هر یک از افراد و هویت‌های جمعی را مشخص کرد. این گستره شامل تامین، نظارت، سیاستگذاری، اطلاع‌رسانی و... در قالب‌های قرارداد، همکاری، هماهنگی و... با سطح، عمق و نوع مختلفی قابل طراحی است. قاعدتا این کار از یک مسیر دستوری صرف نمی‌گذرد، بلکه یک دولت هوشمند که در لایه عملیاتی به مدیران خود اختیار و توانمندی داده است، به صورت تدریجی می‌تواند اقدام به مردمی‌سازی کند.

مآخذ

خمینی، روح‌الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله علیه، تهران.
سرآبادانی، حسین و همکاران (۱۳۹۹)، نظریه اسلامی عدالت اجتماعی؛ تقریری نو از منظر متفکران اسلامی معاصر، نشر دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.
بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی: www.leader.ir

منابع

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حرم رضوی (۱۴۰۲/۱/۱)
۲. این زاویه، یکی از زوایای اختلاف حکمرانی مردمی با حکمرانی فراگیر (inclusive governance) است.
۳. اشاره به ایده، گفتمان و سازوکار ناظر به این نکته است که نگاه ما صرفا کنشگر محور نیست، بلکه هر نیرو و عامل فعالی را در برمی‌گیرد.
۴. Externality
به طور مثال، تصمیم گرفته می‌شود تا یک مرکز خرید در محله‌ای تاسیس شود. این کار، منجر به افزایش قیمت خانه‌های اطراف مرکز خرید خواهد شد. این اثر خارجی ایجاد شده، داشته‌های افراد را نابرابرتر کرده است و می‌توان با وضع عوارض، مالیات و...، این اثر خارجی را تخلیه و بازتوزیع کرد.
۵. Inclusive governance
۶. پیشاپیش اعتراف می‌کنم که هنوز در بیان تفاوت ساختار شبکه و ساختار مردمی، استدلال برنده‌تری نیافتم و ضمنا در کنار اتصال افقی جامعه (ولاء افقی یا همان پیوندهای اجتماعی)، هنوز نتوانسته‌ام جایگاه اتصال عمودی پیوندهای اجتماعی با نهاد قدرت (ولاء عمودی و نقش هدایتگری نهاد قدرت در حکومت اسلامی) را وارد متن کرده و تشریح کنم. بی‌جهت بودن ساختار شبکه دقیقا در نقطه مقابل ولاء عمودی در ساختار حکمرانی مردمی است.
۷. Meta governance
۸. منظور از اداره زندگی خویش صرفا معاش خود و خانواده نیست بلکه همه ساحت‌های زندگی یک انسان در میان همه انسان‌ها را شامل می‌شود.
۹. وارث بی‌وارثان و سرپرست بی‌سرپرستان
۱۰. برگرفته از نظریه اسلامی عدالت اجتماعی به مثابه قوام و توازن اجتماعی (سرآبادانی و همکاران، ۱۳۹۹)
۱۱. تبادل مبتنی بر نیاز طرفینی را نباید با بازارگرایی سودمحور اشتباه گرفت. اولا مدل تبادل لزوما قرارداد مالی نیست و ثانیا لزوما این قرارداد مالی مبتنی بر اصالت حداکثرسازی سود مالی نیست.

مدیرمسئول:
محمدامین ایمانجانی
قائم‌مقام مدیرمسئول:
مسعود فروغی
سردبیر:
محمد زعیم‌زاده
تلفن وفکس:
۶۲۹۹۹۴۹۵ (۰۲۱)
کدپستی:
۱۱۳۵۶۳۳۸۱۶
چاپ:
چاپخانه دانشگاه آزاد اسلامی
نشانی:
خیابان حافظ، پایین‌تر از جمهوری روبه‌روی ساختمان بورس ساختمان فرهیختگان، طبقه سوم